

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

فرستنده: داکتر هدایت

پروژه عدالت افغانستان

نقض حقوق بشر بین المللی و قوانین انسانی در دوره امارت اسلامی افغانستان

۷.۱ تاریخچه

طالبان بعد از هرج و مرج در دوره بعد از سال ۱۹۹۲ ظهور کردند. در سال ۱۹۹۴ ولایت قندهار بین قوماندانان های رقیب تقسیم شده بود. شورایی که این ولایت را بعد از سقوط دولت نجیب الله اداره می کرد، تجزیه شد و شهر و اطرافش به خاطر گروگان گیری، غصب و تجاوز جنسی شهرت پیدا کرد. سازمان های بشری از منطقه کشیده شده بودند. غیر نظامیان محلی در مقابل سوءاستفاده ها و تجاوزات قوماندانان های رقیبی که پوسته های تلاشی را در اطراف شهر و جاده اصلی منتهی به پاکستان کنترل می کردند، آسیب پذیر بودند.

در اولین عملیات موفقانه نظامی این گروه، یک قوماندان محلی را در قندهار که گفته می شود به یک دختر محل تجاوز جنسی کرده، غیر مسلح کرده و وی را به قتل رسانیدند. طالبان چنانچه خودشان نامیدند، حرکت کرده تا دیگر قوماندانان ها را گرفته و بسیار سریع حمایت پاکستان را جذب کرد که یک مشتری لازم داشتند تا از منافعشان حمایت کند. حمایت اقتصادی و نظامی پاکستان در قسمت پایین بحث شده و توسط دیگر منابع مستند شده است. بعضی از اکمالات و حمایتها از جانب سازمان استخباراتی، ISI، انجام می شد که در دهه ۱۹۸۰ احزاب مجاهدین دلخواه خود را تقویت می کرد. بقیه اکمالات از جانب تجارانی که راه امنی را در افغانستان می خواستند، انجام می شد. به عنوان مثال، در جریان جنگ برای گرفتن هرات در سال ۱۹۹۵، پاکستان آشکارا مداخله کرده و طالبان را با اکمالات لجستیکی و سلاح های بیشتر تقویت کرد، و همچنین طالبان حمایت اقتصادی تاجرهای افغان در کویته که اسماعیل خان از آنها مالیات سنگین می گرفت، را به دست آورد.

در مدت چند روز، طالبان کنترل شهر قندهار را به دست گرفتند و قوماندانهایی که شهر را بین خود تقسیم کرده بودند، بیرون راندند. طالبان در قندهار یک انبار مهمات جنگی واقعی را حاصل کردند: جت های میگ، هلیکوپترها و تانکها. در قندهار مکاتب دختران را بسته و کار برای زنان را ممنوع کردند. همچنین حکم کردند که زنان به تنهایی بیرون به شمول بازار رفته نمی توانند. بعد از قندهار، طالبان بقیه ولایات جنوبی را با جنگ کمی گرفتند مانند ولایات زابل و ارزگان را با کمی جنگ به دست گرفتند. کنترل هلمند را در جنوری ۱۹۹۵ گرفتند. غزنی در جنوری به دست آنها سقوط کرد و از آنجا آنها با نیروهای حکمتیار در ولایات میدان شهر و وردک جنگ کردند. در ۱۴ فیروزی، حکمتیار قرارگاهش در چهارآسیاب را طالبان واگذار کرد و انبار وی که عبارت بودند از سیستمهای مختلف راکت انداز اورگان، مهمات نظامی و یک هلیکوپتر را برای آنها به جا گذاشت.

در سال ۱۹۹۵، آنها کابل را تهدید می کردند و در اواخر آن سال کنترل هرات را گرفتند. اعمال طالبان در خصوص زنان به خوبی مستند شده است: ابتدا در قندهار، بعد هرات و کابل، تکلیف شریعت را امر می کردند و تمام مکاتب دختران و زنان را بستند. آنها حکم کردند که زنان نمی توانند بیرون خانه کار کنند (به جز در محافظت صحتی)، یا بیرون خانه برآیند مگر اینکه با یکی از مردهای اقارب نزدیکش همراه باشد. در شهرها طالبان با ایجاد وزارت امر به معروف و نهی از منکر اعمال کنترل می کردند که همه طالبان را به رفتار نیک وادار ساختند.

کنترل آنها بسیار متمرکز بود با والیان ناحیه ای در تمام ولایات استراتژیک به مستقیماً به ملا عمر گزارش می دادند.

هسته رهبری طالبان بیست و دو عضو شورایی داشت که عمر رهبرشان بود. طالبان ساختارهای نظامی و مدنی خود را به خوبی گسترش داده بودند و ساختار آشکار کنترل و فرماندهی داشتند. در طول این دوره، ملا عمر و متحدینش در قندهار در عملیاتها و تصمیم گیری ها فعالانه شرکت داشتند. ارتباطات نظامی و یک مقام سازمانی به قوماندان های عملیاتی اجازه می داد تا مستقیماً با قندهار ارتباط بگیرند. ملا عمر در تعیین و مدیریت تمام قوماندان های نظامی بلند پایه درگیری فعالانه خود را حفظ کرد. ملا عمر از طریق ارتباطات مخابراتی از قندهار هدایت امور نظامی در تمام کشور را سرپرستی می کرد.

طالبان چندین حمله به کابل را در اواخر سال ۱۹۹۵ تدارک دیدند با راکت باران شهر از همان مکانهایی که حکمتیار موقعیت داشت. سپس، در ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۶ جلال آباد به دست طالبان سقوط کرد. کابل در ۲۶ سپتامبر سقوط کرد. سقوط کابل به دست طالبان، نیروهایی که در جنگ داخلی کابل رقبای کینه توز هم بودند - دوستم، مسعود و خلیلی- را مجبور ساخت تا عملیات هایشان را هماهنگ کنند و در ماه اکتبر، آنها یک اتحاد جدید برای ضدیت با طالبان را به وجود آوردند. در سال ۱۹۹۷ نام اتحاد اسلامی و جبهه ملی نجات افغانستان را برای خود انتخاب نمودند.

در حالیکه جنگ برای به دست گیری دیگر مناطق کشور ادامه داشت، طالبان در کابل اداره بسیار ظالمانه برپایه دستگاه استخباراتیش ایجاد کردند. سازمان اصلی توسط قاری احمدالله اداره می شد که خارج دفتر سابق خاد در صدارت عمل می کرد. در اکتبر ۱۹۹۷ رهبر طالبان، ملا عمر، نام دولت اسلامی افغانستان را به امارت اسلامی افغانستان مبدل کرد.

در می ۱۹۹۷ طالبان بدترین شکستشان را متحمل شدند زمانی که هزاران نظامی طالب طبق گزارش در جنگ کشته شده و یا عجلتاً در جریان یک تلاش برای به دست گیری کنترل شمال شهر مزار شریف به قتل رسیدند. طالبان در سپتامبر ۱۹۹۷ تلاش دیگری را برای گرفتن مزار نمودند، اما دوباره مجبور به عقب نشینی شدند.

تأثیر غیرافغانها بالای ملا عمر بعد از سال ۱۹۹۸ افزایش یافت. اسامه بن لادن در سال ۱۹۹۶ از سودان به افغانستان برگشت و تحت حمایت شورای جلال آباد تا زمانی که طالبان در سال ۱۹۹۶ کابل را گرفتند، به سر می برد. در سال ۱۹۹۷ وی به قندهار رفت. طالبان به خاطر ارتباطشان با بن لادن در سال ۱۹۹۹ مورد تحریم ملل متحد قرار گرفت و در سال ۲۰۰۰ مورد تحریم گسترده قرار گرفت. این تحریم ها شامل ممنوعیت اکمالات نظامی می شد. گرچه، به طور مکرر از این تحریمات مصون ماند.

جنايات جنگی عمده دوره طالبان بین سالهای ۱۹۹۷ الی ۲۰۰۱ رخ داده است زمانی که در راه رسیدن به سلطه و کنترل با مقاومت مواجه شدند، با کشتار شهریان محلی یا دیگر غیر نظامیان، سوزاندن قریه ها، باغ ها و در اینصورت غیر قابل سکونت ساختن مناطق مسکونی اطراف جواب می گفتند. طالبان نیز مانند اسلاف خودشان زندانیان را شکنجه می کردند، اما در این گزارش ما به روی نمونه هایی از کشتارها که به عنوان نشانه های جنايات جنگی طالبان می باشد، تمرکز می کنیم.

به عنوان مثالی از این دست، عقب نشینی نیروهای طالبان از مزار شریف بعد از قتل عام نیروهایشان در می ۱۹۹۷ انتقام گیری هایی را علیه غیرنظامیان به وجود آورد که دست کم ۸۳ نفر را دو قریه بیرون از شهر قتل عام نمودند. مطابق گزارش گزارشگر خاص، ۵۳ نفر شیعه از باشندگان قریه در فزل آباد کشته شدند و حدود بیست خانه آتش گرفت. بزرگان قریه اظهار داشتند: طالبان بعد از ظهر به قریه رسیده بودند و شروع به کوبیدن دروازه خانه ها شدند و از سلاح می پرسیدند. اگر شخصی که در را باز کرده بود، می گفت که آنها کدام سلاحی ندارند، در همان مکان تیرباران می شدند. اگر شخصی برای آنها اسلحه ای تهیه می کرد، بنا به اتهام با همان سلاح در آن مکان توسط طالبان تیرباران می شدند. تعدادی از دهقان ها از قریه در زمین هایشان کشته شدند، برخی ها بنا به گزارش با ابزار زراعتی خودشان بودند. یک گروپ ۱۴ یا ۱۵ مرد جوان از قریه گرفتار شده و به میدان هوایی نزدیک برده شده جایی که شکنجه شده و متعاقباً به قتل رسیدند.

در قریه شیب آباد فقط پیرها مانده بودند بعد از آنکه مابقی باشندگان پس از پیشروی نیروهای طالبان گریخته بودند. طبق گزارش گزارشگر خاص، طالبان وارد قریه شده و سی مرد پیر را شکنجه و به قتل رساندند و بعضی از قسمتهای بدن را بریدند. همچنین باشندگان قریه ادعا کرده اند که قوماندان های پشتون محلی که به طالبان پیوسته بودند، ممکن در کشتارها نیز شرکت داشته باشند و مشابه این گونه کشتارها در تعدادی از دیگر قریه ها در منطقه رخ داده است.

سال بعد در اگست ۱۹۹۸ طالبان - با حمایت قاطع از جانب پاکستان - کنترل مزار شریف را به دست گرفتند. آنها بعداً حداقل ۲۰۰۰ نفر که عمدتاً غیر نظامیان هزاره بودند، دقیقاً به خاطر گرفتن انتقام از کشتار نیروهای خودشان در سال قبل، قتل عام نمودند. این حادثه در ذیل مستند شده است. بامیان در ۱۳ سپتامبر به دست طالبان سقوط کرد. در سال ۱۹۹۸ طالبان بیشتر مناطق شمال افغانستان را تصرف کرده بودند، اما در تصرف شمال غرب ولسوالی بلخاب در ولسوالی سرپل ناکام بودند که بعداً به عنوان مرکز مقاومت ضد طالبان ظهور کرد. بعداً جنگ نیروهای

مقاومت در بیشتر مناطق دوردست هزاره جات گسترش پیدا کرد. ادامه مقاومت در این مناطق طالبان را به سمت يك سلسله عملیات های انتقام جویانه سوق داد و به مجازات های دسته جمعی غیر نظامیان در این مناطق دست زدند.

يك تعداد از این حوادث مفصلاً در ذیل مستند شده است. در جولای ۱۹۹۹، طالبان يك حمله وسیع در امتداد قسمت شمال کابل که به حیث شمالی شناخته می شد به راه انداخته، غیر نظامیان را عجلتاً کشته، قریه ها، مزارع و باغ ها را آتش زدند ظاهراً به انتقام حمایت مردم از نیروهای ضد طالبان و برای جلوگیری از بازگشت مردم صورت گرفت حد و اندازه ویرانی و غارت نامعلوم است.

قتل عام توسط طالبان در مناطق شمالی مقاومت در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ ادامه داشت. در می ۲۰۰۰، سی و يك غیر نظامی اسماعیلی توقیف شده و نزدیک رباطك پاس در نزدیکی مرز ولایات بغلان و سمنگان به قتل رسانیدند. در جنوری ۲۰۰۱ بعد از شروع جنگ در یكاولنگ بین طالبان و نیروهای ترکیبی حرکت اسلامی و حزب وحدت، طالبان ۱۷۶ مرد غیر نظامی را در شهر یكاولنگ به قتل رساندند. جنگ تا جون ۲۰۰۱ ادامه پیدا کرد تا اینکه طالبان مرکز شهر را سوزانده و غیر نظامیان را زمانی که از منطقه عقب نشینی می کردند، کشته اند.

۷.۲ قتل عام در مزار شریف

در ۸ آگست ۱۹۹۸، نیروهای طالبان وارد شهر مزار شریف شدند. در هفته بعدی، نظامیان طالب دست کم ۲۰۰۰ نفر را کشتند که بیشتر آنها غیر نظامی بودند. گزارش ذیل از راپور دیده بان حقوق بشر اخذ شده است. گزارش بنام قتل عام در مزار شریف بر پایه تحقیقات دیده بان حقوق بشر در اکتبر ۱۹۹۸ می باشد.

قبل از حمله به مزار، طبق گزارش پشتون های بلخ وابسته به حزب اسلامی تغییر موضع داده و به طالبان اجازه ورود به شهر را دادند. با داشتن تجربه سال گذشته همراه ملک (به فصل گذشته مراجعه کنید)، طالبان وارد مزار نشدند تا اینکه نیروهای حزب اسلامی خطوط اول جبهه قرار گاه وحدت را احاطه کردند که اصولاً تشکیل شده بود از جنگجویان بامیان در قلعه زینی تخت پل که يك منطقه وسیع محصور شده در شمال شرق مزار در جاده شهر بلخ بود. نیروهای حزب اسلامی به تعداد ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ جنگجوی وحدت را به دام انداخته که بعداً با پیشروی طالبان به محاصره افتاده و نتوانستند بگریزند. بیشتر مبارزان وحدت در قلعه زینی در همان محل کشته شدند. حدود ۷۰۰ تن توانستند از کمین فرار کرده و به سمت حیرتان حرکت کنند اما چون پیاده بودند، بیشترشان توسط نیروهای طالب که در بیابان با موترهای پیکاب عبور می کردند، کشته شدند. غیر ممکن است که تعداد کشته شده ها در جنگ و تعداد دستگیر شده هایی که بعداً توسط نیروهای طالب به قتل رسیده، گفته شود.

طبق گفته يك شاهد، نیروهای طالبان به دامنه های غربی مزار شریف در ساعت ۹:۳۰ صبح به تاریخ ۸ آگست وارد شدند. باشندگان گزارش داده اند که از اوایل صبح از سمت غرب صدای فیر را می شنیده اند. تعدادی بیان داشتند که آنها تصور می کردند که جنگ بین احزاب مختلف جبهه متحد در گرفته و نمی دانستند که طالبان به شهر رسیده اند تا اینکه آنها مشخصاتش که عبارت بود از لنگی های سیاه و بیرق های سفید را دیدند. همچنین شاهدان گزارش داده اند که در تاریخ ۵ یا ۶ آگست دفاتر جمعیت توسط لشکریان خودشان غارت شد که مشتاق بودند هر چیز باارزش را قبل از اینکه دیگران بگیرند، خود بردارند. تعدادی از خانواده های هزاره چندین روز قبل از حمله طالبان شروع به ترك شهر نمودند و طبق گزارش مبارزان وحدت ۷۶ مرد پشتون از چهارک را توقیف کردند که این افراد با پیشروی نیروهای طالبان آزاد شدند.

چون طالبان با پشتون های بلخ که نسبت به منطقه آگاهی داشتند همراه بودند، طالبان توانستند که تاسیسات مهم را در محدوده شهر بسیار سریع شناسایی و تسخیر کنند. يك قطعه که طبق گزارش شامل اعضای پاکستانی از يك سازمان سنی رادیکال بنام سپاه صحابه بودند، وارد کنسولگری ایران در مزار شده و هشت دیپلمات و افسر اطلاعاتی و يك ژورنالیست را به قتل رساندند. نظامیان وحدت داخل مزار از يك مسیر شهر را ترك کردند در حالیکه به طور وحشیانه به نیروهای طالبان در حال پیشروی و هر چیز دیگر "برای اینکه از احزاب دیگر می ترسیدند" در مزار فیر کردند. نیروهای طالبان آنان را تعقیب کرده و طبق گفته يك شاهد به هر چیزی که حرکت می کرد، فیر می کردند. قوماندان وحدت، محمد محقق و دیگر رهبران بلند پایه با هلیکوپتر منطقه را تخلیه کرده بودند.

طبق گزارش دیده بان حقوق بشر، در اولین ساعات به دست گرفتن کنترل شهر، نیروهای طالبان شمار نامعلومی از غیر نظامیان را در حملات نا مشخص به قتل رساندند. آنها به غیر نظامیان و افراد مشکوک نظامی در مناطق مسکونی، خیابان های شهر و بازارها فیر نمودند. شاهدان از آن به عنوان کشتار دیوانگی یاد کرده اند. گزارشات ذیل از گزارش دیده بان حقوق بشر اخذ گردیده است. يك شاهد زن که از منطقه بازار در راه خانه اش بوده، دیده است که در میان کشته شدگان يك بچه که در کراچی نان می فروخته، يك زن که در راه رفتن به يك اجتماع بوده و يك مرد که گندم را آسیاب می کرد، بوده است. تعداد زیادی تاجران در بازار طبق گزارش کشته شده اند زمانیکه طالبان به سرك ها حرکت کرده و بدون مقصد فیر می کردند. در برخی موارد، طالبان از ماشین داری که بر روی

جیبی ها بود، به طور مکرر در سرك ها فیر می کردند. يك شاهد که از بام يك دوکان مشاهده کرده، صحنه هراس انگیز را در شهر چنین توصیف کرده است:

"من از بام می توانستم ببینم که دود از سمت غرب می آید. از دوکانم خارج شدم و به ساحه مشتری ها رفتم که از آنجا توانستم فرار مردم را از سمت غرب ببینم. هرج و مرج و آشفتگی در منطقه بود. مردم می دویدند و توسط موترهایی که سعی در ترك منطقه داشتند، برخورد می کردند. دکان های بازار واژگون شده بود. من يك مرد را شنیدم که می گفت: که مرمی ها مثل ژاله میباریدند. من به خانه رفتم و از پنجره ها می توانستم که فریادها را بشنوم و بیریق های سفید را بالای موترها ببینم."

يك زن از کشته شدن پسر سیزده ساله اش چنین شرح داده است:

"پسرم در يك کارگاه قالین کار می کرد و در روز اول نزدیک روضه مبارک (حرم در مرکز مزار) تیرباران شد. تعدادی از مردم آمدند و به من گفتند که وی به شفاخانه برده شده است. آنها گفتند که وی قبل از مرگش می گفت: "ما از کابل به مزار آمدیم تا زنده بمانیم و اکنون من می میرم. چه کسی سرپرستی خانواده را خواهد کرد؟" من حتی پسرم را ندیدم. من نمی خواستم که به خاطر وی منطقه را ترك کنم، اما ما مجبور به ترك منطقه بودیم."

در روزهای بعدی، نیروهای طالبان يك تلاشی منظم و سیستماتیک برای یافتن مردها از قوم هزاره، تاجیک و ازبک در شهر انجام دادند. به ویژه هزاره ها مورد هدف بودند، بخشی به خاطر داشتن مذهب شیعه و بخشی به خاطر انتقام: چون مقاومت در برابر طالبان در می ۱۹۹۷ در قسمتهای هزاره نشین شهر شروع شده بود. در جریان تلاشی خانه به خانه، گزارش ها نشان می دهد که صدها مرد و کودک هزاره به قتل رسیده اند ظاهراً به خاطر مطمئن شدن از اینکه قادر نباشند تا در مقابل طالبان مقاومتی بکنند. يك شاهد به دیده بان حقوق بشر گفت: "در برخی قضیه ها، افراد مذکر دستگیر شده از خانواده ها لت و کوب شده و یا در محل تیرباران می شدند. گلوی بعضی ها بریده شد." در حالیکه بیشتر کشته شده ها هزاره بودند، شاهدان کشتار مردان تاجیک و ازبک را دیده اند یا می دانند. يك مرد تاجیک که در ۱۰ اگست توقیف شده بود، این گزارش را تهیه نموده است:

"من در کارته بخدی زندگی می کردم. در روز سوم طالبان سرك ها را محاصره کرده و همه خانه ها را به جستجوی هزاره تلاشی می کردند. آنها می پرسیدند: خانه های هزاره کجاست؟ فقط يك خانه هزاره نزدیک ما بود. چهار مرد جوان هزاره در خانه بودند به شمول يك رفیق که برای دید و بازدید آمده بود و يك مرد جوان که در خانه کار می کرد. تاجیک ها، ازبک ها، هزاره ها (مردان بزرگسال) در مناطق همجوار نیز دستگیر شده بودند. ما همگی به موترهای باربری انداخته شدیم، اما دستان چهار مرد هزاره خیلی محکم بسته شده و به جای دیگری برده شدند. دو بچه هزاره دیگر در موتر ما بودند. وقتی که نزدیک ساحه بازار رسیدیم، موتر متوقف شده و دو بچه هزاره پایین آورده شده و به آنها گفته شد که به چهار راهی پشت ساحه بازار بروند. يك عسکر طالب آنها را تیله کرده و بعد هردو را به سرهایشان فیر کرد. بعداً به من گفته شد که چهار هزاره دیگر به تکیه خانه مهدیه برده شده و در آنجا به قتل رسیدند. همه آنها کارگر بودند و نظامی و جنگجو نبودند. آنها همگی بین ۱۹ تا ۲۰ سال داشتند. يك دانشجوی طب گواهی داد که طالبان شفاخانه را نیز برای پیدا کردن هزاره ها تلاشی کردند.

"من دو بچه هزاره را دیدم، یکی در حدود سیزده سال و یکی حدود بیست ساله که یکی از آنها دستش شکسته بود. طالبان خواستند که آنها را بیرون ببرند، اما رئیس (شفاخانه) دخالت کرد. اما آنها روز بعد برگشته و بچه ها را بردند."

تقریباً بلافاصله بعد از اینکه طالبان کنترل شهر را گرفتند، والی جدید طالبان بنام ملا منان نیازی خطبه هایی را در تمام مساجد شهر ایراد کرده و تهدید به خشونت علیه هزاره ها به انتقام کشتار زندانیان طالب در سال ۱۹۹۷ نموده و به آنها اخطار داده که باید به مذهب سنی حنفی روی آورده و یا شهر را ترك کرده و یا با پیامدهای آن مواجه شوند و هر کسی که از هزاره ها حمایت کند را تهدید به مجازات کرد. طبق گزارش در يك سخنرانی دیگر وی بیان داشت: "هزاره ها مسلمان نیستند. آنها کافر هستند. هزاره ها نیروهای ما را اینجا کشتند و اکنون ما باید هزاره ها را بکشیم." طوریکه دیده بان حقوق بشر ذکر کرده، "این خطابه ها توسط بیشتر مقامات بلندرتبه طالبان در مزار در آن زمان بیان شده و به طور واضح اشاره دارد به اینکه کشتار و دیگر حملات بالای هزاره ها اعمال نیروهای طالب برگشته نبوده بلکه تصویب و تأیید مسوولین طالبان را داشته است.

هزاران مرد از اقوام مختلف اولاً در زندان پرازدحام شهر توقیف شده و بعداً به دیگر شهرها به شمول شیرخان، هرات و قندهار انتقال یافته است. طبق گزارش بیشتر زندانیان در کانتینرهای موترهای باربری بزرگ انتقال یافته اند که گنجایش ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر در شرایط بد انسانی را داشته که زندگیشان به مخاطره جدی قرار داشت. در دو نمونه مشهور، وقتی که موتر به شیرخان رسید که حدود ۱۳۰ کیلومتر در غرب مزار قرار دارد، تقریباً تمام مردان داخل کانتینر فلزی از شدت گرمای زیاد و خفگی مرده بودند. به مانند قضیه زندانیان طالب دستگیر شده در سال ۱۹۹۷ - و طبق گفته ملا نیازی به انتقام آن کشتار - ازدحام کردن عمدی این افراد در موتر اشاره به غفلت محض ندارد بلکه تمایل آنها به شکنجه و کشتن توقیف شدگان را نشان می دهد.

۷.۳ قتل عام در ولایت سرپل در سالهای ۱۹۹۹ الی ۲۰۰۰

این مجموعه اسناد، جنایات جنگی مرتکب شده توسط طالبان علیه مردم غیر نظامی ولسوالی گوسفندی در جریان "عملیات های ضد شورش" به دنبال مقاومت در برابر اشغال طالبان در دوره ۱۹۹۸ الی ۲۰۰۱ مستند نموده است. این اعمال علیه غیر نظامیان با عملیاتهای نظامی علیه جبهه مقاومت همراه بوده است. گرچه مقاومت نظامی اغفال کننده بوده و بارها از موقعیت های جنگی عقب نشسته اند و مردم غیر نظامی را در برابر حملات تلافی جویانه طالبان آسیب پذیر گذاشته اند. از ماه جنوری تا مارچ ۲۰۰۰، طالبان پنج کشتار غیر نظامیان را در ولسوالی گوسفندی مرتکب شده اند که ۹۶ نفر را به قتل رسانیده اند.

در تمام پنج مورد، قتل عام ها توسط جوخه آتش انجام شده است. قربانیان اول به اسارت در آمده و دستانشان بسته شده و به بیرون محوطه برای تیرباران برده می شدند. این قتل عام های مشخص علاوه بر دیگر حادثات پراکنده کشتار ها و دیگر جنایاتها توسط طالبان در جریان عملیاتشان در ولسوالی گوسفندی به وقوع پیوسته است.

قتل عام ها توسط قوماندان ارشد طالبان که در ساحه عملیاتی به عنوان بخشی از استراتژی طالبان برای تحت فشار قرار دادن مخالفان احتمالی موجود بود، هدایت و رهبری می شد. طالبان بلند رتبه ای که مستقیماً در پنج قتل عام دست داشتند عبارتند از: ملا عبدالمنان حنفی، قوماندان خط اول، امین الله امین، معاون وی، ملا عبدالستار لنگ، یک قوماندان ارشد، ملا ولی جان، یک والی و قوماندان ساحوی. قوماندان های ارشد طالبان توسط تعدادی از قوماندان های محلی وابسته به طالبان که آگاهی کامل از قتل عام ها و مرتکبین آن داشتند، در عملیات کمک می شدند به عنوان مثال در دستگیریهای دسته جمعی و در کشتار غیر نظامیان همکاری داشتند.

سلسله قتل عام ها که در مدت دو ماه به وقوع پیوسته بیان می دارد که جنایات علیه غیر نظامیان منظم و سیستماتیک بوده و مکرر به وقوع پیوسته و بخشی از لشکرکشی ها به خاطر مجازات دسته جمعی غیر نظامیان در مناطقی که به طالبان تسلیم شده بودند اما یک قرار گاه را برای فعالیت مقاومت ترتیب داده بودند. این نمونه از جنایات با اصول مسلم همدستی در جرم سازگاری می باشد: طالبان تمامی غیر نظامیان را به خاطر فعالیتهای گروه های مسلح که از مناطقتشان عملیات می کردند، مسوول می دانستند.

بر علاوه قتل عام ها، دیگر جنایات در جریان اشغال طالبان و عملیات های ضد شورش عبارت بودند از: دستگیریهای خود سرانه غیر نظامیان، قتل عام های بدون محکمه، کوچ اجباری و گرفتاری به خاطر ساختن کمپهای تویف، سوزاندن خانه ها و استفاده نیروی افراطی به شمول بمباردمان هوایی مناطق مسکونی که شامل مناطقی می شده که پناهندگان غیرنظامی جمع شده بودند. این جنایات یک تعداد از تلفات گسترده را در پی داشت.

شرح جنگ

ولسوالی سنگچارک توسط اداره جنبش ملی شمال غرب افغانستان تا اگست ۱۹۹۸ کنترل می شد. در آن زمان، اداره ولسوالی به همراه مزار شریف و مابقی ساحات جنبش تحت کنترل طالبان درآمد. مردم ولسوالی ترکیبی از ازبک، عرب، تاجیک، هزاره و سید شیعیه به همراه اقلیتی از پشتون ها بودند. طالبان یک اداره را با جادادن اعضای مرکزی طالبان (از جنوب غرب افغانستان) به مقامهای عالی و آوردن قوماندان های هم فکر محلی به مقامهای متوسط، تا سطح ولسوال، به وجود آوردند. گرچه، ولسوالی سنگچارک قبل از جنگ یک ولسوالی ساده بود، در جریان جنگ اداره های ولسوالی جداگانه در گوسفندی و تغزار ایجاد شده بود.

در جریان اولین اشغال شمال غرب، طالبان در پیشروی به سمت ولسوالی بلخاب در جنوب ولایت سرپل ناکام شدند. این یک ولسوالی دوردست و کوهی بود که یک از مراکز اصلی سیاسی فرهنگی مردم شیعیه در شمال افغانستان در جریان جنگ به حساب می آمد. راه سرک در زمستان بسته بود. این ولسوالی به عنوان یک قرارگاه امن و مرکز مقاومت ضد طالبان در شمال غرب ظهور کرد. تعداد زیادی از قوماندان های مجاهدین و ملیشه ها که مخالف توافق با طالبان بودند، در بلخاب گرد آمده بودند و جبهه متحد یک خط لوجستیکی ضعیفی را از طریق هلیکوپتر از قرارگاه هایش در شمال شرق افغانستان ایجاد کرد. قوماندان های مهم سنگچارک که خودشان را در جوار بلخاب مستقر کرده بودند، برادران قوماندان جنبش عبدال چریک بودند (حاجی امیرالدین و کمال خان) و مولوی ظریف و عبدالرحیم از جمعیت بود. در جریان زمستان ۱۹۹۸/۱۹۹۹ (مطابق سال ۱۳۷۷) مقاومت ضد طالبان در بلخاب یک لشکر کشی برای اخراج طالبان از سنگچارک به راه انداختند. نمونه ای از جنایاتی که طالبان مرتکب شده اند در شرح عملیات "ضد شورش" آمده است که در آن هم مردم غیرنظامی مناطقی که احتمال فعالیت جنگجویان مقاومت در آنجا می رفت را مورد هدف گیری قرار دادند و هم قوماندان های وابسته طالبان علیه رقبای محلی خودشان مرتکب افراط گرایی شدند.

حمله اجرا شده توسط مقاومت در سرپل در اول دسامبر سال ۱۹۹۸ به وقوع پیوست. اما مقاومت از لحاظ نظامی ضعیف بود. آنها قادر بودند که دفاع طالبان محلی را در هم بشکنند اما در نگهداری موقعیت های ثابت علیه عملیات متقابل طالبان نا موفق بودند و سریعاً خودشان را به مکانهای امن تر در کوه ها عقب می کشیدند زمانی که طالبان

کمکی سر می رسیدند. این بدین معنی است که طالبان بیشمار جنایات علیه غیر نظامیان در سالهای ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ انجام داده اند، چون طالبان بزرگان غیر نظامی را به خاطر یورشهای انجام یافته توسط گروهها مقاومت در حال حرکت، مجازات می کردند.

در می سال ۱۹۹۹، طالبان یک نیروی اصلی را دوباره تحت قو مانده ملا برادر برای تصرف بلخاب گرد آوردند. برادر توسط ملا فضل مظلوم، قوماندان قوای مسلح همراهی می شد. طالبان در تصرف بلخاب ناکام شدند. ملا برادر با قوای اعزام شده اش در جون ۱۹۹۹ از ساحه عقب نشینی کرد که دست جبهه مقاومت را برای عملیات متقابل به سنگچارک باز گذاشت. جبهه مقاومت سریعاً به سمت شمال شرق حرکت کرده و فوراً آب دره و امرخ را دو مرتبه تصرف کرد. همچنین آنها حمله غافلگیرانه را بالای بلوچ، در دیگر طرف آب دولگان ترتیب داده و آنرا گرفتند. این بار آنها از راه آب دره به آب خور حمله کردند. دو مرتبه تا گوسفندی پیش رفتند. گرچه، به مدت ۱۰ روز آنرا نگه داشتند قبل از آنکه توسط طالبان دوباره بیرون شدند. جنایات بیشمار طالبان علیه مردم غیر نظامی در سنگچارک در عملیات تصفیوی بعد از آنکه برای بار دوم گوسفندی را در زمستان ۲۰۰۰/۱۹۹۹ گرفتند، رخ داده است. نیروهای مقاومت در آب دره و امرخ در جوار آب خور در محدوده جنوب شرقی سنگچارک جا گرفتند. اما طالبان مناطق اصلی پر جمعیت را دومرتبه گرفته و یک لشکرکشی ضد شورش را به پا کردند که تقریباً تا جون سال ۲۰۰۰ طول کشید. بعد از تصرف آب خور توسط طالبان، یک تعداد از مردم غیر نظامی به همراه مولوی ظریف به آب دره و امرخ پناهنده شدند. جبهه مقاومت، دیگر یک تهدید مهم نظامی برای طالبان به وجود نیاورد تا اینکه جنرال دوستم در اپریل ۲۰۰۱ برگشت موقعی که وی به جبهه سرپل نیروی تازه داده و حملاتش را به زاری راه انداخت.

قوماندان های بلندپایه طالبان، مسوول قتل عام ها

ملا عبدالمنان حنفی قوماندان خط اول در گوسفندی/آب خور به مدت شش ماه بود. (این زمان شامل عملیات تصفیوی در جنوری - مارچ سال ۲۰۰۰ می باشد). وی به عنوان قوماندان جبهه اختیار تمام نیروهای مبارز طالبان را که در گوسفندی عملیات می کردند، داشت و مسوول اصلی برای یک سلسله قتل عام های مستند شده در گزارش می باشد. به ویژه، یک شاهد عینی حنفی را به عنوان شخصی که دستور قتل عام بزرگان خاسار صادر کرده است، می شناسد. وی در یک موتر نشسته بود و مشغول خوردن میوه بود زمانیکه بزرگان سعی داشتند که به وی نزدیک شوند. به عوض دیدن آنها، وی به معاونش دستور داد که آنها را کشته و تیرباران کند. ملا ولی جان، والی ولایتی طالبان (در جوزجان) در جریان عملیات گوسفندی حضور داشته است. چندین شاهد از وی به عنوان یکی از قوماندان هایی که کشتارها را سرپرستی کرده، نام برده اند. ملا عبدالستار، قوماندان ارشد طالبان از جنوب غرب افغانستان، کشتار نه زندانی آب خور را در آچابر طبق گفته شاهدان نظارت کرده است.

امین الله امین از چمن به عنوان معاون رئیس استخبارات سرپل، بعنوان معاون عبدالمنان حنفی ایفای وظیفه می کرده است. وی در قتل عام بزرگان خاسار دست داشته است چون وی دستوری از حنفی گرفته تا گروه ها را جدا کرده و دستگیر نموده و برای کشتن ببرند.

قوماندان های محلی وابسته به طالبان با گردآوری زندانیان برای تیرباران و به طور کلی عمل کردن تحت سرپرستی حنفی و طالبان بلند پایه، نقش زبردست را در قتل عام ها داشته اند. این قوماندان ها عبارت بودند از: ملا (جنت) میر و خالق، قوماندان پشتون محلی قریه الغون، وابسته به طالبان، در عملیات دلو و حوت در آب خور شرکت داشتند و طبق گفته شاهدان، تحت دستور ستار و ولی جان عمل می کردند. قوماندان محمد میر ولد باز آقا، قوماندان جنت میر از الغون و قوماندان عبدالله از ملکان با هدایت باشندگان قریه جابجا شده به بازگشت به قریه هایشان، قبل از جمع آوری آنها و سپس با اجرای پروسه جداسازی در قتل عام آب خور - خاسار تسهیل ایجاد کردند. تحلیل مفصل قتل عام های انجام شده توسط طالبان در گوسفندی در جریان عملیات تصفیوی جنوری - مارچ سال ۲۰۰۰

قتل عام بزرگان خاسار در ۱۲ فیبروری سال ۲۰۰۰

بعد از آنکه قوای مقاومت توسط مولوی ظریف و دیگران رهبری شده و برای بار دوم از گوسفندی عقب نشینی کردند و نیروهای طالبان یک عملیات تصفیوی را به اجرا گذاشتند، یک گروه از بزرگان قریه خاسار تصمیم گرفتند که طالبان بلندرتبه را ملاقات کرده تا برای مردم غیر نظامی ضمانت امنیتی جستجو کنند. رهبر نمایندگان آغا دخان به عهده داشت. عبدالمنان حنفی (قوماندان خط اول، که به عنوان والی نیز یاد شده) مهمترین طالب ارشد منطقه بود. وی توسط معاونش امین الله امین همراه بود. حنفی ملاقات با بزرگان را نپذیرفت. وی امین را فرستاد که آنها را دستگیر کرده و به قتل برساند. امین گروه را جدا کرده و به بولدیون برده که گروهی از طالبان در جوخه

آتش آنها را تیرباران کردند. یکی از اعضای نمایندگان، که بعداً گزارش داد که چه اتفاق افتاده بود، از این گروه قبل از آنکه دیگران دستگیر شوند فرار کرده بود.

قتل عام آب خور - آچابر، ۲ فیبروری سال ۲۰۰۰ (کشتار نه زندانی آب خور توسط جوخه آتش)

در تاریخ ۲ فیبروری سال ۲۰۰۰، طالبان باشنندگان قریه را در آب خور در مسجد آغا شاهنشاه فراخواندند. آنها به مردم اعلام کردند که سلاح هایشان را تحویل دهند که در نتیجه چندین افراد آورده و سلاح ها پشا نرا تسلیم نمودند. (مطابق نقل قول، یک منطقه بدین شکل خلع سلاح شد: سهمیه ای از سلاح ها را خواستار شدند بدون اینکه برای این مطالبه تنها نظامیان یا جنگجویان را مورد هدف قرار دهند.) طبق گفته شاهدان محل، مبارزان فعال جبهه متحد به تازگی منطقه را رها کرده بودند (همراه سلاح هایشان). سپس، طالبان ده ها مرد، همه غیر نظامی، را دستگیر کرده و همه آنها را به مسجد مولوی ظریف بردند و شب را آنجا نگهداری کردند. بعد از نماز صبح، طالبان دستان زندانیان را با لنگی های خودشان بسته و در یک موتر پیکاب بار نمودند. طالبان عمده ای که در محفل قتل عام حضور داشتند، ملا عبدالستار لنگ و ملا ملنگ بودند. آنها زندانیان را در چپه گراند، نزدیک آچابر پایین نمودند. طالبان در آنجا با استفاده از سلاح های اتماتیکشان به گروهی از زندانیان فیر نمودند. یک بازمانده بنام ج. از این تیرباران نجات پیدا کرده و موجود می باشد. وی بعد از دریافت سه مرمی زخمی شده و توسط مردم محل پناه داده شد. وی گزارش حادثه را تهیه نموده است.

قتل عام ایلرب، ۵ الی ۱۰ فیبروری سال ۲۰۰۰ (کشتار ۲۲ نفر از ایلرب توسط جوخه آتش)

طالبان در بدو ورود به ایلرب به مسجد قریه، جایی که برایشان غذا داده می شد، رفته و سپس تلاشی خانه به خانه را آغاز کردند. آنها ۹۰ نفر از طبقه ذکور را از قریه گرد هم آوردند و در خانه حاتم بای نگه داشتند. بعداً توقیف شدگان را طبقه بندی کرده، ریش سفیدان را آزاد کرده و تقریباً ۲۶ نفر مرد جوان را نگه داشتند. طالبان آنها را برای یک شب در یکی از خانه های قریه زندانی کردند. روز بعد، یک گروه پنج نفری طالبان زندانیان را به محلی در قریه تاتار بردند. آنها را در کنار یک گودال صف بندی کرده و تیرباران نمودند. چهار نفر از زندانی ها که در جوخه آتش تیرباران شده بودند، بعد از مجروح شدن از مرگ نجات یافتند.

قتل عام صیاد، ۲۶ مارچ سال ۲۰۰۰

باشندگان صیاد گزارش داده اند که در ۲۶ مارچ سال ۲۰۰۰، در جریان عملیات تصفیوی طالبان در ولسوالی گوسفندی، طالبان بیست و دو نفر از صیاد را در چهار محل مختلف که عبارتند از: جر شوراب، جر باتور، قریه صیاد و باشم ایکاشم به قتل رساندند. نامهای قربانیان داده شده توسط باشندگان صیاد شامل مردان و زنان به سن ۱۴ تا ۶۵ سال می باشد.

قتل عام جر رجب به تاریخ ۲۸ و ۲۹ مارچ سال ۲۰۰۰ (۲۵ زندانی از آب خور توسط جوخه آتش در جر رجب، خاسار کشته شدند.)

بعد از اینکه طالبان موفقانه دره آبخور را اشغال کردند، آنها مردم غیر نظامی را تشویق کردند که دوباره به قریه هایشان برگردند. آنها ۲۵ نفر را توقیف کردند. بعداً طالبان دستهای زندانیان را بسته و به قریه خاسار منتقل و توسط جوخه آتش به قتل رساندند. متعاقباً مردم خاسار اجساد را پیدا کرده و دفن نمودند.

قتل عام ها در اسماعیل، شاه مرد و بولدیون در فیبروری - مارچ سال ۲۰۰۰

بعد از عقب نشینی مخالفان از اسماعیل، شش نفر از بزرگان منطقه برای ملاقات طالبان رفتند. آنها یک گرمه مربوط به مبارزان طالب را در قریه مشاهده کردند. ملا خود را معرفی کرد و تیرباران شد. پنج نفر دیگر مورد تحقیق قرار گرفتند. آنهایی که خود را هزاره معرفی کرده بودند، درجا کشته شدند. آنها باز محمد ولد مراد و گل بای ولد قربان بودند. سه نفر دیگر، که خود را سید یا تاجیک معرفی کرده بودند، جدا شدند.

۷.۴ جنگ در شمالی در سالهای ۱۹۹۶ الی ۲۰۰۱ و قتل عام ها

در جریان جنگ در میدان شمالی، طالبان به طور منظم و سیستماتیک در جنایات علیه مردم غیر نظامی و نقض قوانین جنگ با توجه به حمایت سربازان hors de combat شرکت داشتند. این جنایات ها در تمام مدت این دوره ادامه داشته و در جریان و بلافاصله بعد از حملات اصلی طالبان تشدید می شد. جدی ترین جنایاتی که طالبان در شمالی به آن متهم هستند، عبارتند از:

- ویرانی خود سرانه زیر بنا های شهری به شمول خانه ها، باغ ها و سیستم آبیاری
 - کوچ اجباری مردم غیر نظامی، شرکت داشتن در مهاجرت دسته جمعی ۳۰۰۰۰۰ نفر از میدان شمالی
 - توقیف های خود سرانه مردم غیر نظامی از میدان شمالی
 - قتل عام غیر نظامیان و مبارزان تسلیم شده
 - استفاده افراطی از قوا در بمباران های توپخانه ای بیشتر ساحات غیر نظامی، عامل بودن به تلفات اجتناب پذیر، خسارت زدن زیاد به زیربنا های غیر نظامی و کوچ اضطراری
- مجموعه اسناد پروژه عدالت افغانستان شامل اظهاراتی می باشد که هر پنج نمونه جنایات را در بردارد. گرچه، تمرکز اصلی این اسناد به یکی از جنایات، در مورد قتل عام های غیر نظامیان و لشکریان تسلیم شده در جریان حمله بی ثمر ۵۰۴ آگست سال ۱۹۹۹ (۱۱ و ۱۲ ماه اسد سال ۱۳۷۸ در جنتری فارسی) می باشد.

متن

شمالی یک منطقه ای می باشد که حدود هفتاد کیلومتر از حومه شهر کابل در جنوب تا دامنه های کوه سالنگ در شمال کشیده شده است. به دنبال تصرف کابل در سال ۱۹۹۶، آنجا مهمترین منطقه تلقی می شد برای اینکه تنها خط اولی بود که جبهه متحد مخالف طالبان می توانستند یک تهدید نظامی برای پایتخت بو جود آورند. گرچه، گذشته از اهمیت نظامی این منطقه، میدان شمالی یک مسکن اصلی انسانی با جمعیتی حدود ۶۴۳۰۰۰ در سال ۱۹۹۶ را شامل می شد.

رویارویی طالبان و جبهه متحد در میدان شمالی به طولانی ترین جنگ دوره طالبان تبدیل شد. این جنگ با تصرف کابل در سپتامبر ۱۹۹۶ توسط طالبان شروع شده و تا عقب نشینی طالبان از کابل در نوامبر ۲۰۰۱ ادامه یافت. هر دو جناح بر سر منطقه شمالی در طول این دوره پنج ساله با هم درگیری داشتند. این جنگ بین دوره های حملات اصلی متناوباً واقع شده که در آن گاهی خطوط اول سریعاً حرکت می کرد و در دوره های بن بست که هر دو جناح در آن در خطوط اول استاتیکی به اطراف شمالی ثابت قرار داشتند.

جنگ شمالی یک نمونه برجسته می باشد که در آن هر دو سردسته های اصلی به روی مقدار اساسی منابع نظامیشان تمرکز می کردند. آنها هر دو جناح، شرح و تفسیر حادثات را انعکاس داده و نقل قول جنایات انجام شده توسط جانب مقابل را برجسته می کردند. هر دو سمت در گیر در خطوط اول جبهه حضور داشته و سازمان های امداد رسان کمک های انسانی را انجام داده و زما نیکه آنها پی به دردناک ترین جنایات بردند آنها را محکوم می کردند. جامعه بین المللی بشکل گسترده ای طالبان را بخاطر "سرزمین سوخته" که یکی از اعمال جنگی آنها بوده و منجر به ویرانی زیربناها و اخراج اجباری مردم، گردیده بود محکوم نمودند.

تفصیلی از حادثات عمده

تمام حملات طالبان در شمالی بعد از تازه ترین پیشروی در ۱۹۹۶ توأم با جنایات گسترده علیه مردم غیر نظامی صورت گرفت. دوسیه پروژه عدالت افغانستان بر تعداد حادثات مشخص و نادر در ساحات ولسوالی های خطوط اول مثل بگرامی، کلکان، قره باغ و میر بچه کوت بخاطریکه گواهی های مفصل در از این جاها بدست دارد و بخاطریکه قربانیان این محلات شناسای شده است تأکید میورزد. این واقعات توضیح دهنده یک جزء از نمونه های جنایات قتل میباشد. آنها میزان مشخص حائثه را مشخص نکرده است. طالبان در مجموع ۷۱ نفر مردم غیر نظامی را اسیر گرفتند و افراد نظامی جنگی را محاصره کرده بودند که در حادثه توضیح داده شده است. اگرچه تعداد کشته ها به نظریه نیروهای زیاد و قتل عام ها در نواحی خطوط اول در حمله سال ۱۹۹۹ به تنهای چندین برابر این تعداد میباشد. بطور مختصر اظهارات شاهدان عینی روی موضوع قتل عام تمرکز مییابد ولی این یک جزء از جنایات است که بدوام ویرانی ها و تخریبکاری های عمدی صورت گرفته است.

ولسوالی میر بچه کوت

در ۳ ماه آگست ۱۹۹۹ یک گروه طالبان تحت امر مستقیم قوماندان ارشد طالبان یک گروه ۱۱ نفر را که پرسونل میدان هوای بگرامی را در دشت چرچرک گرفته بودند قتل عام کردند. قربانیان اسیر دستهایشان بسته به قتل رسیدند. در همان روز طالبان دو نفر سلمان را در نزدیکی میدان هوای و نه نفر اسیر دیگر را در دشت چرچرک به قتل رساندند.

■ ولسوالی کلکان

بعد از فروکش کردن حملات طالبان در ۹ ماه سپتامبر ۱۹۹۹ طالبان ۷ نفر افراد ملکی را در قچی مربوط ولسوالی کلکان به قتل رساندند. یک دسته از طالبان در تاک های که یک تعداد زنها در آنجا کار میکردند داخل شدند و زنی را بنام بی بی کشور زن غلام به سن ۳۰ سالگی همراه دو زن دیگر و چهار طفل تیر باران کردند.

■ ولسوالی قره باغ

در ۳ ماه اگست ۱۹۹۹ ساعت ۱۱ بجه قبل از ظهر یک گروپ از طالبان در قریه الله رام مربوط ولسوالی قره باغ داخل شدند و ۱۶ نفر را بسته کرده به دریای خشکیده نزدیک قریه بردند و همین دسته از طالبان همه این ۱۶ نفر را تیرباران کرده به قتل رساندند. این قریه تا آن زمان آسیب ندیده بودند.

■ ولسوالی میر بچه کوت

در جریان یک روز اشغال مرکز ولسوالی میر بچه کوت در ۲-۳ اگست ۱۹۹۹ گروه طالبان با فیر کلاشینکوف در حدود ۲۶ نفر غیر نظامیان را در خارج دفتر ولسوالی در منطقه کود کیمیای به قتل رساندند. مردم در جستجوی اقوام گمشده شان بودند که نا گهان جسد آنها را از مرکز ولسوالی بعد از عقب نشینی طالبان در ساعت عصر روز پیدا کردند. و آنها توانستند که شناسای کنند که اکثر آنها باشندگان منطقه و ملکی بودند. طالبان خود سرانه این قربانیان ملکی مرد را در جریان اشغال میر بچه کوت اسیر گرفتند. شواهد بیان میکنند که آنها همچنین گروپ ۱۶ نفری را در کابل برای چندین ماه بعد از عملیات گرفتار کردند و مورد شکنجه، ظلم و بد رفتاری قرار دادند که شامل لت و کوب شدید و دوامدار بود.

سلسله دستورات وشامل بودن افراد کلیدی طالبان

قوماندان ارشد ساحوی طالبان در شمالی در جریان حملات ۱۹۹۹ ملا دادالله قوماندانان که از سرک نو طرف بگرامی پیشروی میکردند قومانده میداد و ملا فاضل قوماندانان که از سرک کهنه طرف میر بچه کوت پیشروی میکردند قومانده میداد. زیرا قوماندانان در ساحه مستقیماً نیروها را در انجام جنایات رهبری میکردند. این دو نفر (یعنی ملا داد الله و ملا فاضل) مسؤلیت عمده را بدوش دارند. یک شاهد عینی که با طالبان میجنگید بطور مشخص پای ملا فاضل را به حیث رهبری کردن بی دلیل و ویرانی زیر بنا های ملکی به میان کشیده است. در ۱۰ ماه اگست ۱۹۹۹ این قوماندانها با ملافاضل در نزدیک خط اول در میر بچه کوت تشکیل جلسه کردند و او مستقیماً خرابی های خانه ها و دوکانها را در محل مشاهده کرد. ملا فاضل ویرانی و خرابی ها را رهبری میکرد. در نوامبر ۲۰۰۱ ملا فاضل توسط نیروهای آمریکای گرفتار شده به زندان ایالات متحد رفت. ملا برادر که معاون لوی درستیز بود شخصا در رابطه به دستور و مشاهده کردن قتل ۱۱ نفر از پرسونل میدان هوای در دشت چرچرک در ۳ ماه اگست ۱۹۹۹ متهم گردیده است.

۷.۵ قتل عام رباتک

در ماه می ۲۰۰۰ نیروهای طالبان یک دسته از اسیران غیر نظامی را در نزدیک سرک رباتک که شهر تاشقرغان و پلخمری را به هم وصل میکند به قتل رساندند که اجساد شان در روی سرک افتاده بودند. ۳۱ جسد از محل قتل پیدا شد ۲۶ نفر شان از مردم شیعه اسماعیلی قوم هزاره از ولایت بغلان شناسای شده بودند. و بقیه از مردم شمال شاهراه رباتک از محلی بنام هزاره مزاری بین ولایات سمنگان و بغلان شناسای شده بودند. در زمان قتل آنها منطقه در دست طالبان بود. تمام کسانی که کشته شده بودند چهار ماه قبل اسیر شده بودند و اکثر شان قبل از قتل شکنجه شده بودند. این افراد ازخانه هایشان از ۵ الی ۱۴ جنوری ۲۰۰۰ توسط طالبان گرفتار شده بودند. زندانیکه آنها در آن زندانی بودند تحت امر قوماندان ملا شهزاده قندهاری بود نامبرده قوماندان جبهه طالبان در خنجان بود.

شرح حادثه

گزارش ذیل از حادثه از مصاحبه با (ج) یک قومی دور و همسایه قربانی که معلومات مفصل از ارباب سنا برادر یکی از قربانیان است بر گرفته شده است که شهادت وی در در گزارش سازمان دیده بان حقوق بشر تحت نام " قتل عام هزاره ها در افغانستان". بیان کرده است.

در ۵ ماه جنوری ۲۰۰۰ یک تعداد نیروهای طالبان در قریه نیک پای در ولسوالی دوشی ولایت بغلان حمله دسته جمعی کرد. طالبان که با موتر های داتسن همراه بودند در صبحگاه حمله بردند. آنها شروع به جمع آوری مردم از قریه بکس، زیغوله و دیگر دهات در نیکپای و گرفتاری تعداد دیگر از خانه هایشان کردند.

تعداد کسانی که گرفتار شده بودند ریش سفیدان قریه بودند. در آنجا مردمان دیگر نیز حضور داشتند و تقریباً اکثر جمعیت آن قریه از این گرفتاری شهادت دادند.

گرفتار شدگان در قرارگاه مرکزی عملیاتی ملا شهزاده در خنجان تقریباً بین ۵ الی ۱۰ جنوری انتقال داده شدند. اقارب اسیران اجازه داده شدند تا از زندانیان دیدن نمایند تا ببینند که چطور آنها مورد شکنجه لت و کوب، کبیل برقی و ایستادن در هوای سرد بالای برف مجبور میشوند. یکی از کسانی که بعداً در گذرگاه روباتک کشته شد بنام سید تاج الدین جوان ۱۸ ساله بود که از شدت سرمای شدید و لت و کوب بقتل رسیده بود. زمانیکه زندانیان در پلخمری انتقال داده شدند هر دو پایش در شفا خانه فابریک نساجی قطع گردید و برایش دو عدد چوب زیر بغلی داد شد. در تاریخ ۱۴ جنوری زندانیان در عقب قرارگاه ملا شهزاده در پلخمری انتقال داده شدند و در ۸ ماه می زندانیان از حال رفتند یک نفر خدمتی معلومات داد که اقارب زندانیان در موتر های جدا گانه در ظهر همان عصر بار زده شدند. و موترها توسط موتر های دانشن طالبان محافظت میشدند. بعداً اجساد این زندانیان در محل هزاره مزاری تقریباً یکنیم ساعت راه از زندان پیدا شدند.

در ۱۸ ماه می چوپان ها از راه عبوری رباتک راجع به اجساد به مرجع ولایتی ولایت سمنگان خبر دادند و مقام ارشد ولایت سمنگان کار گران را برای دفن اجساد فرستادند و آنها توسط نظامیان طالبان حفاظت شد. طبق اظهارات یکی از کارگران کشته شدگان دستهای شان در عقب بسته شده بودند و همه شان در یک ریسمان گروپ سه نفری بودند. این گزارش از سازمان دیده بان حقوق بشر اخذ گردیده است.

۲۸ نفر از این قربانیان پیدا شدند که با روهایشان روی زمین خوابانیده شده بالای شان فیر صورت گرفته بودند. جسد یک زندانی دیگر که شناسای شده بود بنام صاحبدا بود و به قسمی که دستهای و بازوهای و پاهایش با ریسمان های جدا گانه به یک درخت بسته شده بودند به قسمی که گرفتار کننده وی از مهارت خاص کار گرفته بود تا وی را از حرکت باز دارد. این کار گران در حدود ۲۹ جسد را در ساحه هزاره مزاری دفن کردند. اجساد ۳۰ سانتی متر بخاطر حفاظت از حیوانات وحشی زیر خاک بودند. کار گران که کمک برای دفن خاک اجساد رفتند چیزی را که دیدند بیان کرده اند.

اجساد در روی زمین با روی شان خوابیده بودند و دستهایشان تماماً در عقب شان بسته بودند. زخمهای مرمی از پشت دیده و تشخیص داده نمیشد لکن خون در روی زمین زیر سینه هایشان دیده میشد. من اجساد را دیدم که ۴ روز قبل کشته شده بودند. اجساد شان نه پندیده بودند ولی خون واضحاً از سینه های شان سرازیر شده بودند ولی من فهمیدم که از پشت سر فیر صورت گرفته است زیرا در دیگر قسمت های بدنشان علامت زخم دیده نمیشدند و در دریای خون که از سینه هایشان خارج شده بود شناور بودند.

با لنگی ها دستمال های که تاب داده ریسمان درست کرده بودند سه سه گروپ بسته شده بودند. آنها یکی به دیگری توسط لنگی های خودشان بسته شده بودند. در واقعیت ما بسیار ترسیده و ناراحت بودیم که ما به سختی و زور جرات کردیم که به زمین بی بینیم. بسیار به مشکلات میتوانستی در آنجا ایستاده شوی.

به زود ترین وقت بعد از اینکه کارگران برگشتند اطلاع و یا خبر به نیک پای رسید که بعض مردم این محل در بین کشته شده گان بودند. و یک گروپ از مردم آمدند و قبرها را مورد بازرسی قرار دادند و از قبرهای کم عمق پاره های لباس شان را پیدا کرده و از طریق همین لباس ها اقارب مفقود شده شان را شناسای کرده بودند. و آنها بیشتر از دو جسد را از منطقه نه چندان دور تر از محل پیدا کرده بودند که اجساد در همان محل ایکه بالایشان فیر شده بود افتیده بودند.

منطقه رباتک تحت کنترل طالبان باقی ماند. مستنطقین محلی حقوق بشر در ماه نوامبر ۲۰۰۰ از محل دیدن کرده و متباقی مخروبه های قابل دید را عکس برداری کردند.

۱. قوماندان عمومی طالبان در خط اول خنجان در ولایت بغلان در مدت نیم سال اول ۲۰۰۰ ملا شهزاده بود که صلاحیت بر تا سیسات زندان های خنجان و پلخمری جای که زندانیان رباتک داشت و قوماندان نیروهای مسلح مستقر در محل بود. قوماندان اعلی طالبان در زون شمال (قوماندان قول اردوی ۵ مستقر در مزار) بنام ملا عبدالرزاق قوماندان بلند رتبه تر از ملا شهزاده و مسوول سوق و اداره عملیات بود، برایش از استراتژی و پالیسی طالبان آگاهی میداد. وی اولین مقام رسمی نظامی بود که باید از شکنجه که توسط ملا شهزاده علیه زندانیان غیر نظامی صورت میگرفت آگاه میبود. و همچنین از واقعیت قتل و کشتار باید آگاه میبود و در صورت ابتدای احضار قوماندان به محکمه و ممانعت از تکرار واقعات مسوولیت داشت. وی قوماندان نظامی طالبان بود.

عاملین و کسانی که مسوول انجام جنایات اند

- ملا شهزاده قندهاری قوماندان ارشد طالبان در قتل های عام مستقیم مسوولیت داشت.
- ملا شهزاده در اخیر سال ۲۰۰۱ در نظارت خانه نیروهای آمریکای برده شد لکن در ماه می ۲۰۰۴ آزاد گردید. متعاقباً بعد از رهای با یک واحد نظامی طالبان پیوست و در یک جنگ رویا با نیروهای آمریکای به قتل رسیدند. در زمانیکه این جنایات صورت گرفت او قومندان عمومی طالبان در خط اول خنجان در ولایت بغلان قومندان قسمت از صفحات شمال مقرر گردید. دیگر افسران که بخشی از تشکیلات نظامی در محدوده فرماندهی شهزاده قرار داشتند احتمالاً از انجام جنایات آگاه بودند شامل ذیل هستند:
۲. مسوول تنظیمات طالبان در زون شمال **ملا نور الله نوری** (طالبان افغانستان به سیستم زون تقسیمات کرده بود که چهار زون داشت. ولایت بغلان جایی که اسیران را گرفتار کرده بودند و ولایت سمنگان جاییکه اسیران را قتل عام کردند هر دو مربوط زون شمال بود.)
 ۳. قوماندان اعلی طالبان در زون شمال (قوماندان قول اردوی ۵ مستقر در مزار) **بنام ملا عبدالرزاق** قوماندان بلا واسطه بلند رتبه تر از ملا شهزاده و مسوول سوق و اداره عملیات بود، برایش از استراتژی و پالیسی طالبان آگاهی میداد. وی اولین مقام رسمی نظامی بود که باید از شکنجه که توسط ملا شهزاده علیه زندانیان غیر نظامی صورت می گرفت آگاه میبود. و همچنین از واقعیت قتل و کشتار باید آگاه میبود و در صورت ابتدای احضار قوماندان به محکمه و ممانعت از تکرار واقعات مسوولیت داشت. وی قوماندان نظامی طالبان بود.
 ۴. **ملا فاضل محمد مظلوم** از قندهار قوماندان دوم مافوق ملا شهزاده بود و وی از اینکه افراش بخاطر انجام جنایات توسط قوماندان زون شمال متوقف میگردد از مراقبت شان عاجز مانده بود.
 ۵. وزیر دفاع طالبان **ملا عبیدالله** از قندهار مشهور ترین مرجع نظامی طالبان.
 ۶. والی بغلان که در آن زمان زندانیان را در زندان غیر رسمی در پلخمری میفرستاد. این زندانیان مردمان غیر نظامی بودند و بدون جرم و یا اقدام قانونی توسط یک قوماندان نظامی گرفتار شدند. آنها زخمی شدند و متعاقباً به قتل رسانید. حضور آنها در منطقه بخاطر رفت و آمد اقارب شان کاملاً مشهود بود. والی باید از حضورشان آگاهی می داشت از جنایات صورت گرفته علیه شان و از سر نوشت شان. او یک مقام ارشد غیر نظامی بود که مسوول اداره و اجرای قانون در شمال بود جاییکه تخطی ها از آنجا شروع گردید. مشخصات و هویت سربازان طالبان کسانی که عمل قتل و کشتار را انجام داده اند و کسانی که در حادثه حضور داشتند هنوز امکان تثبیت شدن را دارد.

۷.۶ قتل عام در یکاوانگ از ۷ الی ۲۲ جنوری سال ۲۰۰۱

در ماه سپتامبر ۱۹۹۸ در ولسوالی یکا و لنگ بعد از اشغال آن توسط طالبان مبارزه ادامه یافت. حزب وحدت خلیلی و حرکت محسینی مشترکاً سریعاً منطقه یکاوانگ را در آخر سال ۱۹۹۸ تصرف کردند و بامیان را در آپریل سال ۱۹۹۹ تصرف کردند. اگر چه آنها هر دو ولسوالی را در ماه می همان سال بعد از جنگ شدید در بامیان از دست داد. در ۲۸ دسامبر ۲۰۰۰ نیروهای حزب وحدت و حرکت اسلامی دو باره یکاوانگ را تصرف کردند.

در ۷ جنوری ۲۰۰۱ نیروهای طالبان پیشروی شان را از بامیان با یک تلاش و اقدام بخاطر تصرف دو باره ولسوالی آغاز کرد. بعد از جنگ در طالبان نیروهای تقویتی آورده بودند تا مرکز ولسوالی نیک که بدون سکنه زیاد بود پیشروی کردند و در اخیر روز ۸ جنوری به آنجا رسیدند.

قتل عام غیر نظامیان در یکاوانگ در روز یکشنبه ۷ جنوری ۲۰۰۱ آغاز شد. اکثر قتل ها در ۸ جنوری صورت گرفت. نیروهای طالبان تا ۲۲ جنوری در محل باقی ماندند و قتل عام های زیادی را در محل انجام دادند. مجموع کشتار که در این دوران صورت گرفته بود حد اقل ۱۷۸ نفر که ۱۷۵ نفر شان غیر نظامی، سه نفر شان نظامی شناسای شده بودند. آمار دقیق افراد ای که در دستگیری های دسته جمعی دستگیر و بعداً به قتل رسیده بودند بخاطر نبود منبع قابل اعتبار غیر ممکن بود.

سلسله ساختار فرماندهی طالبان در یکاوانگ

در آن زمان ملا شهزاده قوماندان نیروهای ضربتی طالبان در یکاوانگ و مسوول عملیات نظامی طالبان در یکاوانگ از ۶ جنوری الی ۱۱ جنوری بود. نیروهایش نیز یک فرماندهی اش قرار داشتند. بعد از تصرف یکاوانگ نیروهایش در شفا خانه، تعمیر ولسوالی کهنه، دفتر UNOCHA، مکتب دخترانه که تمام این ساحات ۲۵۰ متر از مرکزیت فرماندهی شان در کتابخانه آقای عرفانی یکاوانگی فاصله داشتند. قرارگاه های موقت در جوار هم قرار داشتند زیرا بخاطر عملیات تلاشی در حقیقت گروپ های تلاشی اسیران را گرفته قبل از تیر باران در مقرر

فرماندهی شان می آوردند که اکثر این اسیران مردم غیر نظامی بودند. دو قوماندان ارشد طالبان گزارش داده است که یکولنگ را دو مرتبه در جریان عملیات نظامی دیده است. به دلیل نقش ایشان به حیث قوماندان نظامی فاضل حتمی در پلان و رهبری عملیات شامل قضیه میباشد.

بر علاوه این مطالب قوماندانان ذیل طالبان عضو سلسله مراتب طالبان بودند در آن زمان ملا عبدالستار قوماندان عمومی طالبان در ساحه هزاره جات بود و یکولنگ یک قسمت بروز واقعه جنگ در دسامبر ۲۰۰۰ بود. او در مرکز نیک در جریان قتل عام حضور داشت. نقش عبدالستار در جریان قتل عام ها به نظر میرسید که معاون اول و ملا شهزاده تطبیق کننده این قتل عام ها بوده. ملا عبدالغفار از قندهار - پشتون طالب و در منطقه شناخته نشده بود ولی به حیث قوماندان پیاده در جریان جنگ حضور داشت. وی در دره علیا در ۸ ماه جنوری عملیات تلاشی را سر پرستی کرد. در جریان عملیات، طالبان در کابل مستنطقین را آگاه نمودند که ملا احمد الله نقش هماهنگی همزمان با عملیات سیغان، کهمرد و یکولنگ را داشته است.

قبل از ۷ جنوری واحد های نظامی طالبان توقع رسیدن به یکولنگ را داشتند. اگر چه عملاً تا سه شنبه و چهار شنبه به یکولنگ نرفته بودند و زمانیکه قتل عام ها به پایان رسید او بطور واضح قوماندان ارشد و مسؤول فرمان از آغاز عملیات بود.

قوماندان محلی بنام منگل نیز در قتل عام ها شرکت داشت. او گرفتاری ها را بطور دسته جمعی و انفرادی سر پرستی میکرد که باعث ازدیاد قربانیان در نیک بخاطر گروه های کشتار گر بیشتر گردیده بود تلاشی خانه بخانه را که منگل سر پرستی میکرد تلاشی بود که قتل عام ها در محل کشتار صورت میگرفت. در جریان تلاشی طالبان در دره علی حد اقل ۱۱ نفر به قتل رسا نیدند و سه واقعه منفردانه نیز صورت گرفته بود. تمام این کشتار در محدوده ای یک کیلومتری دفتر ساحوی CCA صورت گرفته است.

شواهد نشان میدهد که نیروهای خارجی با طالبان در حملات ضربتی و قتل عام ها نقش برجسته را ایفا کرده اند. نیروهای خارجی بطور مخلوط با نیروهای طالبان عملیات را اجرا کردند که شاهدان پشتون های قندهاری را شناسای کرده اند. اگر چه نیروهای خارجی عامل اصلی کشتار نبودند. نجات یافته گان گروه قاتلین را بطور عموم شناسای کردند که آنها پشتون های افغان بودند که بیشتر به قتل عام مبادرت میورزیدند. طالبان از ملیشه های خارجی در قتل ها، اسیر گرفتن مردم از قریه جات، و محل باز رسی اسیران استفاده میکردند. ولی آنها افغان های پشتون را برای کشتن می گماشتند.

تحلیل مبنی بر دو منابع شهادت: (۱) استشهاد توسط سه گروه از کمیسیون تحقیق در یکولنگ و (۲) در جریان ملاقات در محل شهادت جمع آوری شد. شهادتهای انفرادی نیز از روی لیست قربانیان که از NGO ها که ۱۷۸ نفر قربانی را به طور انفرادی مشخص نموده است. این گزارش به تفصیل توضیح میدهد که حادثات مشخص انجام قتل عام را در یکولنگ به هم شباهت داشته که بطور مشخص چهار نقطه کلیدی مشخص میسازد که گروه قاتلین طالبان تعداد زیاد مردم را در مرکز ولسوالی جمع آوری کرده و بطور دسته جمعی تیر باران کردند. نیروهای طالبان مردم را به چهار طریق به قتل رساندند:

- ا. گرفتاریهای دسته جمعی توسط گروه قاتلین طالبان که از محل گرفتاری شان برده و در محل دیگر کشتند.
- ب. قتل کنار راه ها، که یک تعداد قلیل مردم گرفتار شدند و یا توقف داده شدند و بعد در همان محل که گرفتار و توقف داده شده بودند به قتل رساندند.
- ت. کشتار در جریان تلاشی ها، که عموماً بطور انفرادی در خانه هایشان گرفتار شده و عجلتاً بقتل رسیدند.
- ث. کشتار های قصدی جایکه بطور انفرادی شناسای شده بود که افراد نظامی و یا افراد نظامی زخمی بودند به قتل رساندند.

کشتار و گرفتاری های دسته جمعی

اکثریت قربانیان انتخاب شدند و بطور دسته جمعی کشته شدند. بطور عموم تعداد گرفتاری های دسته جمعی نمایانگر ۱۲۷ نفر قربانی اند که ۹۸ نفر آن از لیست کشته شده گان شناسای گردیده اند.

۱. گرفتاریها دسته جمعی در دره علی

طالبان به تعداد ۵۰ نفر را از دره علی توسط گروه جلااد شان گرفتار کرده و در قلاهی محمد حسن خان در حدود ۱۷۰۰ نفر را در ۸ جنوری جمع آوری کردند. نیروهای طالبان آنها را در خانه هایشان در دره علی بین ۱۰۰۰ الی ۱۵۰۰ نفر در یک روز گرفتار کردند. نیروهای طالبان این افراد را در مرکز عملیاتی شان در مقر موسسه آکسفام برده و قبل از کشتن آنها را در محل نزدیک محل کشتار ببرند نگهداری کردند. اظهارات شاهد عینی شامل مردهای

بودند که در دره علی گرفتار شده بودند لکن در محل نگهداری مورد عفو قرار گرفتند. یک مرد آشکارا از دست دسته قاتلین نجات یافت. این عملیات توسط قوماندان عملیاتی طالبان سرپرستی میشد.

۲. گرفتاری مردان در مندیک

در ۸ جنوری ساعت هشت نیم دسته قاتلان طالبان ۱۱ نفر را از مندیک گرفتار کرده و در قلعه حسن خان به قتل رساندند. طالبان این افراد در همین روز از نزدیک قریه مندیک گرفتار کرده بودند. یک نفر از این افراد از دست دسته قاتلان نجات یافت. این عملیات توسط قوماندان عملیاتی طالبان سرپرستی میشد.

۳. گرفتاری مردان از قریه کته خانه از سالون نماز

طالبان ۲۲ نفر را در کته توسط همین دسته قاتلین به قتل رساندند. زمانیکه آنها در قریه رسیدند در ساعت هشت نیم ۸ ماه جنوری بود. آنها مردم را از داخل سالون نماز قریه کته خانه جاییکه مردم در آنجا در ساعت هشت نیم روز هشتم جنوری پناه برده بودند و طالبان آنها را در شب گرفتار کردند. این عملیات توسط قوماندان عملیاتی طالبان سرپرستی میشد. دسته قاتلین توسط ۸ نفر پشتون ها اداره میشد و یک نفر از قریه کته خانه از این دسته نجات یافته بود.

۴. گرفتاری مردان که در خانه احمد ارباب در کته خانه تجمع کرده میخواستند که تسلیم شوند

طالبان تقریباً ۱۰ نفر از تعداد ریش سفیدان که کوشش داشتند به مراجع طالبان تسلیم شوند به قتل رساندند. آنها از خانه احمد ارباب شخص با نفوذ منطقه بیرون شدند، زمانیکه طالبان آنها را در ساعت هشت نیم ۸ جنوری گرفتار کردند آنها را در عقب موسسه آکسفام در همان روز در ساعت ۱۱ بجه بقتل رساندند. طالبان این افراد را در قرارگاهشان در موسسه آکسفام نگهداری کردند. شاهدان عینی به شمول کسانی که در آن محل مورد بخشش قرار گرفته بودند یکجا بودند. این عملیات توسط قوماندان عملیاتی طالبان سرپرستی میشد. شاهدان عینی خاطر نشان ساختند که طالبان خارجی در نگهداری اسیران شرکت داشتند.

۵. گرفتاری ریش سفیدان قریه بید مشکین که طرف مرکز نیک بخاطر تسلیمی می آمدند

طالبان تقریباً در حدود ۱۳ نفر از ریش سفیدان که مانند قریه کته خانه به مرکز ولسوالی بخاطر بیعت و همبستگی شان با مقامات طالبان آمده بودند بقتل رساندند. طالبان آنها را در مقر موسسه آکسفام نگهداری کردند و بعد در ساعت یازده و نیم روز ۸ جنوری توسط دسته قاتلان مربوط به طالبان به قتل رسیدند. این عملیات توسط قوماندان عملیاتی طالبان سرپرستی میشد.

۶. گرفتار مردم بید مشکین در جریان تلاشی خانه بخانه

طالبان افرادی را که در جریان تلاشی خانه بخانه در قریه بید مشکین در ساعت نه و نیم روز ۸ جنوری گرفتار کرده بودند بقتل رساندند. چنین به نظر میرسد که قربانیان این گرفتاری ها توسط دسته قاتلین در موسسه آکسفام به قتل رساندند. لکن هیچ معلومات مشخص از اداره این عملیات موجود نیست.

۷. قتل عام دو سرکه قرغان

طالبان سه نفر را از بید مشکین بودند در نزدیک سرکه قرغان به قتل رساندند. بخش جستجوی طالبان این سه نفر را در بید مشکین در ظهر روز هشتم جنوری محاصره کرده در ساعت پنج و سی دقیقه به قتل رساندند. تیر باران این سه نفر بفرمان قوماندان ستار الدین و توسط افراد مسلح پشتون افغان اجرا گردیده است ولی کدام معلومات بیشتر در این زمینه موجود نیست. اظهارات از سه نفر که از قتل نجات یافته اند گرفته شده است.

۸. تلاشی های قریه های آخذان، کته خانه و کشک

طالبان تعداد نا معلوم از مردان که در قریه آخذان، کته خانه و کشک در جریان تلاشی های متداوم در ۸ جنوری جمع کرده بودند کشتند. هیچ گزارش جامعی از این عملیات وجود ندارد اما به نظر میرسد که قربانیان توسط دسته تیر باران در آکسفام به قتل رسیدند.

کشتارهای کنار جاده

گزارشات عمومی درباره کشتارهای کنار جاده اشاره به ۱۸ قربانی دارد که ۱۷ تن از آنها به طور واضح از لیستهای فراهم شده متضررین قابل شناسایی بودند.

ب. (۱) قوای طالبان سه دکاندار بهسودی را ساعت ۱۱ قبل از ظهر ۸ جنوری فوراً در نزدیکی مرکز قالین بافی که توسط یک سازمان غیر دولتی افغانی اداره می شد و مرکز همکاری افغانستان (CCA) در دره علی به قتل رساندند. این کشتار در بخشی که توسط قوماندان منگل کنترل می شد، اتفاق افتاد.

ب. (۲) در ساعت ۱۰ بجه ۸ جنوری طالبان نه نفر را در مندیگ به قتل رساند که پنج تن آنان را همراه این نه نفر گرفتار کرده بودند از آنها جدا کردند و مجبور کردند که حادثه قتل را از نزدیک مشاهده کنند. یک قوماندان قندهاری قتل را که توسط پنج نفر افغان پشتون اجرا میشد دستور داد و سر پرستی کرد.

ب. (۳) در ۱۱ بجه ۸ جنوری یک گزومه مختلط از طالبهای داخلی و خارجی دو چوپان را در کوتل سرخک ایستاد کرده و به قتل رساند. یک نفر از تیر باران نجات یافت و دیگری بخاطر بزرگی سن مورد عفو قرار گرفت.

(۴) طالبان کوهی عملیات تلاشی را از ۸ جنوری از ۱۱ بجه الی سه بجه بعد از ظهر در دره علی تحت سر پرستی قوماندان منگل سه نفر ره گزر و یک مرد محلی را در منطقه پای تپه سر بلاق ایستاد کرده و به قتل رساندند.

کشتار در جریان تلاشی ها

ت. (۱) هفت حادثه مشخص شده است. نیروهای تلاشی مردم را بدون رجوع به مقام سلسله مراتب و نظامی شان و بعض اوقات بدون واضح کردن دلیل بر جدا کردن قربانیان را به قتل میرساندند. طالبان شکنجه و لت و کوب را با قتل مدغم کرده بود. یکی را تا دم مرگ لت و کوب میکرد و دیگر را زنده در میداد. طالبان خارجی در یک عملیات تلاشی حد اقل یک نفر کفش دوز را که سید رسول نام داشت به قتل رساند.

قتل عمدی و یا قصدی

ث. (۱) طالبان استاد فکور قوماندان نیروهای جبهه متحد را با بادیگارد هایش در ۶ یا ۷ جنوری اسیر گرفتند. آنها وی را قبل از به قتل رساندند بسته کرده مورد شکنجه قرار دادند.

ث. (۲) طالبان تحت امر ملا عبدالستار دگروال حیات الله را گرفتار کرد و در ۲۲ جنوری وی را در دفتر UNOCHA به قتل رساند.

تفصیلات راجع به تعداد کشته و گرفتاریهای دسته جمعی

الف. (۱) - گرفتاریهای دسته جمعی در دره علی و قتل عام شان در نیک در ۸ جنوری

هیچ جنگی در دره علی در دسامبر و جنوری ۲۰۰۱ صورت نگرفته است. از اینکه این دره یک مرکز سادات با نفوذ ولسوالی بودند و احتمالاً کلانهای دره علی علاقه مند بودند که با طالبان همکاری نمایند. منطقه در ۸ جنوری منطقه دره علی آرام بود. به تعقیب عقب نشینی و شکست نیروهای جبهه متحد از یکولنگ بزرگان راجع به انتقال قدرت صلح آمیز در بین شان جرو بحث میکردند که چگونه ارتباط جدید را بر قرار نمایند. مردمان دره ها برخلاف کسانیکه در مرکز ولسوالی بودند بطور احتیاط پنهان نشده بودند. مردم یکولنگ دره علی را به عنوان مکان مصئون انتخاب کردند زیرا در جریان آشوب سیاسی و نظامی مردم غیر نظامی در مرکز ولسوالی پنهان شده میتوانستند. این منطقه میزبان مردم بیجا شده از مرکز ولسوالی بود. اگر کدام دلیل نظامی برای تلاشی دره علی این یک قریه بود که نزدیک کوتل سرخک و فیروز بهار جاییکه نیروهای جبهه متحد در آنجا بخاطر دفاع از یکولنگ مستقر بودند. اگرچه استخبارات ساحوی در یک بررسی سطحی از محل اینرا دریافتند که در زمان ایکه طالبان به آن مناطق رسیدند هیچ نیروی نظامی از مخالفین در آنجا حضور نداشت.

تیرباران مردان اسیر در دره علی یکی از چهار نقطه کلیدی قتل عام‌ها محسوب می‌گردد. در قدم اول نیروهای تلافی طالبان به دره علی تقریباً در ساعت ۱۰ بجه ۸ جنوری رسیدند. آنها مجهز با شش عراده موتر توپوتا دانسن که (توسط شاهدان در منطقه جمک ساعت ۱۰ بجه دیده شده است) و متعاقباً در دزدی اسپهای محل و بخاطر تلافی خانه های جوارسرك اقدام نمودند. قوماندانان کلیدی در تلافی دره علی قوماندان منگل که از پشتون های بامیان بود که بعداً با طالبان پیوست و در بین مردم شناخته شده است و دیگرش ملا غفار بودند. نیروهای که آمده بودند شامل پشتون های بغلان مربوط ملا عبدالباقي طالقانی که در ۲۰۰۱ در تخار کشته شد بر علاوه بعض تاجک ها. طالبان در مرکز قالین بافی CCA در دره علی قرارگاه گرفت و در جریان روز در اطراف آن محل بخاطر چای نوشیدن و چور و چپاول میرفتند. یک کارمند قالین بافی میگوید که آنها تقریباً از تاریخ ۱۱ الی ۱۵ در منطقه دره علی کنترل داشت و زمانیکه اسیران به مرکز برده شدند آنها به طرف نیک رفتند.

طالبان دیگر که در عملیات تلافی خانه ها در دره علی شرکت داشتند به شمول ملا رحمت الله، سید صلاح الدین کا کازی و مولوی محمد ولی بودند که نام هایشان در دیوار حولی قالین بافی CCA قبل از ترک محل نوشته شده بود. در جریان هشت ساعت که آنها در دره علی بودند گروه تلافی طالبان تا توانستند مردان را جمع کردند. آنها اسیران را از خانه ها، از سر مزارع، و از سر زمین ها گرفتار کردند و دستهایشان را با لنگی های شان بسته کرده به مرکز قالین بافی انتقال دادند. گروه تلافی یک تعداد را بخاطر ازدیاد نفر و تصفیه یک تعداد را مورد عفو قرار دادند. مرکز قالین بافی مرکز گرفتاری درست شده بود جای بود که مردم را قبل از برگشت به نیک در آنجا جمع آوری میکردند. این گرفتاری ها با ظلم زیاد صورت میگرفت و شاهدان عینی توضیح داده است که نیروهای طالبان چگونه اسیران و یا اقوام اسیران را حین گرفتاری با میل تفنگ و برچه میزدند. همچنان طالبان مدرسه دره علی را به حیث مرکز گرفتاری استفاده میکردند آنها ۳۰ طالب علم بر علاوه مردان از قریه جات دره علی علیا گرفتار کرده بسته کردند ولی عجالتاً ملا غفار این طالبها را مورد عفو قرار دادند و اجازه دادند که بخانه هایشان بروند. (اظهارات شاهد را در ذیل بی ببینید)

اجرای این عملیات تلافی نشان میدهد که این تلافی هدف نظامی نداشته و صرف جمع کردن مردم و جزا دادن شان بوده است. کسانیکه بطور نا مشخص جمع آوری شده بودند و کسانیکه زندانی شدند بطور مشخص شامل غیر نظامیان بودند. و این گرفتار توسط منگل که از منطقه معلومات کافی داشت رهنمایی میشد و طالبان بطور کامل از واقعیت گرفتاری غیر نظامیان آگاه بودند. منگل سرپرستی عملیات از جوی که در مرکز قالین بافی بود به پایین منطقه دره علی یعنی دره علی سفلا و ملا غفار از جوی به بالا یعنی منطقه دره علی علیا را به عهده داشتند. در ساع ۳ بجه بعد از ظهر طالبان ۸۰ نفر را در مرکز قالین بافی جمع کردند. در مسیر راه طرف مرکز قالین بافی بعض اسیران گفته اند که آنها از اجساد دوکانداران بهسودی که فوراً بقتل رسانده شده بودند تقریباً ۴۰۰ متر در جنوب این مرکز موقعیت داشت قرار داشتند.

به علاوه گرفتار مردم از خانه هایشان، طالبان با دسته ای از ریش سفیدان که از دره علی به طرف نیک بخاطر مذاکره، تسلیمی و امنیت قریه جات میرفتند رو برو شدند. در بین این ریش سفیدان یکنفر بنام چمن مسؤل دیبوی سابق طالبان در یکلونگ بود. دسته عملیات تلافی طالبان این این گروه میانجیگر را که از قریه جمک عبور میکردند ملاقات کردند. طالبان اسرا را با برچه میل تفنگ میزدند و در یک اتاق در جمک ایشانرا زندانی کردند. و تا برگشت خود طرف نیک آنها را در همان اتاق نگهداری کردند. بعداً آنها با بقیه زندانیان یجا کرده و با گروه اصلی از زندانیان طرف نیک مرکز قتل عام انتقال دادند. شاهد عینی نمبر ۱۴۰ گفته است که چگونه شوهرش با یک تعداد موی سفیدان قریه به مرکز دره علی در شا نهنگ، نشان میدهند که چطور مردم مصروف مشوره برای اینکه چطور تغییرات سیاسی اخیر را وفق بدهد بودند. اگر چه او از قریه شا نهنگ گرفتار شده بود و در محل قتل عام به قتل رسید.

یک شاهد گفته است که چطور (پسر خواهر یا برادرش) طرف نیک میرفت تا آقای اخلاقی کلان قریه و مدیر سابق اداره طالبان در ولسوالی را همراهی کند. آنها در مسیر راه توسط طالبان اسیر شدند و توسط دسته قاتلین تیر باران گردیدند. او و یک گروه از زنها توانستند که جنازه را روز دیگرش پیدا کنند.

بعد از ختم عملیات تلافی طالبان مردم جمع کرده طرف نیک بردند. طالبان سوار بر اسپها اموال مردم را دزدی کردند و مردم را با قمچین (کیبل مورد علاقه طالبان)، چوب و میل تفنگ بخاطر حرکت دادن مردم طرف نیک میزدند. آنها در مدت یکساعت راه را پیمودند و در ساعت ۴ بعد از ظهر زندانیان را به طالبان مسؤل عملیات در مقر موسسه آکسفام در نیک تحویل دادند. قوماندان عملیاتی طالبان ملا شهزاده در تعمیر کتابخانه مشرف بر صحن حولی نشسته بود.

یک موتر در موسسه آکسفام منتظر بود و زمانیکه اسیران در موسسه آکسفام می رسیدند محافظین آنها را به دو و یا سه دسته تقسیم میکردند: اطفال، جوانان و پیر مردان. وقت اسیران میرسیدند و موتر کارماز را تخلیه میکردند تعداد طالبان در رابطه با این دسته بندی مداخله و یا میانجی میشدند. دست کم در یک قضیه محافظین طالبان به ملا شهزاده مراجع کردند بخاطر پلان راجع به عفو قرار دادن اسیران. در یک قضیه محافظین دو نفر فنی یا متخصص

را با خود طرف کلینیک جدام بردند تا اسناد را ببینند که کی کارمندان NGO است. ولی شهزاده حرف آنها را رد کرد و گفت تمام شان را بقتل برسانید لکن محافظ از امر وی سر پیچی کرد و اسیران را در وقت تخلیه از موتر بارکشی دسته بندی کرد. اسیران به دو دسته جوان و پیر تقسیم و بسته کرده به موتر بارکشی بار کردند. این تقسیمات تقریباً در ساعت ۵ بجه بعد از ظهر تکمیل گردید و موتر طرف یک فاصله کم از نیک طرف محل قتل عام در قلعه ارباب حسن خان حرکت کرد. موتر بارکشی تخلیه گردید و به دو دسته تقسیم کردند. بعد طالبان آنها را توسط دسته قاتلین به قتل رساند. مردان دره علی تقریباً در ساعت ۵ و یا ۶ بجه بعد از ظهر تیرباران شدند. در ۸ ماه جنوری طالبان یک پیر مرد را مورد عفو قرار داد و وی را از محل قتل در شب پس آورده و روز دیگر وی را آزاد کردند. جوانانیکه نجات یافتند برای چهار روز در محل نگهداری شدند. در آخر روز اسارت شان این مردان جوان به کار بار کردن اجساد در ۱۲ ماه جنوری گماشته شدند. در این وقت آیین ها توسط افراد طالبان از غور بند محافظت میشدند.

بعد از چهار روز یک نماینده گان مرکب از ۳۰ زن و ۱۰ مرد پیر از دره علی بخاطر جستجو و شناسای اجساد به نیک آمدند و در بین انبار اجساد که در قلعه ارباب حسن خان موقعیت داشت اقارب شان را شناسای کنند. قربانیان توسط مرمی های مختلف زخمی و کشته شدند مخصوصاً در قسمت سر و سینه فیر شده بودند. و تا هنوز دستهای شان در عقب بسته بودند. یک شاهد گفته است که زمانیکه نمایندگان مردم دره علی در ۱۲ ماه جنوری بخاطر اجساد شان آمدند شش ردیف پانزده نفره از اجساد را دیده است. مردم دره علی حاجی فکوری قوماندان ارشد که با طالبان پیوسته بود ملاقات در نیک ملاقات کردند. و فکوری برایشان یک موتر بارکشی داد. و آنها ۶۰ الی ۷۰ جسد را در این موتر بار کردند. آنها ۱۱ جسد را در بازار کهنه نیک به اقارب شان در شرق یکولنگ و در سالون نماز قریه مندیک تسلیم کردند. از این محل اقارب قربانیان اجساد را توسط مرکب بخاطر دفن شاه بخانه هایشان بردند. شهادت شاهد بیان میکند که بر علاوه ظلم و کشتار طالبان بعض اسیران را شکنجه نیز میدادند. یک شاهد گفته است که بگونه پی که آنها جسد پدرشان را از محل کشتار گاه پیدا کردند بر علاوه زخمهای مرمی انگشتانش نیز بریده شده بود. شاهد دیگر گفته است که چگونه برادرش از خانه اش اسیر گردید با لنگی دستانش بسته با لت و کوب همراه اسیران دره علی یکجا بردند. لکن زمانیکه او برای پیدا کردن جسد برادرش از قلعه ارباب حسن خان رفت او فهمید که برادرش بر علاوه تیر باران توسط برچه به قتل رسیده است و گلویش بریده شده بود. گرفتاری دسته جمعی از دره علی و قتل عام آنها توسط دسته قاتلین توسط کسی که عضو فامیلش یکنفر از فامیلش از جمله این گرفتار شده گان است که شهادت داده است که وی اقاربتش را از خانه، از سر مزارع در ۸ جنوری بردند. اسیران که همراه قربانیان دره علی به طرف نیک می بردند لیکن بعداً او بخاطر کدام دلیل مورد عفو قرار گرفت اقارب کسی بود که در ۱۱ جنوری طرف نیک بخاطر شناسای جسد رفته بود. و کسانیکه بعداً در ۱۵ جنوری دفن شدند و مردمی را که تیر باران شهادت داده اند.

نجات یافته گان

شاهدان عینی از مردان کسانیکه با دسته اصلی اسیران در دره علی اسیر شدند و تا یکولنگ همراهی شان بودند و بخاطر سن شان جدا شدند شهادت شان به دسترس میباشد. آنها در رابطه به حادثه تا آخر که طالبان جوانان را طرف کشتار گاه بردند معلومات مفصل ارائه کرده است. ابوالفاضل که در دره علی همراه پسرش گرفتار شده بود قربانی ۱۴۳ میباشد. طالبان آنها با اعمال شکنجه و لت و کوب با میل تفنگ و چوب و اخیراً آنها را با دسته اصلی اسیران با پای به مرکز نیک بردند. ابوالفاضل بعداً همراه چند پیر مرد زمانیکه پسرش با اسیران جوان دیگر به محل کشتار گاه بردند مورد عفو قرار گرفتند. او تخمین کرده است در اسیران که به مرکز کشتار گاه برده شدند بیشتر از ۸۰ هشت نفر بودند و ۳۰ نفر شان آزاد گردیدند و بقیه در حدود ۵۰ نفر تیر باران شدند. همچنان عوض علی توسط سه نفر عسکر پشتون که در خانه اش در دره علی وارد شده بود اسیر گردید و آنها وی را بسته کرده مورد لت و کوب قرار داد. وی تا نیک برده شده به دسته اسیران اصلی ملحق گردید ولی بخاطر سن زیاد وی مورد عفو قرار گرفته و آزاد گردید.

خلیفه یکی از آخرین کسانی بود که از قربانیان دره علی قبل از پایین کرده آنها در کشتار گاه جدا گردید. او از قریه منشره مربوط دره علی گرفتار شد و با اسیران اصلی طرف نیک رفتند. اگر سن وی تقریباً ۴۰ ساله بود و احتمالاً کشته میشد ولی در آخرین دقایق یک طالب مداخله کرد و ویرا با مرد پیر دیگر آزاد کرد. او برای چهار روز در نیک مقابل هتل اسد الله خان بخاطر بار کردن اجساد نگهداری شد و بعداً رها گردید. وی تأیید کرد که اسرای که طرف نیک برده شدند ۷۰ الی ۸۰ نفر بودند ولی فقط ۱۵ نفر شان مورد عفو قرار گرفتند.

در ظهر روز هشتم جنوری محمد علی قریه کنده دره علی از کشتار در قلعه ارباب حسن خان نجات یافت.

او با دسته گرفتار شده گان اسیر نگر دیده بود. بخاطر بی خبری از واقعه او طرف دوکان رفت و اسیر گردید. طالبان او را بخاطر چیدن اسیران در موثر بارکشی در جریان روز گماشتند و او اسیران را که بطرف قلعه ارباب حسن خان برده می‌شدند در موثر می‌چیدند. و بعد از ختم کار طالبان او را تیر باران کرد. اگر چه یک نفر دیگر زمانیکه همسایه اش در بین خون دست و پا می‌زد با پایین انداختن خودش آسیب ندیده است. این واقعه زمانی بود که اسیران دره علی را تیر باران می‌کردند. اگر چه این مورد از شاهد بطور کامل واضح نیست. یک شاهد در زمانیکه شوهرش و دو پسر را طالبان تیر باران کرده به قتل رساند شاهد صحنه بود. یک زن گفته است که چگونه طالبان پسرش را قبل از بردن به کشتار گاه می‌زدند. شاهد دیگر گزارش داده است که شوهرش در حین آماده کردن علف در کاهدان بود که دو طالب پشتون دفعاً بر وی وارد شدند و او را با لنگی اش محکم بسته در محل کشتار گاه پایین کردند. یک شاهد دیگر می‌گوید که چگونه دامادش را طالبان بسته کرده با چوب میزد و در محل کشتار گاه پایین کرد. زن یک قربانی و یا متضرر بیان میکند که چطور طالبان شوهر و دامادش را از خانه اش گرفتار کرد و آنها را قبل از بردن شان به کشتار گاه در قلعه ارباب حسن خان با قمچین، میل تفنگ و برچه می‌زدند. یک نجات یافته گفته است که دو پسرش گرفتار شده در کشتار گاه برده شدند. یک شاهد می‌گوید که سه نفر پشتون ها دستهای شوهرش را بسته کرده لت و کوب کرده بردند و ریش سفیدان جسد وی را بعد از چهار روز از کشتار گاه قلعه ارباب حسن خان آوردند. نجات یافتن دیگر خودش به خاطر یافتن جسد پسرش به قلعه ارباب حسن خان رفته بود و دید که دستهای پسرش به عقب بسته و چهار مرمی خورده بود. زن یک قربانی قصه کرد شوهرش گرفتار شد و به ضرب لت و کوب به کشتار گاه برده شد. برادر قربانی دیگر قصه کرده است که که برادرش در ۸ ماه جنوری در دره علی گرفتار شد با برچه زده شده بود و به کشتار گاه کشته شد. یک مادر سه قربانی گفت کرد که طالبان دو پسر و یک نواسه اش را گرفتار کرده به محل کشتار بردند. زن یک قربانی گفت که چگونه اجساد از محل کشتار آورده شد و دفن گردید. یک شاهد دیگر بیان کرده است که طالبان پسرش را از خانه اش گرفتند و در همان عصر روز وی را به محل کشتار بردند. سه نفر مسلح طالب وارد خانه شاهد ۱۲۲ گردیده و دستهای پسرش را بسته کرده به محل کشتار گاه بردند. یک شاهد عینی گفت که طالبان در ساعت ۲ بجه بعد از ظهر وارد محل شدند و توانستند که سه نفر را گرفتار کنند. اجساد این سه نفر بعداً از انبار اجساد از قلعه ارباب حسن خان پیدا شد. قومی یک نجات یافته گرفتاری و قتل کاکا یا مامایش را بیان کرده است. شوهر یک مزدور کار قریه زمانیکه علف را برای صاحب کار ساطور می‌کرد گرفتار شد. او بسته شده و به محل کشتار گاه رسید. زن دیگر بیان داشته است که شوهرش از دره علی گرفتار شد و به قلعه ارباب محمد حسن خان برده شد. یک مادر گفت که پسرش را گرفتار کرده زده برد که جسد سوراخ سوراخ شده از مرمی وی بعداً از میدان تیرباران پیدا شد. زن یک قربانی گزارش داده است که شوهرش توسط طالبان از خانه اش گرفتار گردید و بعداً مورد لت و کوب قرار گرفته و در کشتار گاه به قتل رسید. شاهد دیگر بیان کرده است که چگونه شوهرش در حین درو کردن چمن گرفتار شد و بسته کرده با میل تفنگ و چوب لت و کوب کرده به میدان کشتار پایین گردید. او بخاطر پیدا کردن اجساد در قلعه ارباب حسن خان رفته بود. زن یک قربانی بیان کرد که شوهرش از کنار سرک گرفتار گردید و بعداً همراه اسیران دره علی تیر باران گردید. یک نجات یافته دیگر سید طالب، سید سرور و سید حسین را از قریه کشکک دید که در مقر طبقه بندی در محل کشتار پایین گردیدند و بعداً بخاطر جمع آوری اجساد به قلعه ارباب حسن خان برده شدند. اجساد اصلاً در قسمتهای سر، سینه، و کمر هدف قرار داده شده بودند به شمول یک عده کسانی که دستهای شان بسته و بعضی باز بودند. یک شاهد کشتار واقعی را از جنوب بطرف قلعه محمد حسن از کته خانه دیده است. وی تأیید کرد که قربانیان دره علی با یک موتر در ساعت ۵ بجه ۸ جنوری در محل کشتار آورده شده بودند.

قربانیان

لیست ذیل یک لیست مختصر از قربانیان و کشته شدگان دسته جمعی دره علی است. این لیست شامل کسانی است که در لیست عمومی متضررین که در اظهارات بعنوان کشته شدگان آمده است، قابل شناسای میباشند:

| نمبر مسلسل | نام متضرر | ولد | محل گرفتاری | محل زندگی | عمر | شغل |
|------------|---------------------|-------------------|-------------|-----------|-----|----------|
| ۱۲۲ | سید علی ظفر | سید حاجی علی اکبر | دره علی | بوم | ۲۷ | دهقان |
| ۱۲۴ | سید حسن | سید اسحاق | دره علی | بوم | ۳۰ | مزدورکار |
| ۱۲۳ | سید محمد | سید حاجی علی اکبر | دره علی | بوم | ۲۵ | دهقان |
| ۱۴۷ | شیخ محمد علی عرفانی | خادم کربلای | دره علی | ده نو | ۵۰ | شاگرد |
| ۹۹ | سید علی | سید کلبی حسین | نیک | گنبدی | ۴۷ | مزدورکار |
| ۱۳۳ | سید احمد | سید اسحاق | دره علی | جمک | ۴۰ | دهقان |

| | | | | | | |
|-----|--------------------|---------------------|---------|-------------|----|-------------------|
| ۱۳۱ | ابراهیم زوار | مراد علی | دره علی | جمک | ۳۸ | دهقان |
| ۱۳۵ | سید محمد | محمد حسین | دره علی | جمک | ۳۶ | دهقان |
| ۷۷ | شیر | علی داد | دره علی | جمک | ۴۵ | دهقان |
| ۱۳۲ | سید اقبال | سید محمد | دره علی | جمک | ۵۵ | دهقان |
| ۸۹ | سید سرور | سید حاجی اسحاق | نیک | کشک | ۳۲ | دوکاندار |
| ۸۸ | سید طالب | سید حاجی اسحاق | نیک | کشک | ۳۵ | دوکاندار |
| ۱۱۸ | ابراهیم | سخی داد | نیک | مندیک | ۱۸ | مزدورکار |
| ۱۰۹ | نادر نانپای | ابراهیم زوار نانپای | نیک | نیک | ۴۰ | نانوا |
| ۱۴۶ | سید اسدالله اخلاقی | شاه یعقوب زوار | دره علی | قلعه پاره | ۳۰ | شاگرد |
| ۱۴۵ | بابق نوروز | ملا سرخ | دره علی | قلعه پاره | ۵۲ | مزدورکار/ستاد/NGO |
| ۱۴۴ | سید سلطان عزیز | سید محمد حسین | دره علی | قلعه پاره | ۳۵ | کاریگر |
| ۱۴۲ | عباس | حاجی غلام محمد | دره علی | قلعه شانینگ | ۳۰ | دهقان |
| ۱۳۰ | حسین علی | خداداد | دره علی | قلعه شانینگ | ۴۰ | دوکاندار |
| ۱۴۰ | سید جواد | سید رضا کربلای | دره علی | قلعه شانینگ | ۲۷ | دهقان |
| ۱۴۱ | حاجی محمد | حاجی غلام محمد | دره علی | قلعه شانینگ | ۳۰ | نانوا |
| ۱۳۷ | محمد علی | جعفر | دره علی | قلعه شانینگ | ۳۰ | دهقان |
| ۱۴۳ | سید محمد علی | سید عبدالفاضل شاه | دره علی | قلعه شانینگ | ۲۶ | دهقان |
| ۱۳۸ | سید محمد پیمان | علی اکبر شاه | دره علی | قلعه شانینگ | ۴۰ | نچار |
| ۱۳۹ | رجب زوار | علی حسین | دره علی | قلعه شانینگ | ۴۵ | دهقان |
| ۱۵۰ | عبدالله | احمد زوار | دره علی | قاشغوله | ۳۷ | دهقان |
| ۱۵۹ | اسد الله | غلام علی | دره علی | قاشغوله | ۲۷ | دهقان |
| ۱۵۱ | محمد حسین | داراب | دره علی | قاشغوله | ۲۲ | دهقان |
| ۱۰۸ | قربان | علی اکبر | نیک | سر آسیاب | ۲۰ | دوکاندار |
| ۱۲۹ | باقر | محمد نبی | دره علی | شاه میرک | ۱۹ | مزدورکار |
| ۱۲۶ | محمد | محمد علی | دره علی | شاه میرک | ۳۵ | دهقان |
| ۱۲۸ | محمد | محمد نبی | دره علی | شاه میرک | ۳۰ | دهقان |
| ۱۲۷ | نبی | حسین بخش | دره علی | شاه میرک | ۴۷ | دهقان |
| ۱۶۰ | حسین بخش | عوض | دره علی | تی نو | ۳۰ | دهقان |
| ۱۶۲ | عباس | گردی حسین | دره علی | زهرآب | ۴۰ | دهقان |
| ۱۶۹ | عظیم | کاظم | نیک | کته خانه | ۲۸ | مزدورکار |
| ۱۴۹ | چمن | اسحاق | دره علی | دیوالک | ۳۵ | دوکاندار |

الف. (۲) گرفتاری در مندیک و کشتار توسط دسته قاتلین در نیک در ۸ ماه جنوری

طالبان مسوولیت گرفتاری ها را در اطراف مندیک و بردن اسیران به نیک جای که در یک کشتار دسته جمعی بزرگ صورت گرفته بود به عهده گرفته اند.

بعضی این اسیران از سرک نزدیک مندیک و تعدادی دیگر از گنبدی قریه همسایه مندیک گرفتار شده بودند. این اسیران اول در هوتل خراسان جا بجا گردیدند. در آنجا آنها با اسیران که عصر روز گذشته از کته خانه گرفته بودند یکجا کردند. در همان مقطع به تعداد ۱۲ نفر از گنبدی و مندیک برای قتل عام منتظر بودند. بعد طالبان آنها را در یک موتر بار کرده به قلعه ارباب حسن خان نقل دادند و توسط دسته قاتلین به هلاکت رساندند.

نجات یافته گان:

دو نفر از این گرفتار شدگان بنام سید طاهر شاهد نمبر ۳۱۹ و احمد حسین فرزند استاد حسین نجات یافتند. آنها به طرف دریا فرار کرده و از رفتن به دره علی خودداری کردند ولی بعد از اینکه طالبان بالای فراریان فیر کردند. یک نفر از فیر نجات یافت از کته خانه شاهد نمبر ۲۰۴ است بیان کرده است که کشتار مردم گنبدی و مندیک در کنارش صورت گرفته بود.

یکشاهد بیان کرده است که (پسر برادر یا خواهرش) از نیک طرف دره علی بر میگشت و در مسیر راه در مندیک توسط یک گروه از طالبان گرفتار و بسته شد. و زمانی که فامیلش بخاطر پیدا کردن جسد وی رفت جسد وی در قلعه ارباب حسن خان پیدا شد که مرمی های زیاد در سروی خورده به قتل رسیده بود. یک شاهد دیگر همراه با دو پسر یک مقتول از مندیک بخاطر جمع آوری و دفن اجساد رفتند سه جسد از مقتولین قریه مندیک را از غسل خانه مسجد مندیک جمع آوری کرده دفن کردند.

| نمبر مسلسل | نام متضرر | ولد | محل قتل | محل زندگی | عمر | شغل |
|------------|---------------------|---------------------|---------|-----------|-----|----------|
| ۱۰۰ | سید محمد علی | سید حیدر | نیک | گنبدی | ۳۵ | دهقان |
| ۱۱۵ | احمد میرزای | محمد | نیک | مندیک | ۴۵ | دهقان |
| ۱۱۹ | اکبر | موسی | نیک | مندیک | | کارگر |
| ۱۱۶ | داود | حاجی باقر | نیک | مندیک | ۲۶ | دوکاندار |
| ۱۱۴ | حکیم | قاسیم | نیک | مندیک | ۳۰ | کارگر |
| ۱۱۱ | ارباب محمد علی نوری | نورعی زوار | نیک | مندیک | ۵۰ | کارگر |
| ۱۲۰ | رضا | دولت زوار | نیک | مندیک | ۱۷ | کارگر |
| ۱۰۲ | سید اکبر | سید رضا | نیک | مندیک | ۳۴ | دهقان |
| ۱۱۲ | یاسین | ارباب محمد علی نوری | نیک | مندیک | | |

الف. (۳) اسیران کته خانه در سالون نمازگزارای پایین در ۷ جنوری اسیر و توسط گروه قاتلین در نیک در ۸ جنوری بقتل رسیدند.

قتل عام افرادی که در سالون نماز گزارای عمومی قریه شان پناه برده بودند یکی از قتل عام مهم و کلیدی را در یکلونگ تشکیل میدهد. این مسئله مهم است زیرا این اسیران در ۷ جنوری گرفتار و یکشب آنها را نگهداری کرده و روز بعد در ۸ جنوری بقتل رساندند.

جزئیات بیشتر توسط سید A از کته خانه که نجات یافته بود تهیه گردیده است. در جنوری عصر روز نیروهای متحد از مرکز یکلونگ عقب نشینی کردند و ۲۵ نفر شان بخاطر محافظت از عقب جبهه در قریه کته خانه ماندند. آنها منطقه کته خانه را تا تاریکی ساعت پنج و نیم با فیر شان از کته خانه فیر میکردند. و آن زمانی بود که نیروهایشان کاملاً عقب نشینی کردند. در عین زمان فیر آنها نیروهای پیاده طالبان را که مرکز نیک را در کنترل داشتند و قلمرو شان را وسعت میدادند جلب کرد.

در جریان این جنگ بعد از ظهری تمام مردم ملکی هر طرف بخاطر پنهان شدن در تلاش بودند و تعداد زیاد مردم در حدود ۲۳ نفر اعم از زن، مرد و اطفال در سالون نمازگزارای کته خانه پایین پناه بردند. بعد از ساعت ۳ بجه عصر یک گروه از نیروهای طالبان بخاطر تعقیب کردن افراد جبهه متحد داخل این سالون شدند که هفت نفر شان خیل قهر و خطرناک بودند. آنها دستور داد که تمام مردان از سالون اخراج گردند. آنها زنها و اطفال را لت و کوب و تهدید کردند. طالبان مردان را دستور دادند تا صف ببندند بخاطر یک تیرباران کنند ولی زود از خشم شان کاهش یافت. طالبان تمام دارای های شخصی و ارزشی اسیران را بیگارت بردند و آنها را تا مرکز ولسوالی (کتابخانه عرفانی مشرف بر محوطه موسسه آکسفام که مرکز فرماندهی شان بود) رساندند. این اسیران در ساعت ۵ بجه بعد از ظهر روز یکشنبه ۷ جنوری به آنجا رسیدند و بعد از یک توقف کوتاه به هتل خراسان جا بجا گردیدند. طالبان مردم کته خانه را ۱۵ ساعت در هتل خراسان نگهداری کردند. و گروه هفت نفری که از اسیران پیره داری میکردند ۷ نفر افغان پشتوزبان بودند. اگرچه یک گروه طالبهای خارجی که به زبان دیگر با اسیران حرف میزدند فهمیده نمی شد ولی واضحاً آنها را به زبان عربی دشنام می دادند که ساعت بساعت در هتل می آمدند و اسیران را شدیداً لت و کوب میکردند.

در هشت جنوری ساعت هشت و نیم پیره داران به ۲۳ نفر مرد از کته خانه و ۱۲ نفر دیگر تازه رسیده از قریه مندیک و گنبدی دستور دادند تا بر موتر تریپال دار سوار شوند. و آن موتر در بیرون هتل ایستاده بود. این موتر در ظرف کمتر از ۵ دقیقه به قلعه ارباب حسن خان رسید. افراد مسلح طالبان که اسیران را از موتر پایین کرده و آنها را به دو دسته تقسیم کردند. این افراد هر دو دسته تقسیم شده را به دو جر بردند ولی دستهایشانرا بسته نکرده بودند. تا آخرین لحظه اسیران نفهمیده بودند که تیرباران میشوند. چهار پیره دار ۱۸ نفر اسیر را به جر پایین بردند و احتمالاً به همین تعداد نفر اسیر را گروه دیگر نیز برده بودند. و دسته قاتلین مردم پشتون محل مسلح به یک پیکا و سه کلاشینکوف بودند. آنها بروی اسیران آتش کشوده همه را با گلوله بستند تا اینکه تمام شان به زمین افتادند و

ظاهراً کشته شدند. یک نفر از این دسته قاتلین کشته شده‌ها را تفتیش کرد و در زبان پشتو گفت که تمام این هزاره‌های کافر مرده است و بعد از آن آنها بر موتر سوار شده رفتند.

یک شاهد اضافه نمود که فقط ۱۳ نفر قربانی دستهایشان باز بودند و بقیه همه قبل از بردن به محل کشتار دستهایشان بسته شده بودند. او گفت که دستور تیرباران توسط یک شخص بلند قد با لنگی سفید داده میشد. ابراهیم خود را روی زمین بین اجساد انداخته بود لکن بعداً صدای آنور را شنید که صدا میزد ببین اگر کسی زنده باشد. و بعداً هر دویشان از محل فرار کردند.

یک شاهد که از تپه بالای قریه بید مشکین پنهان شده بود بخوبی میتوانست کشتار گاه را در قلعه ارباب حسن خان از آن تپه ببیند. او دیده بود که یک موتر کلان بارکش آمد و بعد طالبان اسیران را از موتر تخلیه کرده به صف ایستاده کرده تیر باران کردند. همین موتر طرف نیک برگشت و بعد از یک ساعت اجساد که در نیک بودند آوردند. (اجساد کسانی که صبح آنها را از کته خانه و بید مشکین گرفتار کرده بودند)

زمانیکه یک شاهد از تیرباران مردم کته خانه مورد عفو قرار گرفته بود به قلعه ارباب حسن خان بخاطر جمع آوری اجساد رفته بود اظهار کرد که بر علاوه انبار اجساد در خارج حویلی (محل که موتر در آنجا دور میخورد و جای تایر بطور قابل دیده مانده بود زمانی بود که مستنطقین از محل دیده بعمل آورده بود) در آنجا تقریباً ۳۰ جسد دیگر در دهن جر بودند. همانطوریکه در فوق ذکر شد این اجساد مردان بودند که از قریه کته خانه و مندیگ گرفتار شده بودند و در اول تیرباران شده بودند. طالبان اجساد آنها را در محل که تیرباران کرده بودند مانده بودند.

نجات یافته گان:

دو نفر از محل واقعی تیرباران نجات یافته بودند.

شاهد ۲۰۴ از کته خانه چهار مرمی خورده زخمی شده بود ولی توانست که راه برود. یک نفر از قریه مندیگ هیچ زخمی نشده بود و هر دو نفر فوق در بین مرده‌ها خواب شده بودند و بعداً فرار کرده از جربالا شده و در تپه ای در جنوب محل حادثه مخفی شدند.

شاهد ۲۰۵ سید فرزند سید E از قریه کته خانه همراه مردان کته خانه اسیر شد لکن بخاطر کثرت سن مورد عفو قرار گرفته و او دیده است که فرمان توسط ملا شهزاده قوماندان عمومی صادر گردیده بود.

قومانده و کنترل

اسیران پس به مرکز قومانده آورده شدند. شاهد نمبر ۲۰۴ که نجات یافته بود دید که طالب به قرار گاه مرکزی داخل شد و بعد با یک تماس مخابراتی گفت که همه آنها اسیر خواهد ماندند. و بعد آنها را در یک هتل جا بجا کردند. کسانی که اسیر شده بودند در مدت ۱۵ ساعت در محل نزدیک قرارگاه مرکزی شان نگهداری میشدند. تمام این حادثات پی هم شامل آوردن دسته اسیران دیگر بودند که اسیران را بار زده به محل کشتار انتقال میدادند. و همه این اسیران از قریه های همجوار قرار گاه مرکزی طالبان بودند. در همین مدت مرکز نیک کاملاً آرام و تحت کنترل طالبان قرار داشت و طالبان ارتباط قوی مخابراتی داشتند.

نجات یافته گان از قتل عام مردم کته خانه که با طالبان در جریان اقامت کوتاه شان در مرکز نیک بودند گفتند که اسیران در زمان اسارت شان در ولسوالی کهنه در ساعت های هشت و نهم صبح میدیدند که هلیکوپتر می آمدند و قوماندان طالبان با لنگی و موی سفید و لنگیده بیرون می آمدند. یک اسیر بنام سید عبدالرحمان وی را ملا عبدالستار معرفی کرده است. اسیران با وی در رابطه با قتل اسیران توسط طالبان صحبت کرد و متعاقباً توسط قوماندان عمومی بنام ملا شهزاده دستور داده شد که اقارب کشته شده گان اجساد مربوط شان را گرفته برونند. بعداً ملا شهزاده مکتوب داد تا اجساد را ببرند و پیره داران اسیران بعداً تأیید کردند که کسیکه در کتابخانه نشسته است ملا شهزاده قوماندان عمومی شان میباشد. عکس از قتل عام در دو دهن جر در قلعه ارباب حسن خان جای که هر دو قتل عام صورت گرفته است موجود و در دسترس میباشد.

سوراخ سوراخ شدن کلاه، دستکش و بوت در هر دو محل در دهن جر ها عکاسی شده است. طبق اظهارات پوچک و شاجور بخاطر سردی و برف در هر دو نقطه از بین رفته است و این ارقام که محل بدست آمده است موجود و در دسترس میباشد.

| شماره مسلسل | اسم | ولد | محل قتل | محل زندگی | عمر | شغل |
|-------------|-----------|---------------|---------|-----------|-----|-------|
| ۷۰ | سید موسی | شاه غلام حسین | نیک | آخندان | ۴۵ | دهقان |
| ۵۲ | سید داوود | سید اسحاق | نیک | بید مشکین | ۵۰ | جوالی |
| ۵۰ | سید حسن | سید حسین شهید | نیک | بید مشکین | ۴۰ | جوالی |

| | | | | | |
|-----|---------------|-----------------------|-----|----------|----------|
| ۱۵۳ | احمد زوار | حسن زوار | نیک | کته خانه | مزدورکار |
| ۳۴ | سید علی خرم | سید احمد حسین | نیک | کته خانه | شاگرد |
| ۶۶ | سید امیر زوار | سید میرزا حسین پهلوان | نیک | کته خانه | مزدورکار |
| ۳۷ | سید ایوب | شاه محمد حسین | نیک | کته خانه | جوالی |
| ۱۵۷ | بینوا | غلام علی | نیک | کته خانه | مزدورکار |
| ۶۳ | سید عوض | سید محمد | نیک | کته خانه | استاد |
| ۱۵۲ | عوض علی | غلام محمد | نیک | کته خانه | دهقان |
| ۱۵۴ | اسحاق | غلام علی | نیک | کته خانه | مزدورکار |
| ۱۵۶ | محمد علی | محمد اسحاق | نیک | کته خانه | مزدورکار |
| ۳۸ | سیر ناصر | شاه محمد حسین | نیک | کته خانه | مزدورکار |
| ۱۵۵ | تقی زوار | محمد علی | نیک | کته خانه | مزدورکار |

الف. (۴): یک گروپ گرفتار شده گان که در خانه احمد ارباب در قریه کته خانه بخاطر تسلیم شدن به طالبان تجمع کرده بودند توسط دسته قاتلین در ۸ جنوری در نیک به قتل رسیدند.

اسیر شدگان که در خانه ارباب حسن خان در قریه کته خانه تجمع کرده بودند کشتن شان توسط دسته قاتلین مربوط طالبان عقب موسسه آکسفام یکی از بزرگترین حادثه قتل عام در یکلنگ محسوب میگردد. این واقعه برای مردم منطقه بخاطر یکه احمد ارباب یکی از بزرگترین شخص با نفوذ محل بود که مرتباً میانجیگر بخاطر وساطت بین مراجع بخاطر تحکیم صلح در منطقه بسیار مهم بود. او یکی از نمایندگان بود که صوفی گردیزی ویرا فرستاد تا قوماندان حزب وحدت خلیلی را تشویق کند که به یکلنگ حمله نکنند. زمانیکه طالبان طرفداران احمد ارباب را اسیر کردند دو پسرش را به قتل رساند این یک اخطاری بود که طالبان دیگر به کسی در محل رحم نخواهد کرد حتی همکاران سابقه شان.

در ساعت هشت و نیم ۸ جنوری شاهد ۲۰۵ همراه با دسته موسفیدان که در جلسه در خانه احمد ارباب در کته خانه بودند مجموعاً ۱۹ نفر بودند. و زمانیکه آنها شنیدند که طالبان آمده است آنها بیرق سفید را بسته کرده رفتند تا به طالبان تسلیم شوند. و آنها با یک دسته ۷ نفری طالبان مواجه شدند. این افرادی که به طالبان تسلیم شدند طالبان فوراً دستهایشان را بسته کرده مورد لت و کوب قرار دادند. گروپ تلاشی طالبان قبلاً یک قربانی را همراه پدرش گرفتار کرده بود.

شاهدان تأکید کردند که لت و کوب با کیبل، لگد و هرچه در دست شان بود با ضرب و جرح شدید بود که بر مردم پیر تحمیل میشد. در اولین مرحله لت و کوب یک طالب با لنگی سفید سید انور را پیش روی پدرش و شش نفر دیگر بخاطر که از وی اسلحه میخواست و او نداشت به قتل رساند. بعد طالبان به لگد زدن و لت و کوب جسد بعد از قتل وی ادامه داد.

طالبان پنج نفر اسیر را که همه سالخورده بودند آزاد کردند و بقیه را به مرکز نیک فرستادند. بعداً این پنج نفر ریش سفید آزاد شدند. بعد ده نفر جوان را در گودال عقب موسسه آکسفام ایستاد کرده و تیرباران کردند. زمان برای جمع آوری و نمایش دادن تیرباران میبایست در ساعت ۱۱ در هشت جنوری صورت میگرفت. کسانیکه در این پروسه گرفتار شده بودند به سنین بالاتر از ۶۰ مورد عفو قرار گرفتند و کسانیکه کشته شدند به سنین پایین تر از ۴۰ و ۵۰ بودند.

قومانده و کنترل

تمام عملیات گرفتاری مردم و سر انجام آنها را به قتل رساندند شامل سلسله قوماندهی بودند - اول گروپ تلاشی، بعد مرکز تحویل گیری، بعد قرار گاه مرکزی بودند. اساساً قتل عام در نزدیک اتاقی قوماندان در آن بود که بعد یک افسر به گروپ خود گفت بطور کامل پیران را جدا کنند. روز بعدی زمانیکه پیران آزاد گردیدند آنها را دستور دادند که اجساد دوستان و اقارب شان در هر جای که افتاده است جمع آوری کنند. مردم خواهش مکتوب کردند و برای شان از قوماندان عمومی مکتوب داده شد تا اجساد را در خانه هایشان ببرند. پیره دار این مکتوب را برایشان آوردند که به امضای ملا شهزاده قوماندان عمومی مزین بود. این کشتار بطور واضح بیان گر آن بود که چطور کشتار پلان شده بود و اجرا گردیده بود که تحت حمایه و سر پرستی قوماندان عمومی و با سند که ملا شهزاده خودش آنرا امضا کرده بود حمایه میگردد.

مستتق میتوانست که از محل که شاهد به حیث محل قتل بیان کرده است دیدن کند. در آنجا علامت خون در روی برف همراه کلاههای سوراخ شده و شاجور استفاده شده موجود بود. از محل عکسهای مرمی و لباس گرفته شده است که در دسترس میباشد.

شهرت قربانیان

| سریال نمبر | اسم | ولد | محل قتل | محل سکونت | عمر | شغل |
|---------------|----------------|----------------|------------|-----------|-----|--------------|
| ۸۴ | سید حاجی محمد | سید محمد | نیک | بید مشکین | ۵۰ | استاد |
| ۵۶ | سید عبدالرحیم | سید میرزا حسن | نیک | کته خانه | ۴۶ | دهقان |
| ۴۹ | سید اکبر | سید حسین شهید | نیک | بید مشکین | ۳۵ | جوالی |
| ۵۱ | سید انور | سید حسین شهید | نیک | بید مشکین | ۲۰ | جوالی |
| ۶۲ | سید اسماعیل | سید احمد | نیک | کته خانه | ۴۵ | دهقان |
| ۶۱ | سید سرور | سید محمد امیر | نیک | کته خانه | ۲۷ | مزدورکار |
| ۶۵ | سید اسد الله | سید عطا | نیک | کته خانه | ۴۳ | کارمند موسسه |
| ۴۳ | سید حبیب | سید احمد ارباب | نیک | کته خانه | ۳۳ | استاد |
| ۵۷ | سید هاشم | سید محمد بخش | نیک | کته خانه | ۵۵ | دهقان |
| ۴۲ | سید ابراهیم | سید حسین ارباب | نیک | کته خانه | ۳۷ | مزدور کار |
| ۳۹ | سید موسی | شاه حیدر | نیک | کته خانه | ۵۰ | دهقان |
| ۶۸ | سید نبی | سید محمد حسن | نیک | کته خانه | ۴۵ | دهقان |
| ۹۴ | سید داود | سید کاظم | نیک | کشکک | ۳۰ | مزدورکار |
| ۴۵ | سید قاسم طبیبی | سید حسن | نیک | کته خانه | ۴۵ | داکتر |

الف. (۵): گرفتاری و قتل افراد ریش سفیدان قریه بید مشکین در ۸ جنوری

قتل عام ریش سفیدان قریه بید مشکین در عقب موسسه آکسفام در صبح روز ۸ جنوری یکی از حادثات مهم یکولنگ را تشکیل میدهد. این مردم در مرتبه سوم تیرباران قتل عام گردیدند. مثل قتل مردان در خانه حسن ارباب این واقعه بیاد مردم در منطقه به حیث اینکه طالبان مشخصاً مردان را که طبق عنعنات محلی تغییرات سیاسی را چنین تحلیل میکردند که هر رژیم بیاید با ایشان بیعت و وفادار را اعلان کنند فکر میکردند. که یک شاهد گفته است که نه نفر ریش سفید از قریه بید مشکین در ۸ ماه جنوری در ساعت هشت و نیم جمع شدند و تصمیم گرفتند که به طالبان تسلیم شوند. آنها طرف مرکز نیک رفتند. در بین راه آنها صدای فیر و وحشت را در کته خانه دیدند ولی پس بر نگشتند. در منطقه پل کانکریتی (نزدیک مرکز نیک تقریباً ۵۰۰ متر به تعمیر اداره اصلی یک دسته از طالبان ایشان را تهدید به کشتن کردند. زمانیکه آنها به نیک داخل شدند، دیدند که پنج نفر از مردم همراهی احمد ارباب از کته بخاطر تسلیم شدن رفته بودند. این افراد با دستهای بسته طالبان آنها را با پاهای برهنه بالای برف ایستاده کرده بودند. احمد ارباب کسی بود که مردم از وی توقع داشت تا در رابطه بین طالبان و مردم زمینه تسلیم شدن را فراهم کند ولی این نوع بسته کردن آنها خیلی وحشناک و یا هولناک بود. در تعمیر ولسوالی کهنه یک گروپ از طالبان که به نظر میرسد پاکستانی باشند مردم دسته بید مشکین را گرفتار کردند. همین گروپ آنها را به موسسه آکسفام بردند. یک شاهد دیگر که افراد کشته شده در نیک را بر میشمرد از مشاهداتش تأیید کرده است یک گروپ شش نفره پاکستانی ها بودند که اسیران را در مرکز نیک دسته بندی میکردند و آنها از مرجع محلی به حیث قوماندان عمل میکردند. آنها مردان پیر را جدا کرده در هوتل خراسان میبردند و جوانان در موسسه آکسفام باقی می ماندند. در راه طرف هوتل پیر مردان صدای فیر را شنیدند. بعد از نیم ساعت طالبان مردان سالخورده را در موسسه آکسفام خواستند و آنها اجساد دوستانش را در خارج موسسه آکسفام در یافتند. طالبان بر آنها دستور دادند که اجساد در موتر که می آید بار کنند. و آنها قبل از رفتن به هوتل با موتر رفتند و اجساد در قلعه ارباب حسن خان پایین کردند. در هوتل به تعداد ۸۰ نفر از قریه های مندیک، گنبدی و غیره بودند. یک طالب پشتو زبان که فارسی حرف میزد این مردان را در ۲۰ ماه جنوری ساعت یکنیم بجه آزاد کردند. قوماندانی که برایشان خبر خوش را آورد با مهربانی برایشان گفت که قوماندان عمومی شما را ندیده گرفت و خدا بشما عمر دو باره داده است.

یک شاهد که عضو دسته بود که بخاطر سن شان مورد عفو قرار گرفته تأکید کرده است که طالبان این مردان را در حین چیدن اجساد لت و کوب میکردند. و زمانیکه قوماندان طالبان آزادی شان را برایشان اعلان کرد این مرد گفته است این تصمیم توسط مشر و یا کلان شان ملا شهزاده گرفته شده است. عکسهای از خون، شاجور استعمال شده و کلاه در روی برف در زمان تیر باران گرفته شده و در دسترس میباشد. شاجور و کلاه ها جمع آوری شده است.

شهرت قربانیان

| سریال | اسم | ولد | محل قتل | محل سکونت | عمر | شغل |
|-------|----------------|--------------|---------|-----------|-----|-------------|
| ۱۸ | سید اکبر | سید محمد علی | نیک | بید مشکین | ۴۵ | دهقان |
| ۹ | سید اکبر اکبری | سید اکبری | نیک | بید مشکین | ۵۵ | استاد |
| ۱۶۸ | سید علی | سید قاسم | نیک | بید مشکین | ۳۰ | موتروان |
| ۲۳ | سید علی حسین | سید محمد بخش | نیک | بید مشکین | ۳۳ | غریبکار |
| ۱۵ | سید امین | سید حسن | نیک | بید مشکین | ۳۰ | دهقان |
| ۲۱ | سید امین | سید شاه خانی | نیک | بید مشکین | ۴۰ | دهقان |
| ۲۸ | سید عوض | سید نور | نیک | بید مشکین | ۳۷ | غریبکار |
| ۵۳ | سید عوض | سید شاه انور | نیک | بید مشکین | ۴۵ | استاد |
| ۱۷ | سید محمد | سید سکندر | نیک | بید مشکین | ۴۵ | دهقان |
| ۳ | سید محسن | سید شمعون | نیک | بید مشکین | ۴۰ | حلی ساز |
| ۴ | سید قاسم | سید علی جان | نیک | بید مشکین | ۵۵ | کارمند رسمی |
| ۱۰ | سید صفر | سید عسکر | نیک | بید مشکین | ۴۸ | دهقان |
| ۱۴ | سید شاه ظفر | سید شاه عوض | نیک | بید مشکین | ۴۷ | دهقان |
| ۱۰۵ | سید محمد تشلی | سید اسماعیل | نیک | سر آسیاب | ۴۵ | کارمند NGO |

الف. (۶): گرفتاری ها از قریه بید مشکین در جریان تلاشی خانه بخانه و قتل عام آنها توسط دسته قاتلین در نیک در ۸ ماه جنوری.

قریه بید مشکین هدف در معرض گرفتاریها در ۸ جنوری قرار گرفت. چنین به نظر میرسد که اسیران در جریان این تلاشی بطور منفرد به مرکز آورده نشده بود همچنانکه در قضیه دره صورت گرفت. اگرچه قربانیان در مرکز ولسوالی به قتل رسیدند. جمع آوری و مرتبط ساختن اظهارات مردم و شهود در ین حادثه کسانیکه در جریان روز اسیر شده بودند به استثنای آخرین گروپ در چهار سرکه قرغان تیر باران شدند یک حادثه جدا گانه محسوب میگردد.

تا ۸ جنوری بید مشکین بحیث محل پناه گاه مهاجرین بود زیرا این قریه بطور پراکنده اطراف نیک موقعیت دارد. در عصر همان روز افراد باقی مانده در بید مشکین همه در مخفی گاه ها بودند. بطور مثال شاهد ۲۱۶ گزارش داده است که پسرانش در زیر علف پنهان بودند، لکن طالبان آنها را پیدا کرده به مرکز نیک انتقال دادند. طبق اظهارات شاهد ۲۱۳ در ساعت ۲ بجه دو موتر داتسن از طالبان در منطقه بید مشکین داخل شدند و تمام مردان را که پیدا کردند جمع آوری کردند. آنها مردان را از خانه هایشان گرفتار کرده و به مرکز نیک انتقال دادند. یک شاهد گفت که بعد از اینکه طالبان مردان قریه را بردند دیگر ندید که بر آن چی واقع شد. اگرچه مردان سالخورده و زندهای قریه متعاقباً بخاطر پیدا کردن اجساد در نیک رفتند. کسانیکه که کشته شده بودند مرمی های متعددی در قسمت سر و خصوصاً در قسمت پیشانی شان اصابت کرده بود. دو نفر از اسیران که دوکاندار و استاد بود رها شده بودند.

دوکاندار تخمین زده است که تقریباً ۲۵ نفر همراه وی بودند. آنها توسط یک تعداد طالبان به شمول طالبان خارجی به مرکز نیک انتقال داده شدند و این طالبان سه موتر داتسن داشتند. و زمانیکه او به طالبان گفت که او دوکاندار است رها شد (آنها تعهد کرده بودند و که ویرا سی مرمی بزند اگر راست خود را که دوکاندار است نگوید). بعداً آنها بقیه مردان را در محل کشتار در موسسه آکسفام انتقال دادند. شاهد دیگر در جریان رسیدن گروپ تلاشی طالبان در منطقه بید مشکین رفت و گروپی از سربازان طالب به قریه ریختند تا مردم را پیدا کنند. بعد طالبان وی را اسیر کرد و از وی خواست که سلاح خود را بوی تسلیم کند. زمانیکه با او در گفتگو بود یک طالب بالایش فیر کرد و وی را زخمی ساخت. همچنان طالبان پیش چشمش بالای سه نفر دیگر که آنها اسیر گرفته بودند فیر کرده بقتل رساندند که دو کشته و یک زخمی در محل بجا گذاشت. طالبان وی را تا ساعت ۴ بجه نگهداشت و بعد از آن وی

را به مرکز نیک انتقال دادند. بعد او با میانجیگری راز محمد ولد اکبرخواجه مرد مشهور از قوم تاجک که همکاری با طالبان داشت آزاد گردید.

شهرت قربانیان و اسرا از قریه بید مشکین

| سریال نمبر | نام | ولد | محل قتل | محل سکونت | عمر | شغل |
|---------------|---------------|---------------|---------|-----------|-----|----------|
| ۲۷ | سید عبدالله | سید جهانگیر | نیک | بید مشکین | ۲۵ | مزدورکار |
| ۲۶ | سید احمد شاه | سید جهانگیر | نیک | بید مشکین | ۳۰ | مزدورکار |
| ۲۹ | سید امیر زوار | سید عبدالحسن | نیک | بید مشکین | ۴۵ | مزدورکار |
| ۲۲ | سید جواد | سید خدابخش | نیک | بید مشکین | ۲۵ | مزدورکار |
| ۳۱ | سید خادم | سید شاه میرزا | نیک | بید مشکین | ۳۰ | مزدورکار |
| ۱۱ | سید مهر علی | سید صفر | نیک | بید مشکین | ۱۹ | دهقان |
| ۳۰ | سید رضا | سید عبدالحسن | نیک | بید مشکین | ۲۵ | مزدورکار |

الف. (۷): گرفتاری مردم در بید مشکین و قتل عام شان توسط دسته قاتلین در ۸ ماه جنوری در روی سرک

بعد از تلاشی و گرفتاری های شدید از قریه بید مشکین در جریان روز هشتم جنوری طالبان یک تعداد افراد غیر نظامی را در مسیر یکولنگ هدف قرار داده به قتل رساندند. چنین به نظر میرسد که گروپ طالبان در حال برگشت به قرارگاهشان بعد از تکمیل کار هدایت داده شده بودند و اینها آخرین قربانی بودند. این حادثه یکی از حادثات نادری است که از چنین تیر بارانی نجات یافته گانی بجا مانده باشد.

در ساعت ۱۲ دوازده ۸ جنوری یک گروپ طالبان در قریه بید مشکین داخل شدند به گرفتاری اقدام کردند. یک شاهد که در خانه اش بود زمانیکه طالبان مسلح داخل خانه شدند پسرش را بسته کرده با خود بردند. آنها همچنان شاهد ۲۱۱ را از خانه اش بر علاوه پنج نفر دیگر گرفتار کردند. در قدم نخست طالبان اسیران را در طویله از ساعت ۱۲ الی ۲ بعد از ظهر کوتاه قلفی کردند و بعد برای چهار ساعت از ساعت ۲ الی ۴ آنها را با پاهای برهنه روی برف ایستاد کردند. طالبان مردم را از راه قرغان نیز گرفته بودند (راه از زارین که بطرف چمن در قسمت پایین یکولنگ عبور میکند) آنها را ردیف ایستاد کرده و تیر باران کردند و بعد خودشان به موترهایشان سوار شده طرف نیک رفتند. یک نفر چندین مرمی در قسمت سینه و پاهایش خورده بود. اگرچه او میتوانست که برای کمک فریاد کند و اخیراً در خانه آورده شد. روز بعدی او پس به همان چار سرکه رفت و جسد پسرش را که تیر باران گردیده بود پیدا کرد. سید باقر نجات یافته دیگر از حادثه تیرباران چار سرکه قرغان تا اینکه طالبان منطقه را ترک کرده بودند خود را مرده انداخته بود.

| نمبر مسلسل | اسم | ولد | محل قتل | محل سکونت | عمر | شغل |
|---------------|-----------|-------------|-----------|-----------|-----|----------|
| ۷۲ | سید یعقوب | سید اسماعیل | نزدیک نیک | آخذان | ۳۰ | دهقان |
| ۱۳ | سید عبدل | شاه ظفر | نزدیک نیک | بید مشکین | ۲۵ | مزدورکار |
| ۱ | سید محمد | سید علی تبر | نزدیک نیک | بید مشکین | ۳۵ | دهقان |

۷.۷ ویرانی های بی دلیل و جنایات مختلف در یکولنگ از ماه فیبروری الی سپتامبر ۲۰۰۱

تجاوزات علیه مردم غیر نظامی قرار ذیل در جریان نه ماه جنگ بطور پراکنده بین نیروهای مسلح امارت اسلامی و نیروهای جبهه متحد از ماه فیبروری الی سپتامبر ۲۰۰۱ صورت گرفته است. نبرد مستقیم بین نیروهای دو طرف بتدریج و بطور عموم کوتاه بود. این جنگ در بر دارنده سه عملیات مهم توسط طالبان علیه جبهه متحد بود و یک سلسله عملیات تلافی جویانه و حملات سواره توسط نیروهای جبهه متحد صورت گرفت. در جریان حملات بزرگ طالبان قادر شد که بر مخالفینش در سه موقعیت غالب آید و مناطق را که جبهه متحد گرفته بودند تصرف شوند و نیروهای جبهه متحد را عقب برانند و قلمرو متروکه و مراکز پر جمعیت را از مخالفینش اشغال کردند. همچنان جنایات بعد حملات طالبان که طالبان نتوانستند افراد مسلح مخالفینش را بیابند بر عکس به گرفتاری افراد غیر

نظامی را در محل تازه در دست افتاده شان اقدام کردند. نیروهای متحد استراتژیک نظامی دیگر را اتخاذ کرد که موجب آسیب غیر نظامیان در محلات و مراکز اشغال شده توسط طالبان گردید بدون اینکه از آنها دفاع کنند. اگرچه در سراسر لشکر کشتی طالبان جنایات را علیه مردم غیر نظامی منحصیث یک هسته از قسمت استراتژی شان به ثبت رساند. در اولین قتل عام یکولنگ در سال ۲۰۰۱ که در گزارش جدا گانه توضیح داده شده است نشانگر یک رویداد و واقعه بزرگ واحد بود که قتل عام مردم ملکی در همان زمان بحیث جزا و اضحاً صورت گرفت. در جریان این جنگها که مشرح بیان گردید طالبان قتل عام های متعدد را از افراد غیر نظامی که میزانش در یکولنگ نبود در جنوری انجام دادند. آتش زدن خانه های مسکونی و زیر بنا ها در جریان عملیات قتل عام ماه جنوری توسط قوماندان ارشد طالبان ملا داد الله صورت گرفت. تکرار جنایات و سلسله مراتب فرماندهی نشان گر آنست که حمله بالای افراد ملکی جز از استراتژی طالبان بوده است.

جنگ

بعد از اولین قتل عام در یکولنگ طالبان کوشش زیاد را در مرکز ولسوال بخرج داد از نفوذ مخالفینش جلوگیری به عمل آورد. بعد از عقب نشینی نیروهای اصلی که در که یکولنگ را در ۷ جنوری تصرف کردند و قتل عام ها را انجام دادند طالبان محلی از مردم شیعه و نظامیان مربوط به سنگر دوستانا از بهسود با پشتون های قابل اعتماد به قومانده ملا عبدالستار در منطقه مستقر کردند. آنها افراد شیعه که با طالبان روابط داشتند به شمول استاد اکبری، حاجی فکوری و حاجی سید عارف علاقه دار را در محل تعیین کردند و کوشش کردند که مشوره امنیتی با مردم محل (در محل اشغال شده و طالبان یک کمیته امنیتی محلی از ریش سفیدان که روابط بین نیروها و مردم را بر قرار کند) تشکیل دادند. اگرچه این کوشش ها آنقدر موفق نبود. زمانیکه نیروهای جبهه متحد مکرراً حمله را بالای مرکز ولسوالی آغاز کردند نیروهای طالبان منطقه را مکمل ترک کرده به طرف ولسوالی بامیان عقب نشینی کردند. در آغاز بعد از گرفتن مرکز یکولنگ مجدداً نیروهای جبهه متحد یک خط دفاعی را در مرز بین ولسوالی یکولنگ و ولسوالی بامیان ایجاد کرد. و بعد در اول فیبروری نیروهای جبهه متحد به طرف ولسوالی بامیان پیشروی کردند. آنه بدون جنگ شدید منطقه شیبرتو و قرغه تو را در غرب یکولنگ به تصرف خود در آوردند اگرچه شیدان میدان نبرد قرار گرفت زیرا طالبان خطوط اول خود را در آنجا مستقر ساخته بودند. در ۱۲ ماه فیبروری نیروهای جبهه متحد عملیات موفقانه را در شیدان انجام داد. آنها توانست که در داخل خط اول طالبان رخنه و خسارات زیاد را بر طالبان وارد کرد و طالبان را مجبور به فرار کردند. عامل فریب دهنده در جنگ حضور نیروهای ازبک و عربهای محلی زرهی که وفا دار به دوستم بودند و توسط لعل قوماندان برادر قوماندان عبدالچریک بودند.

با آگاهی از جنگ شیدان نیروهای جبهه متحد تا مرکز ولایت پیشروی کردند. نیروهای تاجک با طالبان با میل از بامیان به سمت قریه جات خود شان سیغان و کهمرد عقب نشینی کردند. اصلا طالبان طرف شش پل عقب نشینی کردند. این عقب نشینی برای جبهه متحد فرصت داد که بطور سریع مرکز بامیان را بدون کدام جنگ شدید بعد از شیدان اشغال کند اگرچه چنین به نظر میرسد که بطور غیر قابل باور آنها نیروی کافی داشتند که شیدان را در صورتیکه مقاومت هم صورت بگیرد باز تصرف نمایند. اگرچه طالبان نیروهایش را مجددا مسلح کرده بخاطر تصرف بامیان فرستاده بودند. نیروهای جبهه متحد از مرکز ولایت عقب نشینی کرده بودند و در نقطه های مشرف بر ولایت در قسمت غربی حومه شهر سرخ دره و در قسمت شمال غرب شهر در دره فولادی و با یک قرار گاه عقبی در شیدان مستقر ساختند.

نیروهای جبهه متحد توانان داشتند که از این موقعیت ها مرکز بامیان را تحت فشار قرار دهند و مخصوصاً آنها بیکه در دره فولادی بودند جاییکه آنها با فرصت راکت و حملات خود را به میدان هوای و مرکز شهر انجام میدادند. در حالیکه بامیان بعد از دوان روسها عاری از ماین بود ولی هر دو جناح اطراف خطوط اول خود را ماین ضد پرسونل و ضد تانک ماین گذاری کرده بودند. این ماین گذاری در دوران صورت گرفت که طالبان بامیان را اشغال کرد و نیروهای جبهه متحد در حومه شهر بودند و طالبان در ماه مارچ همین سال ۲۰۰۱ مجسمه های بودا را در بامیان تخریب کردند.

در ماه می طالبان حملات تازه ای را انجام داد. عامل تسریع به این عملیات این بود که نیروهای جبهه متحد امکانات جدید را احتمالاً از طریق میدان هوای شیبرتو بدست آورده بودند و طالبان کوشیدند که دو باره این میدان هوای را با شخم زدن و آبیاری تخریب نمایند. کمی اندک بعد از پنج روز امکانات اولیه جنگی طالبان از بامیان بر آنها حمله کرد و توانست که بسرعت شیدان، شیبرتو و مرکز یکولنگ را تصرف نمایند. آنها عجلتاً بر علاوه یکولنگ ولسوالی دیگری را بنام دگه را نیز تصرف کردند. جبهه متحد تمام موقعیت هایش در بامیان از دست دادند و آنجا را ترک کردند.

در مدت یکماه قوماندان طالبان در یکولنگ جهاد یار بود. آنها قرار گاه مرکزی شان را در یکولنگ تأسیس کردند و از آنجا حملات خود را علیه مخالفین در خارج از محل آغاز کردند. مردم غیر نظامی کلا از منطقه فرار کردند و طالبان منطقه را اشغال کرده و در نظر داشتند که آنها را گرفتار کنند. قبلا اکثریت نفوذ مرکز یکولنگ به ولسوالی

پنجاب و تعداد قلیل شان به قسمتهای دور دست ولسوالی فرارشدند. بیجا شده گاه داخلی با مردم اطراف از ترس اینکه طالبان بالای شان حمله نکنند پیوستند.

طالبان کوشش کردند که امنیت یکولنگ را دو باره احیا کند و دو باره اکثریت های سیاسی شیعه را نیاوردند بلکه نیروهای هزاره مربوط سنگر دوست را بحیث قسمت از نیروهای امنیتی منصوب کردند. اگرچه آنها توانای داشتند که خسارات مالی زیادی را بر نیروهای جبهه متحد که تازه حملات چریکی را بر طالبان آغاز کردند وارد سازد و آنها طرف مرکز پیش روی کردند ولی عملیات نظامی قوی نبود. هر دو جناح حملات شدید را در قسمت شمال شرق ولسوالی هدایت میداد زیرا از آنجا نیروهای طالبان حمله را آغاز کرده بود. اخیراً اگرچه نیروهای جبهه متحد به مرکز نیک نزدیک شده بود قوماندان جهادوال بخاطر ترس از اینکه مبادا محاصره گردد نیروهایش را امر به عقب نشینی از یکولنگ کرد.

این عقب نشینی باعث تغییرات فریبنده در استراتژی طالبان گردید. نخست جواب برای بمباردمان و حمله بالای مرکز یکولنگ بود. در این حمله نیروهای هوای طالبان قادر بود که شفاخانه ولسوالی و دفتر موسسه آکسفام را بزند که هر دو پیش در مرکز ولسوالی موقعیت داشت.

بعد طالبان نیروی بزرگ ضربتی و عملیاتی را که مرکب از نیروهای خارجی و داخلی برای حمله بر یکولنگ بودند تدارک دیدند. این نیروها دستور از مقام بلند رتبه بخاطر ضربه زدن تنبیهی بر مناطق مسکونی آسیب پذیر داشت. این مأمورین به اندازه کافی شناخته شده بود که هر دو قوماندان طالبان و کارمندان ملل متحد یک اخطار احتمالی پیش گیرانه از جنایات علیه غیر نظامیان داده بودند.

یک قوماندان طالبان بنام ملا داد الله بحیث قوماندان این نیروهای ضربتی تعیین گردید. این نیروها در هشت جون از بامیان حرکت کردند و با مقاومت بسیار کمی مواجه شدند و آنها تا مرکز یکولنگ پیشروی کردند. آنها قرار گاه مرکزی خود را در نیک مستقر کردند و چهار روز را در جنگ و ویرانی در ولسوالی و بطور وحشیانه در نواحی و اطراف در قریه جات یورش بردند خانه ها، تعمیرها، حاصلات و انبار های گندم را تخریب و آتش زدند. بعد از چهار روز ملا داد الله نیروهایش را از یکولنگ بیرون کشید. هیچ کوششی در رابطه به حفظ امنیت ولسوالی نگردید خسارات وارده بطور عموم عمل مجازات دسته جمعی بود.

بعد از عقب نشینی از یکولنگ نیروهای ملا داد الله بطرف غرب بامیان حرکت کردند. و آنها در تخریب قریه جات شیدان، قرغنتو و شیرتو مبادرت ورزیدند. این تخریبات با وجود این واقعیت که آنجا برای یک ماه خالی از سکنه بود صورت گرفت. بعد از چند روز در محل نیروهای اصلی به بامیان برگشتند. طالبان نیروهای حمله و پیشروی را در شیدان جای که آنها گزیده بیشتر و تدارکات نظامی را انجام میداد مستقر کردند. ویرانی طالبان که در قلمرو شان بین شیدان و نیک نشان گر آنست که آنها در ماه جون تصمیم گرفتند که استراتژی عمدی از سوخته گی زمین باعث گردید که هشت کیلومتر قلمرو طالبان خالی از سکنه گردد.

نیروهای جبهه متحد مکرراً مرکز یکولنگ را تصرف کردند و نیروهای پیشروی شان را در مرز بامیان مستقر کردند. و این موقعیت تا جولای و آگست و سپتامبر پا برجا ماند.

شرح حال مفصل از جنایات جنگی در یکولنگ در سال ۲۰۰۱

در ماه نوامبر ۲۰۰۰ برابر با عقرب ۱۳۷۹ خلیلی به دره صوف برگشت
در سی دسامبر برابر با جدی ۱۳۷۹ نیروهای جبهه متحد تحت امر خلیلی یکولنگ را گرفت
در هفت جون ۲۰۰۱ برابر با جدی ۱۳۷۹ نیروهای طالبان به فرماندهی ملا داد الله دو باره یکولنگ را گرفت
در ۸ الی ۱۰ جون ۲۰۰۱ / جدی ۱۳۷۹ طالبان اولین قتل عام را در یکولنگ انجام داد
در ۲۰ جون ۲۰۰۱ / جدی ۱۳۷۹ نیروهای جبهه متحد طالبان را از یکولنگ اخراج کرد
در ۱۲ فیبروری ۲۰۰۱ / دلو ۱۳۷۹ نیروهای جبهه متحد طالبان را در شیدان شکست داد
در ۱۳ فیبروری ۲۰۰۱ / دلو ۱۳۷۹ نیروهای جبهه متحد بامیان را گرفت و خطوط اول شان در دره فولادی مستقر ساخت

۱۷ فیبروری ۲۰۰۱ / دلو ۱۳۷۹ طالبان دو باره بامیان را گرفت
۱۸ فیبروری ۲۰۰۱ / دلو ۱۳۷۹ طالبان حملات بر شیدان را سازمان دهی کرد
۹ مارچ ۲۰۰۱ / ۱۸ حوت طالبان دست به تخریب مجسمه بودا در بامیان زد
۱۴ مارچ ۲۰۰۱ / ۲۳ حوت دفتر بی بی سی در کابل بسته شد و خبرنگار بی بی سی بنام کیت کلارک اخراج گردید

۲۳ مارچ ۲۰۰۱ / ۳ حمل ۱۳۸۰ نیروهای جبهه متحد از دره فولادی به مرکز بامیان حمله ور شد
۲۳ تقریباً الی ۳۰ مارچ طالبان دره فولادی را قتل عام کرد

۳۰ مارچ ۲۰۰۱ / ۱۰ حمل طالبان دستور اخراج غیر نظامیان از دره فولادی را داد در هفته اول ماه آپریل نظارت گر IDP گزارش مبنی بیجا شده گی دسته جمعی دره فولادی را داد از ۱۹ آپریل ۲۰۰۱ الی ۳ می ۲۰۰۱ جنگ بین خطوط اول در دره فولادی و نیروهای جبهه متحد بر بامیان حمله کردند و طالبان بر شیدان از طریق بامیان حمله کردند. نیروهای شمال از سرخ دره و شیدان دفاع کردند. در ۲۹ آپریل ۲۰۰۱ / ۹ ثور ۱۳۸۰ نیروهای متحد شمال اکملات هوای از میدان موقتی شبرتو بدست آورد در ۴ ماه می ۲۰۰۱ / ۱۴ ثور طالبان میدان هوای شبرتو و شیدان را تصرف نمودند و خانه ها را آتش زدند و قتل عام را در منطقه مرتکب شدند

در ۵ می ۲۰۰۱ / ۱۵ ثور ۱۳۸۰ طالبان طرف نیک پیشروی کرد و نیروهای متحد شمال از فولادی شکست خوردند. و طالبان بر داگا حمله کردند و متحد شمال بطرف کیلگان عقب نشینی کردند.

در ۵ می ۲۰۰۱ / ۱۵ ثور ۱۳۸۰ نیروهای دوستم زاری را تصرف کرد

در ۹ می ۲۰۰۱ / ۱۹ ثور ۱۳۸۰ عبدالرزاق وزیر داخله در طالبان در یکولنگ دیده شد.

در ۱۲ می ۲۰۰۱ / ۲۲ ثور ۱۳۸۰ دوستم از زاری عقب نشینی کرد.

در ۳۰ می ۲۰۰۱ / طالبان اعلان کرد که ۱۰۰۰ نفر را در یکولنگ مستقر کرده است.

در ۴ جون ۲۰۰۱ / ۱۴ جوزا نیروهای شمال قوماندان طالبان بنام جهاد یار را در محاصره کردند و نیک را تصرف کردند.

در ۶ جون ۲۰۰۱ / ۱۶ جوزا نیروهای هوای طالبان یکولنگ را بمباران کرد و بمب ها به مرکز ولسوالی در شفاخانه و دفتر موسسه آکسفام و بازار اصابت کردند.

در ۸ جون ۲۰۰۱ / ۱۸ جوزا نیروهای طالبان تحت امر ملا داد الله از بامیان حرکت کردند.

در ۹ جون ۲۰۰۱ / ۱۹ جوزا نیروهای طالبان تحت قومانده داد الله نیروهای اتحاد شمال را در فیروز بهار شکست داد و بر کوه کینک حمله کردند.

در ۱۰ جون ۲۰۰۱ / ۲۰ جوزا طالبان تحت امر ملا داد الله برای بار سوم یکولنگ را تصرف کردند. و در ۲۰ جوزا طالبان بازار کهنه یکولنگ را در دادند و ملا در از طریق رادیو شریعت اعلان کرد که امنیت در یکولنگ تأمین گردیده است.

در ۱۵ جون ۲۰۰۱ / ۲۵ جوزا نیروهای متحد شمال دو باره یکولنگ را تا مرز بین یکولنگ و بامیان تصرف کرد و در ۲۵ جوزا طالبان شیدان و شبرتو را به آتش کشید. و بعد از عقب رانده شدند قتل عام را مرتکب شدند و ملا داد الله یکولنگ را میدان زون جنگ اعلان کرد و دیگر ولسوالی نیست و این گزارش از صدای رادیو شریعت به نشر رسیده بود.

در ۲۲ جولای ۲۰۰۱ / ۳۰ سرطان ۱۳۸۰ طالبان تحت امر ملا زوی بر منطقه کوه کنک حمله کرده و منطقه را به آتش کشیدند.

در ۱۱ نوامبر ۲۰۰۱ / عقرب ۱۳۸۰ نیروهای متحد شمال مکرراً بامیان تصرف کردند و طالبان کنار زدند.

دوران شرکت قوماندانان ارشد طالبان در یکولنگ

ملا شهزاده (قوماندان نیروهای خطوط اول)
 او قوماندان عمومی عملیاتی طالبان برای تصرف مجدد یکولنگ و متعاقباً در قتل عام از ۷ الی ۱۰ جون ۲۰۰۱ شرکت داشت.

عبدالستار (قوماندان خط اول)

در تسخیر مجدد یکولنگ و قتل عام از ۷ الی ۱۰ جون ۲۰۰۱ شرکت داشت.
 بتاريخ ۱۱ الی ۱۲ جون ۲۰۰۱ به عوض ملا شهزاده در یکولنگ تعیین گردید.

ملا عبدالرزاق (وزیر داخله)

در ۴ ماه می و ۴ ماه جون در عملیات یکولنگ شرکت داشت.

جهاد یار (قوماندان خط اول)

در ماه مارچ و آپریل در بامیان بود.
 در ۴ می و ۴ جون عملیات یکولنگ را رهبری کرد.

ملا داد الله (قوماندان خط اول)

در ۸ و ۱۹ ماه جون ۲۰۰۱ عملیات یکولنگ و بامیان را رهبری کرد.

ملافاضل (لوی درستیز قوای مسلح)

مسئولیت استراتژی از اول الی آخر بعهده داشت و گاه گاهی از عملیات ها دیده میشد.

قاری احمد الله (رئیس استخبارات)

مسئولیت وظایف استخباراتی را در تمام مدت به عهده داشت. مکرراً در جریان عملیات های عمده دیده شده است.

اظهارات شاهدان عینی از عملیات آتش سوزی

شاهدان بیان کردند که چگونه طالبان خانه ها و زیر بنا ها را در محل به آتش کشیدند.

A یک باشنده قول دولق چنین بیان کرد:

من یک دوکاندار در بازار کهنه هستم. در اول که طالبان یکولنگ را گرفتند آنها مردم بی گناه و بی دفاع را به قتل رساندند. و زمانیکه حزب وحدت شهر را گرفتند مردم به دوکانهای شان بر گشتند. و زمانیکه طالبان کنترل یکولنگ را در دست داشتند مردم بخاطر ظلم و بی رحمی شان از آنها نفر داشتند. در ۱۹ جوزای ۱۳۸۰ برابر با ۹ جون ۲۰۰۱ من یک مقدار سودا که شامل تکه و بوت بود از ولسوالی پنجاب آورده بودم و ساعت ده و نیم بجه صبح بدوکانم واقع در بازار کهنه رسیدم و مصروف چیدن اجناسم بودم و این زمانی بود که جنگ شدید در فیروز بهار جریان داشت. در ساعت ۱۱ بجه صبح طالبان خط اول حزب وحدت را در هم شکست و در آن موقع هیچ مجالی برایم میسر نبود تا الاغهایم را به خانه ام ببرم و مجبور شدم ۴ الاغ را در بازار رها کردم. و خودم به عقب کوه کته خانه فرار کردم. و حادثه را از مخفی گاه با چشمانم میتوانستم مشاهده کنم. دیدم که طالبان با ۷۵ عراده موتر داتسن، ۴ عراده موتر زیو و ۸ هشت کارماز رسیدند و داخل بازار شدند. بعد از چند دقیقه مکت بخاطر اطمینان امنیت شان تمام اموال دوکانها را به موتر هایشان بار کردند و بعد پترول به دوکانها ریختند و آتش زدند. تمام شهر نو را در ساعت ۴ ظهر به آتش کشیدند و تمام اجناس دوکانهای بازار کهنه را به موتر هایشان بار کردند. و تا ساعت ۹ شب هنگامی که به خانه ام میرفتم تمام قضایا را مشاهده می کردم.

شاهد دیگر بنام T گفت:

در آخرین حمله در ماه جوزای همین سال زمانیکه طالبان شهر را گرفتند کل مردم از شهر فرار کرده به کوهها مخفی شدند. ما از کوهها میدیدیم که طالبان دره علی را در روز اول به آتش کشیدند و روز دوم فیروز بهار را به آتش کشیدند و روز سوم سرقل و روز چهارم بید مشکین و در روز پنجم سرکینک را به آتش کشیدند. و من تمام واقعات با چشمانم دیدم.

S یک باشنده کته خانه چنین بیان کرد:

دو روز قبل از آخرین جنگ زمانیکه خلیلی کنترل نیک را در دست داشت من بازار رفتم و دیدم که چند تا دوکان محدود توسط بمب تخریب شده بودند. اکثر دوکانها دروازه نداشتند و اجناس دوکانها بروی سرک هرطرف افتاده بودند. و خانه های اطراف دوکانها دست نخورده بودند و بعد من به شیدق رفتم. روز بعد شنیدم که طالبان آماده حمله بر نیک هستند و صدای فیر تا چاشت شنیدم میشد. و تمام این مدت را من در شیدق بودم. روز بعدی میخواستم به مرکز نیک بروم تا ببینم که چه صورت گرفته است و من مرکز شهر را از بالای تپه مشاهده کردم که دود از مرکز نیک و بازار اطراف آن بلند بود. از وقتیکه من وضعیت را چنین دیدم با یک پسر که با من بود فرار کردیم. ما دیدیم که طالبان با موتر هایشان در مرکز نیک و بازار بالا و پایین میرفتند. از این وضعیت من فهمیدم که نیروهای خلیلی فرار کرده اند و طالبان مرکز نیک گرفته است و آنقدر مطمئن نبودم که در منطقه بمانم. از جایی که ایستاده بودیم من خانه ام را در کته خانه دیده نتوانستیم. و همچنان دود بطور قابل ملاحظه از دره علی و سرقل بلند بود.

A یک باشنده دره سرخ چنین گفت:

در جریان جنگ همین سال من شاهد هستم که مرکز نیک را گرفته بود و کنترل داشت. طالبان یک تعداد مردم را اسیر گرفته بودند و بعضی شان را بقتل رساندند. شهر و خانه های مردم سوختانده شده بودند. نیروهای جبهه متحد قریه جات را در کنترل داشت. قفل خانه های مردم شکستانده شده بودند. زمانیکه طالبان خانه ها را آتش میزدند من در کوه عقب قریه دره سرخ بودم. آنها از دو نقطه به آتش زدن خانه ها شروع کردند. اول از لاره، دهن کنک و تاجکان شروع کردند و روز بعد از قرغان، زارین و سر کنک شروع کردند. آنها از این منطقه برگشتند زیرا نیروهای مخالف در چهارده و بعض کوهها موجود بودند. ۲۵ موتر طالبها به زارین و ۱۵ موترشان به غندی سنگ

رفتند. مردم یکولنگ در طول همین مدت در کوهها بودند. روزیکه جنگ در فیروز بهار جریان داشت من در کوه عقب سر پرچوبک بودم و تمام حادثات را تا شکست نیروهای جبهه متحد و داخل شدن طالبان به شهر به چشم میدیدم. در قدم اول آنها شهر نو را در دادند. محمد Z از کنگر شاه و دره علی زمانیکه ایستاده بوده و طالبان در گرماگرم تخریب شهر نو بودند چنین بیان کرده است:

من در کونل سیا نو مرز بین پنجاب و یکولنگ بودم. و ساعتی ۱۱ بجه صبح بود که دود از مرکز یکولنگ بلند شد. و منطقه ای که من بودم چهار ساعت دور از مرکز نیک فاصله داشت. ما در محل مرتفع بودیم و دود خوب مشاهده میشد. ولی فرق نمی توانستیم که آیا دود از بازار است و یا خانه های مسکونی. روز بعدی یک نفر از بازار آمد و گفت که طالبان بازار را در داده است. به آتش کشیدند دره علی از قریه مندیگ شروع شد و تا سبز جوی ادامه یافت و در بین همین دو نقطه به تعداد ۶۰۰ خانه همراه فاملین شان به شمول مکاتب، دفاتر و مساجد و هر چیزی به آتش کشیده شدند. در جریان آتش زدن آنها مردم تهدید و بالای شان فیر میکردند. حتی آنها ساکنین قریه را در کوهها با سلاح ثقیله و تانک میزدند. و تا فعلا شما میتوانید که علامات سلاح ثقیله طالبان را در منازل مسکونی و مزارع مردم مشاهده کنید اگرچه همه مردم غیر نظامی بودند. ما به هیچ گروه نظامی همکاری نداشتیم و با کار و غریبی خود مصروف بودیم.

در صفحه بعدی نقشه بامیان است.

۸ درسی که تا حال آموخته نشد

۸.۱ ارتباط افغانستان گذشته با حال

کار اصلی پروژ عدالت افغانستان فقط در آخر سال ۲۰۰۱ گسترش یافت. در این گزارش نمونه های از جنایات در مراحل مختلف جنگ بیان شده است که شامل بعض جنایات علیه بشریت توسط جناح های شامل در جنگ صورت گرفته است.

در جولای ۲۰۰۵ جنگ ختم نگردید و نیروهای متحد با سازماندهی مجدد طالبان بر علاوه دیگر گروپ های مخالف اداره جدید و یا حضور آمریکای ها در جنگ شرکت ورزیدند که نه تنها نظامیان را بلکه افراد ملکی را نیز بقتل رساندند. و نیروهای ایالات متحده در جواب مسلحانه خود نیز افراد متعدد ملکی را بقتل رساندند. در آخرین مراحل جنگ نقض جدی بشریت صورت گرفته است که شامل قتل، بازداشت، شکنجه و لادری مردم گردیدند و همانا تا هنوز ادامه دارد.

مسئولیت چنین اعمال بدوش گروپ ملیشه ها، و بعض مجاهدین که بخاطر حاکمیت در قلمرو شان و آن هم کنترل بر قاچاق مواد مخدر است میباشد. بعض این قوماندانان مسؤول جنایات با آمریکای ها متحد شده اند. با در نظر داشت این گزارش رهبران افغان از دوران کمونیست ها تا حال به قوماندانان محلی و ملیشه ها بخاطر حمایت از نیروهای خود شان اعتماد داشتند و یا میکردند. اتحاد به چنین آسانی محدود است زیرا گروپ های مشخص چه ملیشه های قومی یا دیگر جناح نظامی وفا دار به قوماندان مشخص امکان دارد از قلمرو شان دفاع کند. ساحات گازدار شمال و چند سرک در کابل و چند قریه پراکنده نیرو اضافی تهیه میکردند. بخاطر مصلحتهای سیاسی ملیشه و قوماندان محلی بهره زیاد بردند و بر خود مختاری خود را تحکیم بخشیدند. مراجع مرکزی بر علاوه رهبران احزاب کنترل زیاد و یا کمتر بر قوماندانان محلی داشتند و کوشش داشتند که رفتار خود را با ایشان عادی بسازند. از این فرصت قوماندان ها از مصنویت مجازات بهره بردند. اکثر شان به رفتار کاملاً وحشیانه خود علیه مردم محل زیر دست شان در محل ادامه دادند.

زمانیکه در آخر سال ۲۰۰۱ آمریکا در افغانستان کرد نیروهایش در محل در جستجوی متحد کردند قوماندان های محل مخالف طالبان گردید. مهمترین اهداف ایالات متحده در افغانستان بخاطر شکست القاعده ادامه بود و ادامه یافت. و میخواست که این پیروزی به اندک خسارات جانی بدست آورد. بنا در حقیقت اکثریت این متحدین گذشته دارد که شمال نه تنها نقض حقوق بشر است بلکه در بعض جنایات بستگی به قاچاق مواد مخدر و دیگر فعالیت های قابل توجهی است که مطرح کردن آن مانع ایجاد میکند. ایالات متحده کمک های نقدی، تسلیحاتی و غیره کمک ها به قوماندان که باور داشتند که طالبان و القاعده را متوقف میسازند دادند ولی در این مورد امریکای ها ناکام ماندند. و طالبان به حیث نیروی کشنده و مهلک که احتمالاً از پاکستان حمایت میشود باقی ماند. بعضی قوماندانان که توسط نیروهای ایالات متحده پشتیبانی میگردید خود را علیه مخالفین شان مستحکم کردند و خود شان را از نظر سیاسی مهم جلوه داده به فعالیت های جنایت کارانه شان ادامه دادند. زمانیکه توجه جامعه جهانی بر این مسئله تمرکز کرد

همیشه توأم با احترام رهبران جناح بوده. ولی اکثر و اغلب جنایات توسط قوماندانان متوسط رتبه کسانیکه بخاطر حفاظت خود پشتیبان داشتند و نام هایشان در مطبوعات نیز ذکر نگردیده است صورت گرفته است.

همچنان کار کردن به چنین قوماندانان ها ایالات متحده به پیگیری و تعقیب یک استراتژی که بر توانان دموکراسی و ساختار اداری بطور جدی سرمایه گذاری کرد. ضرورت برای یک حکومت باثبات عبوری که در شهر بن جرمنی به پیش برده میشد به توسط یک جناح این حکومت عبوری تأسیس گردید. و با چنین بهانه دسترسی به تشکیل یک لویه جرگه اضطراری با حضور نمایندگان بر گزیده شده و کابینه از سابق تعیین شده نایل گردیدند. مقام ملل متحد بعداً تأیید کرد که طرحها در دو مورد اشتباهای جدی بوده.

اکثر حامیان بین المللی شامل در قضیه افغانستان تصدیق کردند که پالیسی شان بدون در نظر داشته اینکه رهبران افغان جنایت کاران جنگی و بی امنیتی را بر ثبات حکومت عبوری ترجیح میدادند کلیت داشت. تمام افغان ها در جنگهای مسلحانه و جنایات جنگی شامل نبودند. تعداد بیشتر شان باید از حق مشارکت در سیاست دارد و سهم بگیرند. اگرچه اکثر آنها یک گذشته جنایات کارانه دارند محلات امن در دفاتر سیاسی و نمایندگی های امنیتی را بدست گرفتند. در ماه جنوری ۲۰۰۴ وزیر مالیه اشرف غنی احمد زی در اجتماعی بنام جامعه آسیا در نیویارک اظهار داشت که رهبران افغانستان صلح را در سایه عدالت میخواهند.

در ماه فیبروری ۲۰۰۲ وزیر خارجه انگستان جکسترا از کابل دیدن کرد و اظهار نمود که بعضی مردم احتمالاً دو باره اصلاح گردد، ولی با تشکیل تأسیس یک حکومت ما باید جهانیان را بفهمانیم که افغانستان مردم نیرومندی هستند و میتوانند توانای شان را توسط نیروهایشان نشان بدهند. علاوه ما باید با مردمانیکه که محلات بیشتر را اشغال کرده اند و موقعیت های نظامی دارند و در گذشته قوی بودند وارد گفتگو شویم. لکن کسانیکه فعلاً میگویند به پروسه سیاسی متعهد هستند و اغلباً ما باید بر کسانیکه به تجاوزات متهم هستند راه حل را بسته کنیم. و این برای افغانستان آینده خیلی ها مهم است. نماینده خاص ملل متحد آقای لخدر ابراهیمی اظهار داشته است که بیش از چندین موقع جنگساران چوکی را اشغال کردند. ولی بررسی گذشته کسانیکه خواهان مقام و چوکی هستند منجر به دسیسه کسانیکه به ادامه وحشت بین غیر نظامیان میگردد به نا کامی می انجامد و در غیر آن صورت پروسه سیاسی بتدریج تضعیف خواهد گردید.

در این زمان ایالات متحده بر مخالفین فشار آورد تا واقعیت های راجع به تجاوزات و جنایات جنگی را در گذشته و حال در افغانستان را بر ملا سازند.

در اوایل ۲۰۰۵ راه از سر گیری کارهای مستقل ملل متحد را در افغانستان مسدود ساخت زیرا کوشش مکرر داشت تا به باز داشتگاه ها در افغانستان دست یابد.

بر علاوه اینکه نیروهای ایالات متحده جنایات را انجام داده است تعداد شان با همقطاران کمونیستی، مجاهدین و رژیم طالبان که در پیشاپیش آنها روش های خام و ظالمانه شکنجه را که بعضی اوقات منجر به مرگ میگردیدند از زندانهای مخفی برای شکنجه بدون آگاهی مردم که منجر به لادری مردم منتج می گردید مبادرت می ورزیدند. اداره بوش ادعا کرده است که اسیر گرفتن مخفی بخاطر حفظ امنیت بوده و در واقع این پنهان کاریشان امنیت را به تدریج تضعیف کرده است. بطور مثال ملا شهزاده قوماندان ارشد طالبان مسوول قتل عام های دسته جمعی وی در این گزارش ثبت گردیده است از زندان گوانتانامو در سال ۲۰۰۳ آزاد گردید و سپس با طالبان پیوست و سلاح گرفته علیه نیروهای آمریکای جنگید و متعاقباً در ماه می سال ۲۰۰۴ در جنگ علیه نیروهای آمریکای در افغانستان کشته شد. آیا ایالات متحده از گذشته جنایات جنگی او آگاه بود و او را آزاد کرد؟ آیا آنها از کسانیکه در بازداشتگاه شان اند آگاه نیستند؟ ایالات متحده بتازگی قوماندانان ارشد طالبان را به شمول ملا فاضل کسبیکه جنایات جنگی اش در این گزارش ثبت و سند و مدرک ارائه گردیده است گرفتار کرده است.

۸.۲ مرگها در توقیف گاه ها و شکنجه

جدی ترین موارد مرگ باز داشت شده گان افغان که توسط نیروهای آمریکای گرفتار شده اند میباشد. طبق گزارش سازمان دیده بان حقوق بشر حد اقل شش نفر در زندان ایالات متحده در افغانستان از سال ۲۰۰۲ به قتل رسیده است که شامل یکنفری است که توسط سازمان سیا (CIA) گرفتار شده بود. بعد از دو سال و یا بیشتر هیچ پرسونل نظامی ایالات متحده متهم به جنایات قتل نگردیده است. اگرچه اسناد وزارت دفاع آمریکا نشان میدهد که پنج نفر از شش نفر و اصحاب به قتل رسیده اند.

روش های شکنجه که توسط نیروهای آمریکای در افغانستان به کاربرده شده است شامل یک تعداد روش های است که توسط پرسونل امنیتی، استخبارات و فرماندهان چندین جناح در دوران مختلف جنگ در زیر اثر چندین رژیم بکار برده شده است. شکنجه در زمان حزب خلق خصوصاً در دو نیم سال اول بعد از انقلاب ۷ ثور به مرگ منجر میگردد. گزارش گر حقوق بشر در افغانستان از چنین روشهای شکنجه در این مدت گزارش داده است.

افراد متعدد به طور انفرادی به گزارش گر دیده بان حقوق بشر از بد رفتاری، آزار و ازیت که در جریان باز داشت شان متأثر گردیده است شامل بیخوابی، ناخن کشیدن، سوختاندن به انواع مختلف، شوک برقی و در بعض موارد استفاده از جزراتور برقی را خیر داده است. یک مقام رسمی سابق در پل چرخه به دیده بان حقوق بشر از بلاکهای سلول انفرادی حکایت کرده است جاییکه زندانی های خطرناک در آن نگهداری میشدند و قفسچه های داشت که انسان ایستاده شده نمیتوانست.

من در آنجا قوماندان بودم و بعد در همان زندان در زمان ترکی زندانی شدم. و من در آنجا هشت ماه زندانی بودم. علت زندانی شدنم این بود که من زندانیان را اجازه میدادم تا به آفتاب بر آمده قدم زند. در آن وقت کار این تعمیر تکمیل نشده بود. لکن فعلا تکمیل شده است. در آنجا هیچ مرکز گرمی وجود ندارد. در واقع مرکز گرمی داشت ولی روشن نمیشد زیرا آنها میخواستند تا زندانیان سرما بخورند.

چنین روش در دوران حزب خلق و روسها که قرار ذیل تشریح خواهد شد عملی گردیده است لکن استفاده از این نوع همیشه استفاده شده است. طبق گزارش توسط گزارش گر موسسه عفو بین المللی و هلسینکی واج (یک قسمت از دیده بان حقوق بشر) زندانیان از ارتباط با فامیلشان محروم بودند حتی از وکیل مدافع، یا داکتر و یا در حبس مجرد و ممنوع الملاقات قرار داده شده بودند. آنها تهدید میشدند و از خواب و غذا محروم بودند. نوع دیگر شکنجه شوک برقی، لت و کوب، سوختاندن با فلتر سگرت، در آب تر کردن بودند. زندانیان با زنجیر نیز بسته بودند و برای مدت میدیدی دستهایشان با زنجیر بسته بودند.

بعد از سقوط دولت داکتر نجیب الله در سال ۱۹۹۲ قوماندانان هم زندانی نظامی گرفتار شده از مخالفین و هم غیر نظامی را شکنجه میدادند. روش شکنجه مختلف بودند لکن لت و کوب شدید، بردن در اطاق تنگ و تاریک و وحشتناک و کثیف صورت میگرفت. و بطور مثال بعداً در همین گزارش پروژه عدالت افغانستان رفتار غیر انسانی با زندانیان توسط قوماندانان حزب وحدت در یک قضیه در سال ۱۹۹۳ گنجانیده شده است.

یک زندانی سابق گفته است که افراد قوماندان وی را با چوب زد و با تفنگچه در پهلوئی گوشش فیر کردند. او میگوید که چشمانش را بسته کرده بودند و چهار زانو با پنجه وی را روی زمین کشال میکردند تا از حرکت باز ماند و بعد سگ را سرش با لا کرد و "این سگ مرا میترسانید و لباس مرا پاره میکرد و مرا می خراشید." زندانی دیگر میگوید که او را برای هفت روز در تشناب بد و رفت که قصداً پر آب کرده بودند زندانی کردند. و طالبان نیز به همین قسم شکنجه میدادند. زندانیان توسط طالبان به ندرت دسترسی به ملاقات با فامیل شان داشتند و وضعیت زندان بسیار وحشت ناک بود و لت و کوب معمول بود.

گزارشی که توسط FBI کسانیکه از زندان گوانتانامو گزارش داده است شامل زولانه و زنجیر زندانیان و بزور نشانیدن شان بالای مواد غایبه که تازه از وی خارج گردیده است میباشد. اضافه ای بر این اظهارات زندانیهای سابق بیانگر فشار زیاد، استفاده از سگ های نظامی بخاطر ترساندن زندانیان، تهدید و شکنجه و مرگ و نگهداشتن طولانی در سرما و گرمای شدید و سرو صداهای زیاد میباشد.

موسسه بین المللی صلیب سرخ ICRC از یک گزارش محرمانه حکومت ایالات متحده آمریکا گفته که بر خورد با زندانیان شامل شکنجه های روحی و فیزیکی که شکنجه مداوم بحساب می آید عنوان شده است. توضیحات ذیل نشان میدهد که چگونه ایالات متحده از شکنجه های که توسط حزب خلق و روسها و علاوتاً قوماندان های خصومت جو از سال های ۱۹۸۰ الی سالهای ۱۹۹۰ بکار گرفته میشد تقلید کرده عملی میکرد.

ایالات متحد زندانی ها را با زنجیر و زولانه بسته به زندانهای مخفی می انداختند و دور از دسترسی به فامیل و وکیل مدافع و ادویه نگه میداشتند و آنها را مورد لت و کوب قرار میدادند. طبق گزارش دیده بان حقوق بشر سازمان سیا CIA در شکنجه و قتل زندانیان در افغانستان دست داشتند. یک کارمند بخش قضای سازمان سیا CIA از (سالت پتی) به پیره داران در زندان موقتی در شمال افغانستان دستور داد که جوان زندانی را برهنه کند و با زنجیر بر روی کانکریت بسته کرده و شب را بدون لحاف و یا کمپل او را در همان هوای سر بگذارند. اخبار و اشننگتن پست در سوم ماه مارچ طی یک مصاحبه با چهار نفر مقام رسمی قضای دولت آمریکا انجام داده است. و در این مقاله نوشته میکند که پیره داران افغان توسط سازمان سیا CIA پول داده میشود تا طبق هدایت آنها کار کنند و و قبل از اینکه زندانیان را به سلول های زندان بدون پوشاک بیندازند زندانیان را روی کانکریت اطراف زندان کشال کنند، سیلی کاری کنند، بدنشان خراشیده گی و ضرب و جرح وارد نمایند.

یک کالبد شکاف یک لیست طبی را تهیه کرده بود که سرما باعث مرگ بعضی زندانیان گردیده است و آن مرد در یک قبرستان نا معلوم دفن گردید. یک مقام رسمی طی یک مصاحبه با نشریه و اشننگتن پست گفته است که او فقط از روی زمین مفقود گردیده است.

۸.۳ زندانهای مخفی

همچنان در جریان مراحل مختلف جنگ ها در افغانستان نیروهای امنیتی و استخباراتی یک شبکه مخفی را ایجاد کرده بودند که مردم را بطور مخفی اسیر گرفته در یک زندان مخفی برای مدت مدیدی زندانی میکردند. در آخرین دوران حزب خلق افراد زیاد اسیر شدند و تحمیلاً به زندان های مخفی برده شدند که اقارب شان هرگز آنها ندیدند. بناً این افراد وارثین همان قربانیان ویا مفقود شدگان هستند. و تعداد مفقود الاثر ها از هزاران به ده هزاران نفر میرسد. اکثر آنها قبل از کشته شدن به زندانهای مخفی برده میشدند.

تعداد دیگر شان بعد از رفتن به زندان بزود ترین فرصت به قتل میرسیدند. زمانیکه روسها چهره ظاهری استخبارات را تبدیل به خاد کرد در آن زمان نیز اقدام به گرفتاری مخفی و زندان مخفی کردند. طبق اظهارات خاص ملل متحد در بخش حقوق بشر در افغانستان شکنجه در وزارت داخله در کابل و در تمام زندانهای مربوط خاد صورت میگرفت و بعداً مشخصاً تذکر داده شده است که مرکز خاد در کابل هشت زندان در کابل داشت که توسط خاد کنترل میشدند. و به تعداد ۲۰۰ حولی در نواحی کابل بحیث زندان خاد از آنها استفاده میشدند که توسط خاد کنترل میشدند. مجاهدین و طالبان نیز اقدام به داشتن زندان های مخفی کردند که در آنها شکنجه و قتل صورت میگرفت.

ایالات متحده در افغانستان و دیگر کشور ها اقدام به داشتن زندانهای مخفی کرد. در دوران تصدی بسیونی نماینده مستقل و با تجربه ملل متحد در بخش حقوق بشر در افغانستان ایالات متحده کوشش های وی را مسدود ساخت تا از زندان های مخفی آمریکا در افغانستان باز رسی نکند و بسیونی مشخصاً آمریکا را به داشتن پایگاه نظامی بخاطر گرفتاری اسیر که موسسه صلیب سرخ بین المللی را نگذاشت به آن دست رسی پیدا کند ضد معاهده ژینو دانسته محکوم کرد.

ایالات متحده با تقلید از بعض نمونه های شکنجه که در مراحل مختلف جنگ در افغانستان صورت گرفته بود خود را به بخاطر مصلحت سیاسی با قوماندانان محل که چنین اعمال را انجام میدادند متفق کردند. نیروهای آمریکای بخاطر امید واری به تأسیس یک ارگان با ثبات و جوابگو در افغانستان به خطر انداخت و امنیت مردم افغانستان را بیشتر از خود تضعیف کرد و دشمنی را در بین مردم تحمیل کرده مشروعیت پروسه سیاسی را تضعیف نمود.

۱. در سال ۱۹۷۳ زمانیکه شاهر شاه در خارج از کشور بود داود خان با یک کودتا قدرت را بدست گرفت. در ابتدا داود خان شاخه پرچم حزب خلق که کودتای وی را تقویت بخشیده بود به محاکمه کشید و متعاقباً از آنها فاصله گرفته و تعداد از رهبران جناح پرچم را زندانی کرد. مرگ شخصیت های مشهور پرچم در زندان باعث کودتای هفت ثور گردید.

روبین در کتاب فروپاشی و تجزیه افغانستان: تشکیلات حکومت مرکزی و سقوط از سیستم بین الملل نشر دانشگاه یالی در سال ۱۹۹۶ صفحات ۹۳-۱۰۴-۱۰۵.

۲. نام استخبارات حزب خلق (اکسا) متشکل از کلمه پشتو بود که بخاطر تشکیلات دفاعی مورد علاقه افغان ها قرار گرفت. بعد از اینکه امین نور محمد ترکی را در ۱۹۷۹ به قتل رساند و قدرت را بدست گرفت او این نام این ارگان را کام گذاشت. که به معنی کار گران استخبارات میباشد. طبق کتاب روبین بنام فروپاشی و تجزیه افغانستان صفحه ۱۱۴.

۳. طبق اظهارات جیوستوزی خارج از واقعیت ۱۸۰۰۰ عضو حزب و ۲۸۰۰۰ که قبل از ۱۹۷۹ پیوسته بودند نصف شان کشته شدند و یا اینکه با تهاجم روسها تصفیه شدند. کتاب انتونیو جیوستوزی تحت عنوان (جنگ)، سیاست و جامعه افغانستان از ۱۹۷۸ الی ۱۹۹۲ و اشنگتن دی سی: دانشگاه جیور گیتاون نشر سال ۲۰۰۰ صفحه ۴.

۴. در سپتامبر ۱۹۷۹ امین نور محمد ترکی را کشت و خودش رئیس جمهور گردید.

۵. قوانین محکمه بین الملل ۷ (۱) (۲) (i)

۶. اثر روبین فروپاشی و تجزیه صفحات ۱۱۴ و ۱۲۲.

۷. هر نوع عمل یا تهدید از حاکی از تجاوزات به هدف ابتدای که باعث وحشت در بین مردم غیر نظامی و ملکی گردد منع شده است. حملات کور کورانه منع شده است. حملات کور کورانه حملاتی است که:

* حملاتی است که اهداف مشخص نظامی را هدف قرار ندهد.

* حملاتی است که یک روش را بکار گرفته باشد بمعنی اینکه جنگ در محلات مشخص نظامی صورت نگرفته باشد و در بین دیگر مردم که ذیلاً گفته خواهد شد شامل حملات کور کورانه بوده و حملات کور کورانه محسوب میگردد.

* حملات بمباردمان به هر روش و شیوه که معنی تهدید در محل واحد نظامی و یا محلات مشخص جدا از هم و متفرق که در شهر قریه و دیگر مناطق باشد که در بر گیرنده محلات غیر نظامی و ملکی و یا املاک غیر نظامی باشد.

- * حملات که احتمالاً باعث حادثات قتل و زخمی شدن افراد غیر نظامی و خسارات مالی به غیر نظامیان و یا مربوط به افراد ملکی که بیشتر مربوط به استحکامات نظامی و مستقیماً به منافع نظامی باشد پیش بینی شده است. ماده آخر به حیث قانون نسبی بیان شده است.
- در پرتو کول ۱ فصل ۱۱ ماده ۵۱ سال ۱۹۷۷ معاهده ژینو تصویب گردیده است.
- افغانستان این پرتوکول اول را تأیید نکرده است. لیکن معیار های داده شده از جنگهای نظامی داخلی بطور عموم پذیرفته شده و جزء رایج قوانین بر رهبری جنگ مسلحانه است.
۸. مراجعه به دیده بان حقوق بشر کنید. جنگ های فراموش شده: نقض حقوق بشر، قوانین جنگی از عقب نشینی روسها از افغانستان (چاپ نیویارک: دیده بان حقوق بشر ۱۹۹۱).
۹. دو منطقه بزرگ از اصلاحات حمله در محور مناطق روستای مرتبط به نورم های اجتماعی: تقسیمات مجدد زمین در حین تجاوز و مجبور ساختن مردم قریه بخاطر فرستادن دختران شان به مکاتب و زنان را به مکاتب سواد آموزی زنانه.
۱۰. در سپتامبر ۱۹۷۹ حفیظ الله امین ترکی را به قتل رساند و خودش رئیس جمهور انتخاب گردید.
۱۱. آگسا یک کلمه مرکب از زبان پشتو برای دفاع مورد علاقه افغانها بود و کام برای کارمندان استخبارات. روبین در کتابش در صفحه ۱۱۴ گفته است.
۱۲. از مارچ الی جولای ۱۹۷۹ اسلم وطنجار با جای گزینی وزارت داخله جنرال شیر جان مزدور یار پست وزارت دفاع را گرفت.
۱۳. کتاب روبین بنام فروپاشی صفحه ۱۱۴.
۱۴. کتاب نبی عظیمی بنام اردو و سیاست صفحه ۱۶۷.
۱۵. موسسه عفو بین الملل نشریه بنام (AI ASA) ۹۷/۰۴/۱۱ صفحه ۸-۹.
-
۱۶. انتوی هیمن بنام کتاب افغانستان تحت سلطه روسها از سال ۱۹۶۴ الی ۱۹۸۳، نیویارک چاپ مارتین در سال ۱۸۴ صفحه ۱۰۹.
۱۷. ایضاً
۱۸. مصاحبه های پروژه عدالت افغانستان.
۱۹. مصاحبه های پروژه عدالت افغانستان در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۳.
۲۰. مصاحبه های پروژه عدالت افغانستان در سال ۲۰۰۵.
۲۱. شاهد اظهار داشته است که حادثه ۱۵ روز قبل از به قدرت رسیدن ببرک کارمل صورت گرفت. حفیظ الله امین در ۲۷ دسامبر کشته شد و سخنرانی ثبت شده رئیس جمهور در روز بعدی نشر گردید. کتاب هیمن صفحه ۱۶۵.
۲۲. مصاحبه های پروژه عدالت افغانستان در سال ۲۰۰۵.
۲۳. مصاحبه های پروژه عدالت افغانستان در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۳.
۲۴. علاقه یک کلمه عربی است که برای منطقه و محل بکار می رود و علاقه داری یک اداره خورد تر از ولسوالی است. و علاقه دار رئیس علاقه داری است. و همیشه علاقه داری ولسوالی اطراف ترجمه شده است و ممکن است که علاقه دار توسط حکومت در همان زمان تعیین میگردید و امین این بخش را به به اهداف فعالیت های پولیس و استخبارات استفاده میکرد.
۲۵. مصاحبه های پروژه عدالت افغانستان در سال ۲۰۰۵.
۲۶. مصاحبه پروژه عدالت بتاریخ ۱۳۸۲/۰۷/۱۲ (۲۰۰۳).
۲۷. ۱۸. گزارش ارتباط میگرفت به عفو که توسط حکومت ببرک کارمل اعلان گردیده و بعد از سال ۱۹۷۹ روسها وی در مقام ریاست نصب کرد و به افغانستان تجاوز کردند.
۲۸. شاهدان که دائماً مصاحبه کرده اند اظهار کردند که گرفتاری ها در زمان قدرت ترکی و امین صورت گرفته بود. ک شاهد بنام حاجی م حتی بیان کرده است که مفقودی ها بعد از به قدرت رسیدن امین صورت گرفته بود. گرچه بعضی شاهدان اظهار داشته اند که حادثات در سالهای ۱۳۵۹ یا ۱۹۸۰ صورت گرفته بود. در این صورت ممکن است که تاریخ دقیق توسط شاهدان درست نباشد. بنا بر مجموع اظهارات یک تعداد اقارب قربانیان این مسئله موجه است که اتفاق افتادن حادثات گرفتاری در بعض اوقات در ۱۹۷۹ بخاطر قتل زمین داران و دیگر انسانها مهم و مشهور در ساحات روستای جامعه بطور دوام دار توسط حزب خلق به اندازه زمین و محل شان از سال ۱۹۷۸ الی ۷۹ صورت گرفته است.
۲۹. مصاحبه پروژه عدالت در دسامبر ۲۰۰۳.
۳۰. ایضاً
۳۱. ایضاً
۳۲. ایضاً

۳۳. ایضا
۳۴. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در ماه جنوری ۲۰۰۴.
۳۵. گزارش گرا خاص ملل متحد در گزارش مربوط اوضاع حقوق بشر در افغانستان. E/CN.4/1985/21 صفحه ۱۸.
۳۶. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان با افغان های مقیم در پاکستان.
۳۷. گرادت (Giradet) اظهار داشته است که جیتهای بمب افکن روسها قبل از اینکه میدان هوای افغانستان از کار افتاد از میدان هوای دوشنبه استفاده میکردند و این یک وظیفه مشکل برای پیلوت های روسی بود.
۳۸. یکی از بسیار گزارش های مفصل این بود که گیلیس دارونوسرو (Gilles Dorrnosoro) در (La revolution afghan طبع پاریس CERI کارتاله ۲۰۰۰ به نشر رسیده است.
۳۹. گیلیس دارونوسرو تأکید کرده است که همبستگی اندکی بین زمین داران و دهقانان و شهر نشینان وجود داشت. ایضا گیلیس دارونوسرو صفحه ۱۱۴ - ۱۱۵.
۴۰. ایضا صفحه ۱۱۵.
۴۱. همچنان بعضی نیز طبق گزارش حملات بالای افراد مشکوک که آنها ماویست و یا غیر مذهبی بودند صورت گرفته است. ایضا صفحه ۱۱۹.
-
۴۲. ایضا در صفحه ۱۱۶ تذکر داده شده است که اسماعیل خان و علاوالدین خان طبق گفتار گیلیس دارونوسرو نقش ضعیفی را در شورش بازی کرده است.
۴۳. مصاحبه های پروژه عدالت افغانستان در سال ۲۰۰۳.
۴۴. گزارش گر خاص ملل متحد، راجع به وضعیت حقوق بشر در افغانستان گزارش داده است. E/CN.4/1985/21 para. 72.
۴۵. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان، ۲۰۰۴.
۴۶. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان، ۲۰۰۴.
۴۷. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان، ۲۰۰۴.
۴۸. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان، ۲۰۰۴.
۴۹. ایضا دارونوسرو
۵۰. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در بامیان در سپتامبر ۲۰۰۴.
۵۱. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در بامیان در سپتامبر ۲۰۰۴.
۵۲. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در بامیان در سپتامبر ۲۰۰۴.
۵۳. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در بامیان در سپتامبر ۲۰۰۴.
۵۴. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در کابل ۲۰۰۵.
۵۵. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در کابل ۲۰۰۵.
۵۶. گیرادیت صفحه ۱۱۷.
۵۷. نبی عظیمی اردو و سیاست.
۵۸. ایضا
۵۹. مکتوب های الکترونیکی از AIHRC در ۴ آگست ۲۰۰۴.
۶۰. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در کابل ۲۰۰۴.
۶۱. نمایندگان چنین جامعه بخاطر ارتباط بین مراجع روستای مقرر گردیده بودند و اگر حکومت با مشکلی مواجه میشدند اول به این نمایندگان مراجعه میکردند و در آن زمان بطور احتمال هر کسی را که آنها ضد انقلاب و یا عنصر جنایت کار معرفی میکردند باور میکردند.
۶۲. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در کابل در ۲۰۰۴.
۶۳. گیرادیت صفحه ۱۱۸.
۶۴. گزارش گر خاص ملل متحد، راجع به وضعیت حقوق بشر در افغانستان گزارش داده است. E/CN.4/1985/21 para. 76.
۶۵. گزارش گر خاص ملل متحد، راجع به وضعیت حقوق بشر در افغانستان گزارش داده است. E/CN.4/1985/21 para. 75.
۶۶. عفو بین الملل، نقض حقوق بشر و آزادی های اساسی.
۶۷. روبین صفحه ۱۱۸.
۶۸. روبین فروپاشی صفحه ۱۲۵.

۶۹. بخاطر مطالعه عمیق از ساختار قدرت، تغییرات رهبری و جناح بندی به کتاب بارنت آر روبین تحت عنوان فروپاشی یا تجزیه افغانستان مراجعه کنید: از فرو پاشی و یا تجزیه و سقوط یک سیستم بین المللی او گفته سخن است. (نیو هاون: طبع دانشگاه یالی در سال ۲۰۰۲، اولین طبع ۱۹۹۵) و انتونیو گیوستوزی، جنگهای سیاسی و اجتماعی در افغانستان ۱۹۷۸-۱۹۹۲. (طبع واشنگتن دی سی دانشگاه جورج تاون ۲۰۰۰).

۷۰. ساختار رسمی تشکیلاتی حکومت در جریان این مدت تغییر کرد. از سال ۱۹۸۰ الی ۱۹۸۷ رئیس شورای انقلابی حزب خلق رئیس جمهور بود. و بعد از تصویب قانون اساسی در سال ۱۹۸۷ این مقام ریاست جمهوری نام نهاده شد. در جریان سال ۱۹۹۰ قانون اساسی، کشور بنام جمهوری در دوران داود خان بنام جمهوری افغانستان مسما گردید. در مجلس و یا گرد همای حزب در همین وقت نام حزب خلق به حزب وطن تغییر کرد.

۷۱. انتونی هاین در کتاب افغانستان تحت سلطه روسها از سال ۱۹۶۳-۱۹۸۳ (چاپ مطبوعه مارتین نیویارک ۱۹۸۴) صفحه ۱۷۷.

۷۲. روبین در صفحه ۱۱۴-۱۲۲ فروپاشی افغانستان.

۷۳. هیلسینکی وچ کتاب تحت عنوان اشک، خون و فریاد در سال ۹۷. گواهی انور در شینکاگو، ایلینیس ۱۵ آپریل ۱۹۸۴.

۷۴. گزارش گرا خاص ملل متحد در گزارش مربوط اوضاع حقوق بشر در افغانستان E/CN.4/1986/24para.۸۶.۸۷

۷۵. گزارش گرا خاص ملل متحد در گزارش مربوط اوضاع حقوق بشر در افغانستان ۸۷. E/CN.4/1986/24para.

۷۶. معنی صدارت نخست وزیری است. قبل از اینکه خاد به وزارت ارتقا یافت تحت نظر دفتر صدارت عظمی بود. و دفتر اصلی خاد در تعمیر بزرگ مربوط فامیل سلطنتی در مرکز کابل بین صدارت عظمی و سفارت ایران موقعیت داشت.

۷۷. به کتاب روبین بنام فروپاشی و پاش افغانستان صفحه ۱۲۷ مراجعه کنید.

۷۸. پیر سید احمد گیلانی از سلاله یا نسل عبدالقادر جیلانی از بغداد است و بنیانگذار دستور صوفی قادریه است. پیر گیلانی رئیس حزب محاذ ملی یک فرد ملی گرا نزدیک به خاندان سلطنتی بود. برای معلومات بیشتر به کتاب روبین بنام فرو پاشی صفحه ۲۰۳ مراجعه کنید.

۷۹. مصاحبه های پروژة عدالت افغانستان در ماه می ۲۰۰۵ در کابل.

۸۰. ایضاً

۸۱. مصاحبه سال ۲۰۰۵.

۸۲. هدف اصلی خنثی سازی تهدیدات نواحی و اطراف کشور که متوجه قدرت مرکزی بود نه تسخیر و مشخصاً ایجاد تغییرات در آنجا بودند. مراجعه به کتاب روبین صفحه ۱۴۲.

۸۳. ایضاً صفحه ۱۴۳ این کتاب.

۸۴. هر نوع عمل یا تهدید از حاکی از تجاوزات به هدف ابتدای که باعث وحشت در بین مردم غیر نظامی و ملکی گردد منع شده است. حملات کور کورانه منع شده است. حملات کور کورانه حملاتی است که:

- * حملاتی است که اهداف مشخص نظامی را هدف قرار ندهد.
- * حملاتی است که یک روش را بکار گرفته باشد بمعنی اینکه جنگ در محلات مشخص نظامی صورت نگرفته باشد و در بین دیگر مردم که ذیلا گفته خواهد شد شامل حملات کور کورانه بوده و حملات کور کورانه محسوب میگردد.
- * حملات بمباردمان به هر روش و شیوه که معنی تهدید در محل واحد نظامی و یا محلات مشخص جدا از هم و متفرق که در شهر قریه و دیگر مناطق باشد که در بر گیرنده محلات غیر نظامی و ملکی و یا املاک غیر نظامی باشد.
- * حملات که احتمالاً باعث حادثات قتل و زخمی شدن افراد غیر نظامی و خسارات مالی به غیر نظامیان و یا مربوط به افراد ملکی که بیشتر مربوط به استحکامات نظامی و مستقیماً به منافع نظامی باشد پیش بینی شده است. ماده آخر به حیث قانون نسبی بیان شده است.

در پرتو کول ۱ فصل ۱۱ ماده ۵۱ سال ۱۹۷۷ معاهده ژینو تصویب گردیده است.

افغانستان این پرتوکول اول را تأیید نکرده است. لیکن معیار های داده شده از جنگهای نظامی داخلی بطور عموم پذیرفته شده و جزء رایج قوانین بر رهبری جنگ مسلحانه است.

۸۵. گزارش از اجلاس عمومی ملل متحد، و گزارش از بخش جلسه اقتصادی و اجتماعی و بررسی وضع حقوق بشر در افغانستان (A/40/843,1985) para.77

۸۶. گزارش از عمومی ملل متحد، و گزارش از بخش جلسه اقتصادی و اجتماعی و بررسی وضع حقوق بشر در افغانستان (A/40/843,1985) para.92

۸۷. گزارش گر خاص ملل متحد، گزار از وضعیت حقوق بشر در افغانستان "E/CN.4/1986/24 para.86.
۸۸. آسیا واچ، افغانستان: جنگ فراموش شده و سوء استفاده از حقوق بشر و نقض حقوق جنگی از دوران عقب نشینی روسها (چاپ نیویارک: ۱۹۹۱) صفحه ۲۹.
۸۹. گزارش از اجلاس عمومی ملل متحد، و گزارش از بخش جلسه اقتصادی و اجتماعی و بررسی وضع حقوق بشر در افغانستان. 81. para. (A/40/843,1985)
۹۰. گزارش از اجلاس عمومی ملل متحد، و گزارش از بخش جلسه اقتصادی و اجتماعی و بررسی وضع حقوق بشر در افغانستان para.29 (A/41/778,1986)
-
۹۱. گزارش از گزارش گر خاص ملل متحد، گزارش از وضعیت حقوق بشر در افغانستان " A/41/778(1986)para.63.
۹۲. هیلسینکی واچ، کتاب اشک، خون و فریاد یا گریه صفحه ۳۲.
۹۳. گزارش از اجلاس ملل متحد در بخش اقتصادی و اجتماعی و کمیسیون حقوق بشر و گزارش از وضعیت حقوق بشر در افغانستان " E/CN.4/1986/24 para.87.
۹۴. آسیا واچ و هیلسینکی واچ، مرگ در افغانستان صفحه ۲۹. " E/CN.4/1986/24 para. 87.
۹۵. گزارش خاص ملل متحد در رابطه با وضعیت حقوق بشر در افغانستان " E/CN.4/1986/24 para.117- 118.
۹۶. گزارش از اجلاس ملل متحد در بخش اقتصادی و اجتماعی و کمیسیون حقوق بشر و گزارش از وضعیت حقوق بشر در افغانستان " (A/41/778,1986) para. 59.
۹۷. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در ننگرهار ۲۰۰۳.
۹۸. بعد از سقوط داکتر نجیب الله در سال ۱۹۹۲، مجاهدین محلی کوشش کردند که عبدالملک را در خانه اش در جلال آباد گرفتار نماید، لکن نتوانست که او را پیدا کند ولی برادرش بریالی را در جایش کشت.
۹۹. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در سال ۲۰۰۴.
۱۰۰. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در ۸ نوامبر ۲۰۰۳.
۱۰۱. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در ۷ اکتوبر ۲۰۰۳.
۱۰۲. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در اکتوبر ۲۰۰۳.
۱۰۳. صرف یک شاهد که با پروژه عدالت افغانستان مصاحبه کرده است تاریخ حادثه را بیان کرده است که امکان دارد این جزء یک سلسله قتل عام های باشد که توسط پروفیسر ارماکورا گزارش داده شده است.
۱۰۴. A/40/843/(1985) para.79. در ضمیمه اول.
۱۰۵. روبین، فروپاشی صفحه ۱۴۶.
۱۰۶. برای معلومات مفصل به کتاب روبین در بخش تحقیق در افغانستان مراجعه کنید.
۱۰۷. کتاب روبین بنام فروپاشی صفحه ۱۴۸.
۱۰۸. کتاب روبین، فروپاشی صفحه ۱۴۴.
۱۰۹. گیو تیزی صفحه ۲۲۶.
۱۱۰. آسیا واچ، جنگ فراموش شده (نیویارک: دیده بان حقوق بشر، ۱۹۹۱) صفحه ۳۹.
۱۱۱. یاد داشتهای روبین " این ملیشه ها در جنگ های قوی قومی اشتراک کردند. کتاب فروپاشی صفحه ۱۴۸.
۱۱۲. گیو تیزی ص ۲۲۶.
۱۱۳. آسیا واچ، جنگ فراموش شده ص ۴۰.
۱۱۴. روبین: (نقل قوب از منابع مطبوعاتی معاصر) فروپاشی ص ۱۴۸.
۱۱۵. گیو تیزی ص ۲۲۲. روبین، فروپاشی ص ۱۶۱.
۱۱۶. تاریخهای تشکیل واحد های طرفدار دولت در هر مورد شامل قوماندانان ارشد است که قوماندانان خورد و یا قوماندان قوی را از زندان رها میکردند و یا اینکه آنها را از مخالفین شان حفظ میکردند بعد از اینکه آنها همیشه در حفاظت و یا تحت حمایه شان قرار داشتند. بطور مثال دوستم اکه یاسین را نجات داد و او را از زندان کابل در اواخر دوران نجیب الله رها کرد و همچنان قوماندان تولی ۶۳۰ مربوط فرقه ۵۳ که وی را از دست پهلوان غفار نجات داد. به همین گونه در دوران داکتر نجیب الله رسول پهلوان از زندان میمنه توسط همراه پهلوان آزاد گردیدند. و او کسی بود که بعداً یکی از حامیان رسول پهلوان در جنگ اند خوی قرار گرفت. مصاحبه با تحلیل گری سیاسی.
۱۱۷. بطور شبیه انگیز گلم جم نقش مهم جنگی و اشغال را ابتدا علیه پشتون های مجاهد در جنوب و شرق داشت و با اقلیت قوماندانان ملیشه بهترین ارتباط را با پشتون های سیاسی برقرار کرده بود. او و کاکایش خوشبین بود که در نیروی نظامی دولت افغانستان است و توسط دولت رهبری میگردد. باز هم بطور شبیه انگیز دیگر قوماندانان مثل رسول پهلوان کسیکه در جنگ های مختلف با پشتونهای محلی طرفدار دولت دفاع

خودی داشت و زمانی هم در فاریاب مجاهد بود و مفکوره ضد پشتون داشت متعاقباً با پشتون های خلقی در دولت به شمول گلاب زوی ارتباط گرفت. مصاحبه با تحلیل گر امور سیاسی.
۱۱۸. ایضا روبین در کتاب فروپاشی.

۱۱۹. ایضا در همین کنار ص ۱۴۸-۱۴۹.
۱۲۰. شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر، گزارش به ارتباط وضعیت حقوق بشر در افغانستان " (E/CN.4/1990/25) para. 68.
۱۲۱. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در دسامبر ۲۰۰۳.
۱۲۲. ایضا
۱۲۳. ایضا
۱۲۴. ایضا
۱۲۵. ایضا
۱۲۶. آسیا واچ، افغانستان: جنگ فراموش شده. نقض حقوق بشر و نقض قوانین جنگی بعد از عقب نشین نیروهای روس. (نیویارک: دیده بان حقوق بشر ۱۰۰۱) ص ۱۰۱-۱۰۸.
۱۲۷. ایضا ص ۱۰۱.
۱۲۸. ایضا ص ۱۰۱-۲.
۱۲۹. روابط سازمان CIA و ISI و برتریت ISI بخاطر تحت نفوذ داشتن احزاب مجاهدین که توسط بعض منابع در مورد مدارک تهیه گردیده است. بطور مثال به ستیف کول، غاست و ار مراجعه کنید. (نیویارک: طبع پینچوین ۲۰۰۴) دیده بان حقوق بشر. جنگ فراموش شده صفحات ۱۲۵-۱۳۰ و کتاب فروپاشی روبین صفحات ۱۹۶-۲۱۵.
۱۳۰. تمام شان ادعا شده که مورد ازیت و آزار توسط حزب خلق قرار گرفتند و به همین دلیل به پاکستان فرار کردند. آسیا واچ، جنگ فراموش شده صفحات ۱۱۲-۱۲۳.
۱۳۱. ایضا
۱۳۲. کول، غاست و ار صفحه ۱۸۱.
۱۳۳. روبین فروپاشی ص ۲۴۹.
۱۳۴. دولت اسلامی افغانستان میخواست که در آینده بر قانونیت خود ادامه بدهد، حتی بعد از اینکه طالبان کابل را در ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۶ تصرف کردند. ولی بر خلاف طالبان نام حکومت خود را امارت اسلامی افغانستان در سال ۱۹۹۷ مسمی کرد. گروه های مختلف علیه طالبان می جنگیدند و همچنان جزء دولت یا متحد دولت محسوب می گردیدند. و مکرراً اتحاد شمال یا میشدند. و نام جبهه متحد اسلامی برای نجات افغانستان برای خطوط اول نام گذاری کرده بودند. این بخشی از جریان تا اگست ۱۹۹۸ زمانیکه طالبان کنترل اکثریت مناطق شمال افغانستان را تصرف کردند و مناطق شمال را بطور چشم گیری از کنترل اتحاد شمال خارج ساختند.
۱۳۵. تقریباً و یا عملاً تمام همسایه های افغانستان جناح های مختلف مورد نظر شان را کمک تسلیحاتی و غیره میکردند و اگر چه خواهان ختم جنگ نیز بودند.
۱۳۶. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان با قوماندانان سابق.
۱۳۷. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان با قوماندانان حاضر در صحنه.
۱۳۸. پروتوکول اول جینیوا فصل ۱۱ ماده ۵۱ سال ۱۹۷۷. افغانستان این ماده را تأیید نکرده است. اگر چه معیار های که این ماده در عملی شدن جنگهای داخلی مسلحانه بطور عموم به عنوان جزء قوانین بین المللی در رابطه به رهبری جنگ پذیرفته شده است.
۱۳۹. افغانستان جزء پیمان جینیوا است. ماده مشترک سه این پیمان بصورت اتوماتیک و سریع شامل جنگهای داخلی مسلحانه در محدوده هر حزب که درگیر هستند میشود. این ماده ضرورت های مربوط به قانون را بر احزاب داخل در جنگ تحمیل میکند و از مردم و زخمی های افراد نظامی مخالف حفاظت کنند که شامل افراد ملکی و زندانیان و غیر نظامیان میگردد. این ماده موارد ذیل را ممنوع اعلان کرده است: ۱- تجاوز به زندگی شخص، قتل همه جانبه، رفتار زشت و شکنجه. ۲- گروهانگیری ۳- تعدی، ظلم، تخطی و بی حرمتی به حیثیت مردم و پرسونل و تحقیر و توهین. ۴- قتل و کشتار با دستور بدون محاکمه رسمی توسط قاضی موظف و تحمیل هر گونه ضمانت و تعهد قانونی و قضای که توسط مردم ملکی اجتناب نا پذیر باشد.
۱۴۰. تجاوز جنسی طبق پیمان جینیوا در سال ۱۹۴۹، نسل کشی و قوم کشی طبق پیمان سال ۱۹۴۸، شکنجه طبق پیمان سال ۱۹۸۴ و جنایت علیه بشریت تحت منشور خاوری آلمان ممنوع دانسته شده است. در ماه جون سال ۱۹۹۶ محکمه جنایی ملل متحد برای هشت نفر نظامی و پولیس یوگسلاویا بخاطر تجاوز شان بر زنهای

- مسلمان در جنگ بوسنی اعلان جرم و کیفر خواست نمود. اولین جرم شان تجاوز جنسی بوده و بطور واضح جنایات جنگی حساب گردیده بود.
۱۴۱. رهبران برای وحدت و اتحاد کردن قسم کرده بودند، نشریه نیویارک تایمز ۳ جنوری ۱۹۹۳.
۱۴۲. مصاحبه با قوماندانان سابق.
۱۴۳. دسته دسته افراد در وسیع شدن جنگ در پایتخت افغانستان کشته شدند. نشریه نیویارک تایمز ۳ جون ۱۹۹۴.
۱۴۴. نیروهای افغان دشمن را از پایتخت عقب زدند. (نیویارک تایمز ۲۷ جون ۱۹۹۴).
۱۴۵. این حادثات در مفصل در کتاب انتونی داویس (Anthony Davis) تحت عنوان چگونه طالبان نظامی شدند و در کتاب ویلیام میلی (William Maley) تحت عنوان بنیاد گرای تولد شد؟ افغانستان و طالبان چاپ لاهور وانگارد ۱۹۸۸ صفحه ۵۰-۵۳.
۱۴۶. ریاست ایالات متحد " افغانستان تجربه از حقوق بشر ۱۹۹۵.
۱۴۷. مصاحبه ها با رهبران و نظامیان.
۱۴۸. پروتوکول اول جینیوا فصل ۱۱ ماده ۵۱ سال ۱۹۷۷. افغانستان این ماده را تأیید نکرده است. اگرچه معیار های که این ماده در عملی شدن جنگهای داخلی مسلحانه بطور عموم به عنوان جزء قوانین بین المللی در رابطه به رهبری جنگ پذیرفته شده است.
۱۴۹. E/CN.4/1994/53 para. 16.
۱۵۰. قوماندان گفت که در جبهه شمال آنها توپهای تی ۶۲، تی ۵۲، و ۷۶ صحرا توپ دی سی، بی ایم ۱۶، بی ایم ۱۳، و هاوان مختلف از قبیل هاوان وسط و غرنی را کشف کردند. بعضی شان در ارتفاعات و بعضی دیگر شان در طول راه جلال آباد، تپه بیمارو، تپه های اطراف میدان هوای خواجه رواش و دانشگاه نظامی مستقر بودند. همچنان قوای زره دار قرقه ۶۰ توسط مولوی صدیق الله کسیکه اول در حزب مولوی محمد نبی بود رهبری میشد.
۱۵۱. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان با قوماندانان سابق در سال ۲۰۰۵.
۱۵۲. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان با افسران و کارمندان سابق استخبارات در سال ۲۰۰۵.
۱۵۳. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در ماه می ۲۰۰۵.
۱۵۴. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان با تحلیل گران ۲۰۰۵.
۱۵۵. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در ماه می ۲۰۰۵.
۱۵۶. ارزیابی نیروهای نظامی توسط پروژه عدالت افغانستان.
۱۵۷. ریاست ایالات متحد " افغانستان تجربه از حقوق بشر ۱۹۹۳. (واشنگتن دی سی: ۱۹۹۴).
۱۵۸. بگفته صلیب سرخ الی ۲۰۰۰ هزار نفر تا ماه آخر کشته شد " نشریه نیویارک تایمز در ۶ ماه سپتامبر ۱۹۹۲.
۱۵۹. مصاحبه پروژه عدالت افغانستانی با کار افسران سابق استخبارات.
۱۶۰. مصاحبه پروژه عدالت افغانستانی با قوماندانان سابق کوندک در ماه می ۲۰۰۵.
۱۶۱. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در ماه می ۲۰۰۵.
۱۶۲. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در ۲۰۰۴.
۱۶۳. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در کابل در سال ۲۰۰۵.
۱۶۴. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در کابل ماه می ۲۰۰۵.
۱۶۵. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در ماه می ۲۰۰۵.
۱۶۶. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در کابل ماه می ۲۰۰۵.
۱۶۷. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در کابل ماه می ۲۰۰۵.
۱۶۸. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در کابل ماه می ۲۰۰۵.
۱۶۹. نیروهای افغان دشمنان را از پایتخت بیرون کرد، نشریه نیویارک تایمز ۲۷ جون ۱۹۹۴.
۱۷۰. از مصاحبه های با قوماندانان سابق و شاهدان عینی به شمول باشندگان سابق افشار.
۱۷۱. شاه در ماه آپریل ۲۰۰۲ در کابل گرفتار شد و به یک تعداد جنایات به شمول بعضی جنایات جنگی در همان زمان متهم گردیده بود. او در ۱۹ ماه آپریل ۲۰۰۴ بقتل رسید. او به بازرسان حقوق بشر گفت که سیاف
-
- با قوماندانان ارشد در جریان تمام عملیات ها مسقیم در تماس بود، و او میخواست که به بازرسان محلات قبرهای دسته جمعی از اسیران افشار و غیره را که مطابقت با معیار های حقوقی بین الملل ندارد را نشان دهد.
۱۷۲. مصاحبه با قوماندانان و بخش عملیاتی استخبارات در ۴/۲۰۰۳.
۱۷۳. مصاحبه با قوماندانان سابق در سال ۲۰۰۴.

- ۱۷۴ . مصاحبه با قوماندانان و بخش عملیاتی استخبارات از ۲۰۰۳ الی ۲۰۰۴ .
- ۱۷۵ . ایضا
- ۱۷۶ . اظهارات مشرح که پروژه عدالت افغانستان دریافت کرده است.
- ۱۷۷ . مصاحبه با قوماندانان و دیگر شاهدان در ۴/۲۰۰۳ . باور بر این است که طالبان بهرامی را در سال ۱۹۹۵ گرفتار کرده و بعد از اینکه او برایشان گفت که آشیز است رها کردند. اگرچه طبق گزارش وی مکرراً توسط طالبان اسیر شد و تا سقوط بامیان مفقود الاثر بود.
- ۱۷۸ . بازرسی و تحقیقا ساحوی توسط پروژه عدالت افغانستان.
- ۱۷۹ . تمام اسم ها بخاطر حفظ شهرت شاهدان تغییر داده شده است.
- ۱۸۰ . مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در ماه می ۲۰۰۵ .
- ۱۸۱ . برادر استاد شفق که عضو شورای مرکزی بود احتمالاً فعلاً در استرالیا است.
- ۱۸۲ . مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در ماه می ۲۰۰۵ .
- ۱۸۳ . بعد یک قوماندان حرکت اسلامی و معاون وزارت در کابینه آقای ربانی و به تازه گی معاون ریاست امور اداری .
- ۱۸۴ . ولی گفت که گرفتارگران وی کوشش داشتند که او را در زندان اصلی در زون ۳ ببرند، ولی زمانیکه ما به آنجا رسیدیم مسئول زندان به من و افراد که مرا گرفتار کرده بودند گفت که او هیچکس را زندانی کرده نمیتواند مگر اینکه مزاری دستور داده باشد.
- ۱۸۵ . ولی دو باره احضار گردید و این افراد شامل خداداد عرفانی، شخصیت بلند پایه شیعه، قوماندان واحد که قبلاً با حزب وحدت بود که و ادعا میشد که با شورای نظار و اتحاد همکاری داشت تا برای شان اجازه بدهند که در منطقه افشار داخل شوند، جنرال غرجی که قبل پیوستن به حزب علیه دولت نجیب جنگ میکرد و تابیش که منشی ربانی بود. سمیع مصلح وزیر، (اخیر کشته شد) خداداد عرفانی، صابر عضو حرکت اسلامی و قوماندان طاهر طوفان.
- ۱۸۶ . مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در ماه می ۲۰۰۵ .
- ۱۸۷ . وی تا هنوز در مزار شریف زندگی میکند.
- ۱۸۸ . مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در ماه می ۲۰۰۵ .
- ۱۸۹ . مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در ماه می ۲۰۰۵ .
- ۱۹۰ . یک تعداد دیگر که شامل نصیر دیوانه، که قوماندان غند بود، داود دیوانه معاون حاجی امینی قوماندان فرقه ۰۹۶ . بعض القاب دیگر که توسط قوماندانان قانون شکن حزب وحدت انتخاب شده بودند بنام های آم خور، شیشه خورف گاو و گنگس بودند.
- ۱۹۱ . مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در ماه می ۲۰۰۵ .
- ۱۹۲ . مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در ماه می ۲۰۰۵ .
- ۱۹۳ . مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در ماه می ۲۰۰۵ .
- ۱۹۴ . مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در ماه می ۲۰۰۵ .
- ۱۹۵ . مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در ماه می ۲۰۰۵ .
- ۱۹۶ . مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در ماه می ۲۰۰۵ .
- ۱۹۷ . اندرو روچ (Andrew Roche) " شروع جنگ دو باره بر خلاف آتش بس" نشر رویتر ۴ جون ۱۹۹۲ . شارون هیربوغ (Sharon Herbaugh) افراد ملکی سخن از زندان توسط یاغیان میزنند. اسوسیتید پریس ۶ جون ۱۹۹۲ .
- ۱۹۸ . مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در ماه می ۲۰۰۵ .
- ۱۹۹ . مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در ماه می ۲۰۰۵ .
- ۲۰۰ . مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در ماه می ۲۰۰۵ .
- ۲۰۱ . مصاحبه پروژه عدالت افغانستان ۲۰۰۵ .
-
- ۲۰۲ . مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در کابل در ۲۰۰۵ .
- ۲۰۳ . روبین" فروپاشی صفحه ۱۶۰ .
- ۲۰۴ . ایضا
- ۲۰۵ . کلمه گلیم جم اول راجع به قوماندان بلخی بنام ما مور امان الله که فامیلش در جنگ بین گروهی مجاهدین بکی محو گردیده بود استفاده شده است. " برایش گفته شده بود که گلم تو جمع شده است. " بدین معنی که از تو خلاص شده است. " متعاقباً او به وزارت امنیت ملی استخدام گردید و پوسته اش را در همسایگی همسایگانش که بیجا شده بودند مستقر کرد. پوسته وی بزودی رشد کرد ولی بدنام شد و کلمه گلم جم تکیه کلام و ضرب المثل به معنی تجاوز و نقض حقوق بشر در اکثر نقاط افغانستان مشهور گردید.

۲۰۶. بطور مثال عصمت مسلم اچیکزی از قندهار.
۲۰۷. رجوع به کتاب روبین تحت نام فروپاشی صفحه ۲۷۰.
۲۰۸. مصاحبه با پروژه عدالت افغانستان.
۲۰۹. مشابهاً قوماندانان منشعب شده مجاهدین را طرف خود میکشید. یک تعداد محدود از کادر تعلیم یافته از قوم ازبک بر علاوه تاجکها افسران مسلکی در اردو مثل جنرال مجید روزی، ارباب ازبک افسر سلاح ثقيله از ولایت بلخ، جنرال جوره بیگ یک افسر پیاده نظام از قوم ازبک از جوزجان به فرقه ۵۳ پیوستند. این پیوستن باعث رشد تخصص و تخنیک این فرقه گردید و مخصوصاً در زمینه زرهی و تو پخانه. افسرانی که طرف دوستم کشیده شدند روابط نزدیک و پایدار در بین پرسونل افزایش و محکم گردید. اکثریت این افسران از بقایای جناح پرچم بودند و همچنان دوستم، فکر میکردند که دوستم عقیده تا متمایل این حزب هستند. شهر شبرغان اکثریت پرچمی بودند و دوستم حمایت اقوام مختلف پرچمی را از این منطقه کسب کرده بود. یک تعداد قلیل که مربوط به جناح خلق مثل سخی فیضی از فاریاب فکر می کرد که این یک موضوع برجسته سیاسی نیست. پروژه عدالت برای افغانستان مصاحبه و روابط از طریق E-mail با تحلیلگران انجام داده است.
۲۱۰. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان ۲۰۰۵.
۲۱۱. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان ۲۰۰۵.
۲۱۲. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان ۲۰۰۵.
۲۱۳. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان ۲۰۰۵.
۲۱۴. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان ۲۰۰۵.
۲۱۵. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان ۲۰۰۵.
۲۱۶. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان ۲۰۰۵.
۲۱۷. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان ۲۰۰۵.
۲۱۸. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان.
۲۱۹. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان با شاهدان عینی در نوامبر ۲۰۰۳ و با تحلیل گران مسایل سیاسی در جون ۲۰۰۴.
۲۲۰. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان همراي تحلیل گران سیاسی ۲۰۰۴.
۲۲۱. بعض قوماندانان جنبش با ملک پیوستند و دیگرانش نپیوستند. طبق یاد داشت رهبران ارشد جناح ها و قوماندانان همیشه کنترل کامل بر قوماندانان زیر دست شان نداشتند و وفاداری قوماندانان و افرادش بخاطر توقع بودند. بدین ترتیب و یا بنا بر این کمی انگیزه مشوق کننده موجود بود تا نظم نظام به هر طریقی بود پاداش و جایزه بخاطر وفا داری شان میخواستند که به اندازه خود مختاری (شامل چور و چپاول، ارباب و تهید و سوئ استفاده ها) بود که آنها از آن لذت میبرد.
۲۲۲. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان ۲۰۰۵.
۲۲۳. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان در اکتوبر ۲۰۰۳.
۲۲۴. یک تعداد اسیران طبق گزارش در قندوز توسط جبهه متحد کشته شدند. اخبار جهانی بی بی سی جنوب آسیا. قتل عام انتقام جویانه در ۲۷ نوامبر ۲۰۰۱ در قندوز. " <http://news.bbc.co.uk/2/hi/south-asia/1678723.stm>.
۲۲۵. واقعه که در اسناد دیده بان حقوق بشر ثبت شده است > قتل عام در مزار شریف در ۱ نوامبر ۱۹۹۸، ضمیمه C1007.
-
۲۲۶. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان با شاهدان عینی در فیبروری ۲۰۰۲.
۲۲۷. مصاحبه های پروژه عدالت افغانستان ۲۰۰۲: اخبار جهانی بی بی سی جنوب آسیا، ملل متحد در تحقیق مرده های طالبان در اول سپتامبر ۲۰۰۲، " <http://news.bbc.co.uk/2/hi/south-asia/2228754.stm> موسسه صلیب سرخ بدقت و ارسی کردن مرده های طالبان در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۱. <http://news.bbc.co.uk/2/hi/south-asia/1705708.stm> " تهدید بقتل شاهدان افغانی ۱۴ نوامبر ۲۰۰۲. <http://news.bbc.co.uk/2/hi/south-asia/2476383.stm>."
۲۲۸. روابط محرمانه با پروژه عدالت افغانستان.
۲۲۹. مصاحبه ها در ماه می ۲۰۰۵ در کابل.
۲۳۰. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان ۲۰۰۵.
۲۳۱. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان ۲۰۰۵.
۲۳۲. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان ۲۰۰۵.
۲۳۳. ایضاً.

۲۳۴. ایضاً.
۲۳۵. ایضاً.
۲۳۶. در همین زمان افغانها تجارت به نرخ تقریباً بین ۱۷۰۰۰ الی ۲۵۰۰۰ دالر آمریکای میگردند.
۲۳۷. مصاحبه ها در کابل در ماه می ۲۰۰۵.
۲۳۸. ایضاً.
۲۳۹. ملک ادعای مفصل علیه دوستم کرده است که که برادرش رسول پهلوان را در ماه جون ۱۹۹۶ بقتل رسانده است.
۲۴۰. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان ۲۰۰۴.
۲۴۱. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان با شاهدان عینی ۲۰۰۴.
۲۴۲. جنرال روف بیگی " پیروزی انقلاب اسلامی تا سقوط مزار بدست طالبان " فارسی.
۲۴۳. مصاحبه با جنرال عبدالملک پهلوان در ۲۱ آپریل ۲۰۰۴.
۲۴۴. مصاحبه با قوماندانان محلی و نجات یافته گان طالبان.
۲۴۵. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان با مقامات رسمی قبلی طالبان.
۲۴۶. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان ۲۰۰۱.
۲۴۷. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان ۲۰۰۴.
۲۴۸. مصاحبه پروژه عدالت افغانستان با یک نجات یافته در دسامبر ۲۰۰۳.
۲۴۹. مصاحبه در دسامبر ۲۰۰۱.
۲۵۰. بعد از اینکه طالبان کابل را در سال ۱۹۹۶ تصرف کردند نام حکومت خود را امارت اسلامی افغانستان اعلان کردند. بخش از این تاریخچه معلومات بیشتر را در رابطه به تغییر طالبان به یک نیروی نظامی تبدیل کرد. و بدین ترتیب به خواستگاه خود در ۱۹۹۴ آغاز کردند.
۲۵۱. کلمه طالبان بمعنی شاگردان است و در این متن به شاگردان خاص از مدرسه های پاکستان و روستا های افغانستان منسوب گردیده است. در دهه ۱۹۸۰ طالبان با یک تعداد افراد احزاب مجاهدین به نبرد پرداختند. اگرچه این قشر تحریک طالبان اعم از ملیشه های را که در ۱۹۹۴ به وجود آمدند و بعد از کنترل کابل در سال ۱۹۹۶ و تأسیس امارت اسلامی احتوا میکند.
۲۵۲. مراجعه کنید به برنیت آر روبین کتاب تحت عنوان جستجوی صلح در افغانستان: از ایالت حائل تا ایالت نا کام (نیویارک هاون: طبع دانشگاه یالی ۱۹۹۵) ۱۳۹-۱۴۰ برای موارد مشخص امنیتی در قندهار.
۲۵۳. روبین یاد داشت کرده است که " تمام عاملین خرافه و داستان بخاطر توضیح دادن " ترقی طالبان در قندهار شنیده میشد. مراجعه شود به رشید صفحه ۲۵.
۲۵۴. بینظیر بوتو که نخست وزیر پاکستان همراه با وزیر داخله جنرال نصر الله خان بابرطبق گزارش در جستجوی امنیت کردن راه تجارتي در آسیای میانه بود. در اکتوبر و نوامبر سال ۱۹۹۴، دگروال امام از ISI آی اس آی پاکستان همراه یک کاروان تجارتي که از کوئته طرف ترکمنستان از مسیر قندهار و هرات بخاطر مشخص نمودن ساحات و کشیدن خط قطار آهن آمده بود. دگروال امام یک انسان شیطان و افسر عالی
-
- رتبه در آی اس آی بود که عملیات ها را سازمان دهی میکرد. در ۱ یا ۲ نوامبر ۱۹۹۴ افراد قبیلوی در امتداد مرزی قندهار این کاروان را توقف داد. در ۳ ماه نوامبر این کاروان توسط طالبان آزاد گردید. ببینید کتاب انتونی داویس تحت عنوان " چگونه طالبان نظامی شدند و بنیاد گرای ظهور کرد یا تولد یافت؟ کتاب میلی صفحات ۴۵-۴۶. کتاب روبین جستجوی برای صلح ص ۱۳۹. همچنان در ماه اکتوبر طالبان سپین بولدک را از پیش حزب اسلامی حکمتیار گرفتند و امکان دارد که انبار اسلحه را از آنجا گرفته باشند. این واقعه توسط داویس توضیح داده شده است صفحه ۴۵-۴۶. در این جا شک وجود دارد که آیا این انبار اسلحه در تا هنوز در آنجا بود و یا اینکه قبل از آن غارت شده بود. داویس تأکید دارد حتی طالبان این انبار را گرفتند ممکن به حمایه آی اس آی باشد و از آنها تا آن محل امکانات گرفته باشد به هر وسیله.
۲۵۵. دیده بان حقوق بشر نمونه های از دشمنی. (NY دیده بان حقوق بشر جولای ۲۰۰۱)
۲۵۶. داویس ۶۱ و رشید ۳۹.
۲۵۷. رشید ۱۹۱، مخصوصاً ن. ۱۲. رشید نقش پاکستان را به حمایه طالبان مفصل در کتاب طالبان مورد بحث قرار داده است.
۲۵۸. داویس ۴۷-۴۸.
۲۵۹. پالیسی و سیاست طالبان توأم با احترام به زنان در نشریات متعدد به شمول گزارش گزارشگر خاص از سال ۱۹۹۴ به بعد توضیح داده است. بطور مثال جلسه اقتصادی و اجتماعی ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر، گزارشی از وضعیت حقوق بشر در افغانستان را ببینید. (E/CN.4/1996/64).

۲۶۰. داویس ۵۳.
۲۶۱. در آگست ۱۹۹۸ بعد از اینکه ایالات متحد اسامه بن لادن را متهم به دو بمب گذاری هم زمان در سفارت خانه ایالات متحد در کنیا و تانزانیا کرد، نیروهای ایالات متحده کمپی را در خوست مورد حملات راکتی قرار داد که یک تعداد افراد مسلح پاکستانی عضو گروه حرکت الانصار به قتل رسیدند. ایالات متحده تحریم های اقتصادی را علیه طالبان از جنوری ۱۹۹۹ تحمیل کرد. بعد در ۱۵ اکتوبر سال ۱۹۹۹ به حمایه ادعا هایش مبنی بر اینکه طالبان افغانستان قرار گاه تروریست های بین المللی درست کرده است و بن لادن با ید تسلیم داده شود، شورای امنیت ملل متحد تحریمات محدود را بر طالبان طبق ماده ۱۲۶۷ وضع نمودند. یک تعداد ملکیت های طالبان به شمول پرواز های بین المللی طیاره آریانا و غیره را ممنوع کردند. شورای امنیت این اقدامات موثر تحریم را بر گرفته از ماده ۱۳۳۳ در ۱۹ دسامبر ۲۰۰۰ اعلان کرد. این اقدام موثر دوم شامل مجازات طالبان و تحریم تسلیحاتی بر طالبان بود و به طور عموم پرواز ها مسافرت ها بر مقامات ارشد طالبان متوقف شده بود نمایندگی های طالبان در خارج نیز تعطیل شده بودند. اگرچه کوششهای کمی برای تحریم تسلیحاتی وجود داشت. در بین سالهای ۱۹۹۸ و ۲۰۰۱ کاماز بارشد از امتداد سرحد پاکستان برای شان میرسید. در آپریل و می ۲۰۰۱ منابع دیده بان حقوق بشر گزارش دادند حل اقل روزانه ۳۰ موتر کاماز از مرز پاکستان وارد افغانستان میشوند. و طبق گزارش بعض این موتر ها مرمی های راکت انداز، تانک و راکت های حمل بمبهای خوشه بار شده از مرز داخل میشوند. چنین انتقالات مستقیماً نقض تحریمات ملل متحد بود. دیده بان حقوق بشر این معلومات را از منابع ها در پاکستان و افغانستان دریافت کرده است. توسط مصاحبه ها و ارتباطات E-mail در ماهها آپریل و می ۲۰۰۱. این گزارش ها اگرچه تازه گی ندارد. یک گزارش از سال ۱۹۹۷ توسط دبیر کل ملل متحد و شاهدان موثق و قابل اعتماد کسانیکه این انتقالات را به طور متعدد دیده است و شورای امنیت ملل متحد همه و همه تأیید میکنند. " وضعیت افغانستان و اثرات و عوارض خطر ناک آن در صلح و امنیت بین الملل" گزارش توسط گزارش از دبیر کل ملل متحد (S/1997/894, November 14, 1997) para. 18.
۲۶۲. E/CN.4/1998/71, para. 1.
۲۶۳. E/CN.4/1998/71, para. 2.
۲۶۴. در عین زمان خانم پتریشا گاسمن رئیس پروژه عدالت افغانستان یک تحقیق گر ارشد در جنوب آسیا در دیده بان حقوق بشر است. گزارش دیده بان حقوق بشر در رابطه به قتل عام و کشتار مزار شریف در ماه نوامبر سال ۱۹۹۸ طبع گردید. (دیده بان حقوق بشر جلد ۱۰، شماره ۷ (C).)
۲۶۵. مصاحبه با کارمندان ملل متحد که در مزار بودند در آگست ۲۰۰۴ انجام دادند. نیز به دیده بان حقوق بشر قتل عام و کشتار در مزار مراجعه کنید.
-
۲۶۶. مصاحبه محرمانه با کارمندان UNHCR ۱۹۹۸.
۲۶۷. دیده بان حقوق بشر قتل عام مزار شریف.
۲۶۸. مصاحبه محرمانه با کارمندان UNHCR ایضاً
۲۶۹. مصاحبه محرمانه با کارمندان UNHCR ایضاً
۲۷۰. مصاحبه محرمانه با کارمندان UNHCR ایضاً
۲۷۱. شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد کمیسیون در رابطه به حقوق بشر، گزارش از وضعیت حقوق بشر در افغانستان. (E/CN.4/1999/40), para. 10.
۲۷۲. مصاحبه محرمانه با کارمندان UNHCR
۲۷۳. دیده بان حقوق بشر. قتل عام هزاره ها در افغانستان. نشر دیده بان حقوق بشر در (ماه فبروری ۲۰۰۱) جلد ۱۳، شماره ۱ C.
۲۷۴. ایضاً
۲۷۵. ایضاً
۲۷۶. ایضاً
۲۷۷. ایضاً
۲۷۸. ایضاً
۲۷۹. ایضاً
۲۸۰. ایضاً
۲۸۱. ایضاً
۲۸۲. اسماعلیه ها پیرو آغا خان هستند. از نظر بعضی سنی ها مثل شیعه مرتد هستند. آنها در شمال سالنگ در اطراف دوشی زندگی میکنند و یک غند تحت نظر حکومت داکتر نجیب الله بخاطر حفظ قسمت شاه راه سالنگ در منطقه مستقر کردند. آنها توسط شخص ثروت مند سید نادر کیان رهبری میشوند. در جنوری ۱۹۹۲ سید

- نادر با دوستم پیوست و یکی موسسین جنبش ملی است. و زمانیکه طالبان منطقه وی را گرفت سید نادر با فامیلش فرار کردند. روابط E-mail با روبین دارد.
۲۸۳. دیده بان حقوق بشر، قتل هزاره ها در افغانستان.
۲۸۴. ایضاً
۲۸۵. ایضاً
۲۸۶. ایضاً
۲۸۷. ایضاً. طبق اظهارات روبین، این یکنوع شکنجه مرسوم در روستای افغانستان است. ارتباط E-mail با روبین در جولای ۲۰۰۴.
۲۸۸. عکسهای از قتل هزاره ها در افغانستان توسط دیده بان حقوق بشر تهیه گردیده و در دسترس میباشند.
۲۸۹. دیده بان حقوق بشر، قتل هزاره ها در افغانستان.
۲۹۰. سیمپل "تکمیل شهود در مورد نقض حقوق بشر.
۲۹۱. کسبیکه بازرس و تحقیق گر حادثه بود دست یافت تا ارتباط مخابراتی طالبان را در نیک زمانیکه مردم را میگر فتند کشف کند.
۲۹۲. گزارش های ذیل از مایکل سمل Michael Semple گرفته شده است قتل عام و کشتار مستبدانه، شکنجه، اسیر گرفتن، راکت بارانی کور کورانه و چور و چپاول منازل و مواشی مردم ملکی یکولنگ از ماه فیبروری الی سپتامبر ۲۰۰۱. (تا هنوز نشر نشده است).
۲۹۳. یک مقام ارشد ملل متحد به پروژه عدالت افغانستان گفته است که راکت ها و بمبها صدایش در مناطق غیر نظامی می پیچید.
۲۹۴. مصاحبه با بی بی سی در ۱۵ فیبروری ۲۰۰۲.
۲۹۵. دیده بان حقوق بشر "قتل عام و شکنجه در افغانستان توسط نیروهای ایالات متحده و زندان ابو غریب" کنفرانس مطبوعاتی در ۲۰ می ۲۰۰۵.
۲۹۶. E/CN/4/1985/21 para. 76.
۲۹۷. دیده بان آسیا و هیلسینکی و اچ، مرگ در افغانستان صفحات ۶۷-۶۸ اظهارات مقام رسمی در زندان پلچرخ مصاحبه در پشاور در ۲۵ اگست ۱۹۸۵.
-
۲۹۸. کنفرانس مطبوعاتی دیده بان حقوق بشر " اعمال نیروهای ایالات متحد در نحستین ماجرای زندان ابو غریب در ۲۷ آپریل ۲۰۰۵.
۲۹۹. دیده بان حقوق بشر "قتل عام و شکنجه در افغانستان توسط نیروهای ایالات متحده و زندان ابو غریب" کنفرانس مطبوعاتی در ۲۰ می ۲۰۰۵.